



ضمیمه

شورا

په نامه شورای ملی مقاومت ایران

شماره ۵۳ — فروردین تا خرداد ۶۹

ویژه

شهید بزرگ حقوق بشر

دکتر کاظم رجوی

ویژه
شهید بزرگ حقوق بشر
دکتر کاظم رجوی

www.xalvat.org
www.KitabFarsi.com

شورا

پست انشعوبی مقاومت ایران

ضمیمه شورا - شماره ۵۳ فروردین تا خرداد ۶۹

شورا

مابستار شورای فنی مقاومت ایران

فهرست

خبر

رودی میان دریا
چراغی میان جنگل!

چه شامگاهی
ملاقات سرب و سناره
بغضهای به دست فنگ
بوی خون سوخته
طبل بلند غروب
و بیست و یک شلیک
هیکلی خلاصه
کیف دستی کوچک
در فرودگاه
پاسپورت یک خلق
بر میزهای جهان
ارقام زخم
تخت شکنجه
گور گمشده
غرور ترک خورده
وجدان شلاقی شده

آه!

خبری بر تابلو
متهمی در استخوان

نوید

(رزمنده ارتش آزادیبخش ملی)

* «خبر»

* ادای احترام

* شرح حال

* پیام خانم مریم رجوی

* اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

* اطلاعیه جبهه دموکراتیک ملی ایران

* اخبار و گزارشها

* پیامهای تسلیت

نوید

فربا هشترودی

۳

۴

۷

۱۷

۲۳

۲۵

۲۷

۲۷

مهربان و خندان و آن لبخند آرامش‌بخش می‌رفتند تا برای همیشه خاموش شوند؛ کاظم رجوی به سوی قتل نفرت‌انگیز می‌شتافت، چون کمتر به زندگی خود می‌اندیشید و همیشه در فکر زندگی دیگران بود.

مزاحم اوقاتش شده بودم تا مسعود را بهتر بشناسم، همین «پسر - برادر کوچکتر»ی که زندگی او را دگرگون کرده بود... و دگرگونیها و درآمیختگیهای این دو زندگی پر تب و تاب، سرانجام مرا به کشف این برادر بزرگتر، «این پدر در سایه مانده»، این نجات‌دهنده لحظات آخر رساند. مشخصه اولش فروتنی است و هوشمندی مهار شده، مشخصه دومش سادگی و صداقت. مجموعه، آدمی است سبکبال با جهشهای غیرقابل تصور. در نقل خاطره، از زمانی که کودک بودند تا دوران بلوغ، از جداییهای دردناک و اضطراب‌آور، هنگامی که مرگ بالای سر این برادر کوچک عزیزتر از جان پرپر می‌زد، تا مبارزه بی‌امان با جهل و توخش، کاظم رجوی همیشه از آن «دیگری» حرف می‌زند که تبلور یک مبارزه است و سمبل دیگران، همان «بیشماران»، «بی‌نام و نشان»، همان فراموش‌شدگان، همان محرومانی که از خودشان هستند؛ همین هم‌میهنان دریند.

«من نمی‌دانم، یا به روایتی خیلی خوب می‌دانم که چطور به دام مسعود افتادم... او به عنوان برادر خیلی زود محو شد و آن چه ماند خدمتگذار واقعی یک آرمان بود که به نظر من عادلانه و برحق است».

لبخندهای مقطعش خاطره قهقهه گذشته‌های دورند، زمانی که برادر کوچکتر «که همان وقت هم دیپلمات قهاری بود» تازه فعالیت سیاسی را شروع کرده بود. «سالهای سال هیچ‌کس از افراد خانواده خبر نشد که او وارد فعالیت شده است. خیلی دقت می‌کرد که خانواده را از شر ساواک دور نگهدارد... اما دیپلماسی او هیچ‌وقت مزاحم صداقتش نبود و دلیل اساسی قرارگرفتن من در کنار او همین است». باز خنده خفیه می‌کند و اعترافی که نشان از صداقت خودش دارد: «چون نتوانستم او را از ادامه راه منصرف کنم، خودم قانع شدم که باید این راه را تا آخر بروم».

برادر بزرگتر، این جانشین پدر، به واقع مبارزه را بی‌هیچ تزلزل ادامه داد و واقعاً پدر شد.

می‌گوید «دیگر کسی این امتیاز را ندارد که بتواند خانواده‌اش را در امان نگهدارد. نگرانی برای جان مخلصان، گاه زندگی را برای خانواده‌ام تلخ می‌کند» و با این شوخی، با ظرافت از فاجعه‌سازی بی‌جا می‌گریزد. پس از یادی احترام‌آمیز و سرشار از عشق و محبت از همسرش، «این بهترین دوست، که نیروی لازم برای پیش‌رفتن را در او می‌دمد»، پس از پراندن چند متلک به قصد فرزندانش «که به

ادای احترام

وقتی در بحرش فرومی‌روید، بیشتر از آداب‌دانی و ظرافت بی‌حدش، لبخند کودکانه و معصوم اوست که به دل می‌نشیند. ناگهان به نظر می‌رسد که بین سفیر نمونه مقاومت و سیاست و دیپلماسیش فرسنگها فاصله است... الزامهای غیرقابل سربیزی و بازیهای بی‌امان جنگ اعصابی که بیش از بیست سال است به آن اشتغال دارد، در برابر خود او و خودجوشی بهت‌انگیزش ناچیز، حتی متضاد، جلوه می‌کنند. روشن بودن رسالتش تنها یقین اوست و وفاداری و ثبات قدم تنها سلاحش. در مورد بقیه چیزها، به قول خودش، «زندگی همیشه پیش می‌برد، من نمی‌توانم از مرگ برحذر باشم. در مورد خودم از این بابت نگران نیستم». بعد از ظهر رو به پایان است، «خانه شگری» زیر آفتاب دلپذیر و نیروبخش به خواب رفته است. دکتر رجوی عازم سوییس است و باید از هم جدا شویم. با بی‌میلی از جایش بلند می‌شود و می‌گوید «جای تأسف است که وقت نیست. هنوز چیزهای زیادی بود که می‌خواستم برایتان بگویم، و تازه بعد از آن نوبت من بود که از شما سؤال کنم».

این تأسف برای من خیلی زود به تلخکامی، خشم و درد بدل شد. آن نگاه

شرح حال

کاظم رجوی، متولد ۲۹ بهمن ۱۳۱۲ در مشهد، دارای همسر و سه فرزند

تحصیلات

در سال ۱۳۳۷ از دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران لیسانس گرفت. بعد به فرانسه رفت و یک سال در مدرسه «آلیانس» زبان فرانسه خواند. در سال ۱۳۴۰ از دانشکده حقوق و علوم اقتصادی پاریس دکترای دولتی در علوم سیاسی گرفت. دو سال بعد صاحب درجه دکترای دولتی در حقوق عمومی از همان دانشکده شد. در سال ۱۳۴۳ برای دکترای دولتی علوم اقتصادی امتحان داد و قبول شد و سال بعد کنکور شایستگی برای پست استادیاری در دانشکده حقوق و علوم اقتصادی پاریس را با موفقیت گذراند. در سال ۱۳۵۲ رساله دکتریش را در مؤسسه دانشگاهی مطالعات بین‌المللی ژنو گذراند.

مشاغل

در سالهای ۳۵ تا ۳۷، دبیر دبیرستانهای تهران بود. در سال ۴۴ استادیار دانشکده حقوق پاریس شد. از سال ۵۷ تا ۵۹ مسئول کتابخانه مؤسسه عالی مطالعات بین‌المللی ژنو بود. از سال ۴۹ تا ۵۳ در همان مؤسسه سمت استادیاری داشت. از سال ۵۳ تا ۵۶ در دانشکده حقوق و مؤسسه عالی مطالعات بین‌المللی ژنو مسئول تحقیق بود و «تاریخ عقاید سیاسی» را نیز تدریس می‌کرد. از سال ۵۶ تا ۵۸ استاد تدریس و مسئول سمینار در دانشکده ادبیات دانشگاه ژنو بود. در سالهای ۵۷ و ۵۸ در مؤسسه دانشگاهی مطالعات توسعه اقتصادی ژنو نیز مسئولیت تدریس و سمینار را به عهده داشت. در سال ۵۸، پس انقلاب، سفیر ایران در سازمان ملل متحد در ژنو شد. در سال ۵۹ سفیر و رئیس هیأت سیاسی ایران در کشور سنگال و ۷ کشور افریقای

فعالیت‌هایی خطرناکتر از مال پدر، مثلاً هوانوردی» دست می‌زنند، مرا به دنبال خود به سازمان ملل متحد و مجامع بین‌المللی دیگر می‌کشاند. در این جاست که جنبه‌های دیگر این آدم مسالمت‌جو بارز می‌شود. این جا، این مبارز خستگی‌ناپذیر راه آزادی با سلاحی به مراتب خطرناکتر از گلوله، با شیدان می‌جنگد. وقتی دکتر رجوی از راه درازی حرف می‌زند که بیش از بیست سال است می‌پیماید «و تازه در برابر راه باقیمانده، کوره راهی بیشتر نیست»، دیپلمات، سیاستمدار و به خصوص انسان‌دوستی که در وجود او نهفته‌اند، با همه ابعاد خودنمایی می‌کنند. با این همه خوشبین است. می‌گوید نتایج به دست آمده «که در قیاس با ابعاد فاجعه، ناچیز است» مطرح نیست، خود اقدام مهم است. چون به نظر او به ایده‌آل نمی‌توان دست یافت، باید آن را مدام جستجو کرد. او نه ناشکیاست و نه به طریق اولی خیالپرداز.

با قیافه‌یی متفکر و در خود فروورفته به من می‌گوید «باید کتاب اسپارتاکوس اثر کویستلر را بخوانید، به محض آن که به سوییس آمدید آن را به شما هدیه خواهم کرد»؛ می‌خواهد مرا در اعتقادش به «هدفهای بلندمدت» بیشتر سهیم کند.

بعد از ظهر در غروب فرومی‌ریزد. «خانه شگری» دیگر کاملاً خالی به نظرم می‌رسد. در مقابل کاغذ سفیدی که باید برای نوشتن کتابم سیاهش کنم، برادر بزرگتر آن قدر فضای ذهنم را اشغال کرده است که مشکل می‌توانم به برادر کوچکتر برگردم. به من گفته بود «دیگر زندگی من از زندگی او جداشدنی نیست». من چنین می‌فهمم که جستجوی آزادی، واحد و یگانه است. آیا او هم همین پیام را می‌خواست به ما برساند؟ به هر حال من همین پیام را در اعماق قلبم حفظ خواهم کرد.

«برای دفاع از آزادی، انتخاب نوع سلاح مهم نیست، فقط نباید گذاشت سلاح زنگ بزند؛ سلاح شما که قلم است، از خطرناکترین سلاح‌هاست. بی‌وقفه به کارش بیندازید». این آخرین جمله‌یی بود که در تلفن، صبح لعنتی روز ۲۴ آوریل ۱۹۹۰ به من گفت.

افسوس، قلم می‌گیرد و در برابر سلاح نابکاران ناتوان است؛ ادعای زندگی بخشیدن دوباره به او را هم ندارد، فقط می‌تواند در مقابل او فروتنانه ادای احترام کند.

فربا هشترویدی

غربی شد و ده ماه بعد، از این سمت کناره گرفت و از آن پس تمام توان و هستیش را صرف خدمت به جنبش مقاومت مسلحانه کرد.

آثار

از انبوه نوشته‌های او به زبان فارسی که به صورت مقاله، اظهار نظر، مصاحبه و... منتشر شده است، متأسفانه فهرست کاملی (حتی نیمه کاملی) فعلاً در دست نداریم. اما آثاری را که به زبان فرانسه نگاشته، خودش این طور فهرست کرده است: — «تکامل بورژوازی و جنبشهای خلقی در ایران»، شهادتنامه دکترای علوم سیاسی، دانشگاه پاریس، ۱۹۶۰، ۱۵۹ ص.

— «اساسنامه و مقررات استخدام دولتی در ایران»، شهادتنامه دکترای حقوق عمومی، دانشگاه پاریس، ۱۹۶۲، ۱۵۰ ص.

— «وضعیت اپوزیسیون در قانون اساسی [و در عمل] در جمهوری پنجم فرانسه»، مقاله در مجله فرانسوی «پس فردا»، شماره ۷۸، نوامبر ۱۹۶۵. — «تجدید نظر در تئوری دولت» [از نظر مارکسیسم]، شهادتنامه دکترای مؤسسه دانشگاهی مطالعات بین‌المللی ژنو، ۱۹۶۹، ۷۵ ص.

— «کوشش برای فهم تئوری مارکسیستی شناخت»، مقاله، مؤسسه دانشگاهی مطالعات بین‌المللی ژنو، ۱۹۷۲، ۱۵ ص.

— «دیکتاتوری پرولتاریا و انهدام دولت، از مارکس تا لنین»، پاریس، آنتروپوس، ۱۹۷۵، ۴۵۰ ص.

— «نظریه مارکسیستی»، متون انتخابی کاظم رجوی و پروفیسور ایورنس، ژنو، ۱۹۷۴، ۴۰ ص.

— «تئوری و واقعیت دیکتاتوری پرولتاریا، بررسی انتقادی»، مقاله در مجله «عقل حاضر»، پاریس، ۱۹۷۵، ۴۰ ص.

— «پیدایش دیالکتیک»، مقاله، به اتفاق ا. مولر، ۴۰ ص.

— «دیالکتیک در تاریخ و در طبیعت» متن دو کنفرانس در «مرکز مطالعات مردمی برای سوسیالیسم»، پاریس، ۱۹۷۶.

— «انقلاب ایران و مجاهدین»، پاریس، آنتروپوس، ۱۹۸۳، ۲۵۷ ص.

— «دیکتاتوری پرولتاریا و دولت، تئوری و واقعیت»، مقاله در مجموعه متون مختلط تقدیمی به «جامعه حقوقدانان سوییس»، دانشکده حقوق ژنو، ۱۹۷۶، ۳۲ ص.

— «دولت امپریالیستی»، مقاله در مجله فرانسوی «انتقاد سوسیالیستی»، ۱۹۷۷، ۳۰ ص.

— «دولت در ایران» در کتاب مؤسسه دانشگاهی مطالعات توسعه اقتصادی ژنو با عنوان «فضاهای سلطان»، پاریس، انتشارات P. U. F.، ۱۳۶ ص.

— «ایدئولوژی بلشویک» با همکاری فرانس بایری، تحت چاپ در آنتروپوس (۱۹۸۷)، ۲۵۰ ص.

— «فروپاشی جامعه ایران و تجارت جهانی» در حال انتشار (۱۹۸۷)، ۲۵۰ ص.

فعالیت در جنبش مقاومت

آغاز فعالیتهای دکتر رجوی در زمینه مخالفت سیاسی با رژیم حاکم و تلاش برای نجات جان زندانیان سیاسی در ایران به زمان حکومت شاه برمی‌گردد. مهمترین کار او در این زمینه، سازماندهی یک پیکار بین‌المللی برای نجات جان برادرش، مسعود، بود که در بیدادگاههای نظامی رژیم شاه به اعدام محکوم شده بود. او گزارش فعالیتهای شگفت‌انگیزش در این مورد را به صورت یک کتاب بزرگ تنظیم کرده که اینک در اختیار سازمان مجاهدین است.

در این جا فقط به فعالیتهای او در جنبش مقاومت، آن هم به صورت خلاصه و فهرست‌وار، اشاره می‌کنیم:

* در آذر ماه سال ۶۲ به عنوان فرستاده ویژه مسئول شورای ملی مقاومت برای بررسی در مورد طرح قطعنامه‌یی در مجمع عمومی ملل متحد به نیویورک اعزام شد. در نتیجه تلاشهای او در مجمع عمومی ملل متحد، موضوع تعیین یک نماینده ویژه برای پیگیری مسأله نقض حقوق بشر در ایران مطرح گردید و مجمع عمومی کمیسیون حقوق بشر را موظف نمود که به نماینده خود مأموریت بدهد که منتظر اجلاس سالانه کمیسیون نشود و گزارش موقت خود را به مجمع عمومی ارسال کند. این امر پایه‌گذار بسیاری از محکومیت‌های رژیم خمینی توسط ارگانهای مختلف ملل متحد گردید.

* در دیماه سال ۶۲ به عنوان نماینده شورای ملی مقاومت در سوییس در پارلمان فدرال این کشور حضور یافت و در سخنرانی خود به تشریح فجایع رژیم خمینی پرداخت.

* در اردیبهشت ماه سال ۶۳ از سوی شورای ملی مقاومت در اجلاس گروه سوسیالیست شورای اروپا شرکت کرد و پیرامون نتایج وخیم جنگ ضد میهنی و هم

چنین تشدید سرکوب و اختناق توسط رژیم ضدبشری سخن گفت. در این اجلاس بیانیه‌یی از طرف سوسیالیستهای پارلمان اروپا براساس طرح صلح شورای ملی مقاومت تنظیم و منتشر گردید.

* در خرداد ماه سال ۶۳ کمیسیون حقوق بشر ملل متحد طی نامه‌یی خطاب به او، از نمایندگان شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین خلق ایران برای شرکت در اجلاس گروه کار و تحقیق در مورد ناپدیدشدگان سیاسی دعوت به عمل آورد. باید گفت که او، از ابتدای سال ۶۱، فعالیت پیگیری را در مورد رسیدگی به دستگیریهای مخفیانه و سر به نیست کردن فعالان سیاسی توسط رژیم خمینی، از طریق مرکز حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو، دنبال کرده بود و گزارشهای جامع و اسناد و مدارک جمع‌آوری شده از سوی مجاهدین خلق ایران در این زمینه را به مرکز مزبور ارائه داده بود.

* در دیماه ۶۳ در رأس هیأتی در سی و نهمین اجلاس مجمع عمومی ملل متحد در نیویورک شرکت نمود. در جریان این اجلاس نمایندگان کشورهای مختلف در جریان دیدارشان با هیأت مقاومت ایران، آمادگی خود را برای دادن رأی مثبت به قطعنامه محکومیت رژیم خمینی، به خاطر نقض ابتدایی‌ترین حقوق بشر در ایران، اعلام داشتند.

* در بهمن ماه سال ۶۳ به عنوان نماینده شورای ملی مقاومت در پانزدهمین اجلاس گروه کار و تحقیق درباره ناپدیدشدگان سیاسی در مقر ملل متحد در ژنو، شرکت نمود. او در سخنرانش پیرامون شیوه‌های ننگین رژیم خمینی در ربودن و سر به نیست کردن مخالفان سیاسی، اسناد و مدارک مربوط به دهها تن از اعضا و وابستگان مقاومت را، که توسط عوامل رژیم خمینی ربوده شده بودند، به رئیس این اجلاس ارائه نمود.

* در بهمن ۶۳، به همراه هیأتی از مقاومت، در چهل و یکمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، که از تاریخ ۱۵ بهمن تا ۲۴ اسفند همان سال در ژنو برگزار گردید، شرکت نمود. هیأت نمایندگی شورای ملی مقاومت ضمن شرکت در جلسات متعدد کمیسیون، با رئیس کمیسیون حقوق بشر و نمایندگان کشورهای مختلف ملاقات نمود و نقض آشکار حقوق بشر در ایران را برای آنان تشریح کرد. دکتر رجوی در ملاقات با رئیس کمیسیون، خواست هیأت مقاومت ایران دایر بر تصویب قطعنامه‌یی

در محکومیت رژیم خمینی و ارجاع مسأله نقض حقوق بشر در ایران به مجمع عمومی ملل متحد را به اطلاع وی رساند. در اثر فعالیتهای هیأت، چهل و یکمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر ملل متحد با صدور قطعنامه‌یی نقض حقوق بشر در ایران را محکوم کرد.

* در روز دوم اردیبهشت ۱۳۶۴، با دبیر کل سازمان ملل متحد، که برای شرکت در یک کنفرانس به ژنو مسافرت کرده بود، ملاقات و گفتگو کرد. او، در این دیدار، لیست شهیدان مقاومت را به دبیر کل ملل متحد داد و ادامه نقض وحشتناک حقوق بشر در ایران را به وی یادآوری کرد.

* در تیرماه سال ۶۴، به نمایندگی از طرف شورای ملی مقاومت، در اجلاس گروه سوسیالیست پارلمان اروپا (در استراسبورگ) شرکت نمود و درباره وضع حاکم بر ایران، نقض آشکار حقوق بشر توسط رژیم و اعتلای مقاومت سخنرانی کرد. در پایان این جلسه بیانیه پارلمان اروپا که علیه جنگ و اختناق رژیم خمینی و در دفاع از مقاومت عادلانه مردم ایران تنظیم گردیده بود، توسط نمایندگان امضا گردید.

* در آذر ماه ۶۴، در رأس هیأتی از مقاومت ایران در چهل و دومین اجلاس مجمع عمومی ملل متحد در نیویورک شرکت کرد و فعالیتهای گسترده‌یی را (از جمله ملاقات با ۹۳ هیأت نمایندگی از کشورهای مختلف جهان) برای به تصویب رساندن قطعنامه محکومیت رژیم خمینی آغاز کرد و اسناد و مدارک فراوانی پیرامون جنایات بی‌شمار رژیم خمینی (از جمله لیست بیش از ۱۲ هزار شهید و تصاویر قربانیان شکنجه‌های خمینی) را در اختیار هیأتها قرار داد. علاوه بر آن طی مصاحبه‌ها و کنفرانسهای متعدد مطبوعاتی، ضمن تشریح وضع اسفبار حقوق بشر در ایران، مواضع مقاومت عادلانه مردم ایران را برای خبرنگاران و نمایندگان رسانه‌های همگانی تشریح نمود. سرانجام در نیمه شب ۱۵ آذر، قطعنامه محکومیت نقض حقوق بشر در ایران با اکثریت آرا در مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسید و بدین سان مقاومت عادلانه ایران به پیروزی بزرگی دست یافت. در پی تصویب این قطعنامه، او طی مصاحبه‌یی با روزنامه نیویورک تایمز گفت: «ما تاریخ حقوق بشر را با خونهایمان می‌نویسیم».

* در بهمن ۶۴، در رأس هیأتی از طرف شورای ملی مقاومت، در چهل و دومین اجلاس کمیسیون حقوق بشر شرکت نمود و شکست بزرگ دیگری را برای دشمن ضدبشری رقم زد: در اثر کوششها و افشاگریهای مؤثر هیأت مقاومت، کمیسیون

سیاسی در عرصه بین‌المللی دست یافت. روزنامه کیهان رژیم نوشت: متأسفانه کشورها در طول اجلاس... از مشاورت مجاهدین، از جمله کاظم رجوی، برخوردار بودند.

* در بهمن ۶۵، به همراه یک هیأت از مجاهدین در چهل و سومین اجلاس کمیسیون حقوق بشر - که برای ششمین سال متوالی مسأله نقض شدید و مستمر حقوق بشر توسط رژیم خمینی را در دستور کار خود قرار داده بود - شرکت نمود. در اثر تلاشهای او و یارانش، این کمیسیون بار دیگر قطعنامه‌یی در محکومیت رژیم خمینی با اکثریت قاطع آرا به تصویب رساند.

* در آذر ماه ۶۶، همزمان با بررسی نقض حقوق بشر در چهل و دومین اجلاس مجمع عمومی ملل متحد، طی یک کنفرانس بزرگ مطبوعاتی در نیویورک، با شرکت یکی از مجاهدین از بند رسته به افشای جنایات رژیم پرداخت و گفت: «تا خمینی هست اختناق و تروریسم، که ذاتی فاشیسم مذهبی اوست، وجود خواهد داشت. تنها راه حل پایان بحران در خلیج فارس و کشتار و ترور در ایران، سرنگونی رژیم خمینی و استقرار آلترناتیو دموکراتیک شورای ملی مقاومت می‌باشد». هیأت مقاومت ایران در جریان این اجلاس، هم چون سالهای گذشته، با بیش از ۱۰۰ تن از سفیران و نمایندگان کشورهای مختلف ملاقات و گفتگو کردند. بالاخره مجمع عمومی ملل متحد برای سومین سال پیاپی به محکومیت رژیم ضدبشری خمینی رأی داد.

* در اسفند ۶۶، چهل و چهارمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر ملل متحد در اثر تلاشهای بی‌وقفه او و یارانش، برای هفتمین سال متوالی دیکتاتوری ضدبشری خمینی را محکوم کرد. در جریان تصویب این قطعنامه، که همزمان با عملیات آفتاب بود، نماینده رژیم طی واکنش زبوانه‌یی گفت: «بیش از ۹۰ درصد اتهامات مندرج در گزارش... کمیسیون حقوق بشر مربوط به اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق است که فعالیتهای نظامی خود را افزایش داده‌اند».

* در خرداد ماه سال ۶۷، به نمایندگی از طرف شورای ملی مقاومت ایران، در هفتاد و ششمین کنفرانس جهانی کار شرکت نمود و طی آن به تشریح نقض حقوق اولیه کارگران تحت حاکمیت خمینی پرداخت.

* در شهریور ماه همان سال، به نمایندگی از طرف مسئول شورای ملی

حقوق بشر ملل متحد بار دیگر قطعنامه‌یی در محکومیت نقض حقوق بشر توسط رژیم خمینی با اکثریت آرا به تصویب رساند.

شایان ذکر است که دشمن ضدبشری، که از افشاگریها و فعالیتهای مقاومت ایران به ستوه آمده بود، تعداد زیادی از مزدوران و دیپلمات-تروریستهای خود را برای مقابله با هیأت مقاومت ایران به کمیسیون مذکور آورده بود، اما جز فضااحت و رسوایی نصیبی نبرد. کاظم رجوی طی یک کنفرانس مطبوعاتی در مقر ملل متحد، در برابر خبرنگاران گفت: «هیأت نمایندگی رژیم خمینی در کمیسیون حقوق بشر... از اشخاصی تشکیل شده است که دستهایشان آغشته به خون بی‌گناهان و به ویژه مجاهدین خلق ایران است. این رژیم حیطه اقدامات ناقض حقوق بشر و تروریستی خود را حتی به کمیسیون حقوق بشر نیز کشانده است... نمایندگان رژیم خمینی که مقر سازمان ملل را با زندان اوین اشتباه گرفته‌اند هیأت شورای ملی مقاومت را نیز تهدید نموده‌اند...».

* در تیر ماه ۶۵، در پی دعوت رسمی بین‌الملل سوسیالیست از سازمان مجاهدین خلق ایران، هیأتی با شرکت او در کنگره بین‌الملل سوسیالیست در لیما (پرو) شرکت کردند.

* در شهریور ماه همان سال به عنوان نماینده شورای ملی مقاومت ایران، در نوزدهمین اجلاس گروه کار و تحقیق ملل متحد در مورد ناپدیدشدگان سیاسی شرکت نمود.

وی در این اجلاس، در سخنرانیش گفت: اکنون آدم‌ربایی در رژیم خمینی بیش از پیش به صورت یک روش معمول برای حذف جسمانی هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران درآمده است. آدم‌ربایی سیاسی (و دستگیریهای گسترده) روشی است که رژیم خمینی روز و شب در هر شهر و روستا و در کوهستانها و جنگلهای ایران اعمال می‌کند.

* در دیماه سال ۶۵، برای به تصویب رساندن قطعنامه محکومیت رژیم خمینی در چهل و یکمین اجلاس مجمع عمومی ملل متحد، به نیویورک رفت. در جریان این اجلاس، با برگزاری یک کنفرانس بزرگ مطبوعاتی و ملاقات با قریب ۱۱۰ تن از نمایندگان و سفیران کشورهای مختلف، به تلاش گسترده‌یی در افشای جنایات رژیم خمینی دست زد. در نتیجه مجمع عمومی ملل متحد بار دیگر قطعنامه‌یی در محکومیت رژیم خمینی به تصویب رساند و بدین ترتیب مقاومت ایران به یک پیروزی بزرگ

مقاومت، به دعوت رسمی کمیسیون تحقیق ملل متحد در مورد ناپدیدشدگان سیاسی، در بیست و پنجمین اجلاس این کمیسیون در کاخ ملل متحد حضور یافت و توضیحات مبسوطی پیرامون جنایات رژیم ضدبشری خمینی و کشتار وحشیانه زندانیان سیاسی به اعضای این کمیسیون و خبرنگاران رسانه‌های خبری جهان ارائه داد.

* در مهرماه سال ۶۷، به دعوت رسمی حزب سوسیالیست سوئیس از مقاومت ایران، در رأس هیأتی در کنگره این حزب شرکت نمود. در خلال جلسات کنگره با رئیس جمهوری، وزیر امور خارجه، رئیس حزب سوسیالیست و دبیر روابط بین‌المللی این حزب ملاقات و مذاکره کرد. وی در سخنرانی‌اش در این کنگره به تشریح نقض شدید حقوق بشر در ایران، به ویژه موج اعدام‌های جمعی و دستگیری‌های گسترده طی ماه‌های پس از آتش‌بس پرداخت.

* در آذر ماه ۶۷، برای شرکت در جلسات مجمع عمومی ملل متحد به نیویورک رفت. رژیم تلاش می‌کرد که از محکومیت مجدد خود در مجمع عمومی جلوگیری کند. از این رو مراحل بررسی و تصویب قطعنامه در واقع به صحنه رویارویی آشکار مقاومت ایران و رژیم ضدبشری خمینی تبدیل شده بود. اما در پایان، مجمع عمومی ملل متحد طی قطعنامه‌یی با آرای اکثریت کشورها، رژیم خمینی را به خاطر نقض شدید حقوق بشر، به ویژه اعدام‌های وحشیانه زندانیان سیاسی طی ماه‌های پس از آتش‌بس، برای چهارمین سال پیاپی محکوم نمود و مقاومت ایران باز یک پیروزی سیاسی بزرگ در عرصه بین‌المللی به دست آورد.

* در اسفند ماه ۶۷ هیأت مقاومت ایران به سرپرستی دکتر کاظم رجوی در چهل و پنجمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر ملل متحد شرکت کرد. در این اجلاس، کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، برای هشتمین سال پیاپی، رژیم خمینی را با اکثریت قاطع آرا محکوم نمود.

* در همین ماه، او به همراه هیأتی از سوی مقاومت ایران در کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر در پاریس شرکت نمود و با مقامها و شخصیت‌های مختلفی، از جمله وزیر دادگستری فرانسه، ملاقات و گفتگو کرد.

* در آذر ماه ۶۸ به عنوان نماینده شورای ملی مقاومت، به دعوت رسمی، در کنفرانس سالانه شورای بین‌الملل سوسیالیست شرکت کرد. او در این کنفرانس با

ویلی برانت، صدراعظم سابق آلمان و رئیس بین‌الملل سوسیالیست، بتینو کراکسی، نخست وزیر سابق ایتالیا، پیرموروا، نخست وزیر سابق فرانسه، و... ملاقات و گفتگو کرد.

* در نتیجه ۹ سال فعالیت و افشاگری بی‌وقفه دکتر کاظم رجوی و یارانش در عرصه بین‌المللی، که به محکومیت‌های پیاپی رژیم ضدبشری خمینی در سازمان ملل متحد منجر گردید، سرانجام دشمن زبون و درمانده در برابر مقاومت عادلانه مردم ایران به زانو درآمد و، پس از سالها مخالفت در برابر خواست همیشگی مقاومت ایران برای بازدید یک هیأت بین‌المللی از زندانها و شکنجه‌گاههای خمینی، عقب‌نشینی کرد. اما تلاش نمود با مبادرت به یک معامله ننگین، از جمله با استفاده از برگ گروگانها، از عواقب جام زهر دوم مصون بماند و جنایات ضدبشری را از طریق آلت فعلهای بی‌مقداری هم چون گالیندوپل پرده‌پوشی نماید.

* در آستانه سفر نماینده ویژه ملل متحد به ایران، دکتر کاظم رجوی به همراه هیأتی از سوی مقاومت ایران ملاقاتهای متعددی با مقامهای سازمان ملل متحد انجام دادند و طی گفتگوهای خود اسناد و مدارک مستند و انکارناپذیری در مورد جنایات رژیم ضدبشری خمینی به آنها ارائه نمودند.

او، در اواسط دیماه سال گذشته، همراه با هیأتی از مقاومت با مسئول اقدامات ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد ملاقات کرد و مجموعه‌یی شامل ۸ مجلد از اسناد و مدارک مربوط به نقض حقوق بشر در ایران را به وی ارائه داد. این هیأت هم چنین دو بار با نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر ملاقات کرد و مجموعه بی‌نظیری از اسناد و اطلاعات جدید از جنایات رژیم خمینی را در اختیار وی قرار داد. در جریان تحصن خانواده‌ها در تهران، طی ملاقاتهای متعدد با مقامهای ملل متحد، از سوی مقاومت ایران خواستار تضمین امنیت جانی برای خانواده‌های متحصن در برابر فشارها و اقدامات سرکوبگرانه رژیم خمینی گردید، از جمله در ۸ بهمن ۶۸ با معاون مدیرکل سازمان ملل متحد و در ۱۲ بهمن همان سال با دبیر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل ملاقات کرد. در اثر این اقدامات بود که زمینه‌سازیهای دشمن، که در جریان سفر نماینده ویژه ملل متحد به تهران به یک معامله ننگین و پشت پرده برای پوشاندن جنایات خود روی آورده بود، نقش بر آب شد. وی طی ملاقاتهای متعدد با مقامهای کمیسیون حقوق بشر ملل متحد در ژنو، موضع مقاومت ایران در قبال گزارش مخدوش گالیندوپل را به اطلاع آنها رساند و پیرامون قلب واقعیات موجود در شکنجه‌گاهها و زندانهای رژیم خمینی در گزارش با آنان صحبت کرد. طی



پیام خانم مریم رجوی

مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران

آخرین اجلاس کمیسیون حقوق بشر ملل متحد در اسفندماه گذشته، او در ملاقات با رئیس این اجلاس نظرگاه مقاومت ایران درباره جلییات مشمژکننده گالیندوپل و هم چنین خواستهای مقاومت ایران مبنی بر محکومیت رژیم خمینی و ادامه بررسی نقض حقوق بشر در ایران و اعزام یک نماینده جدید برای این بررسی را به اطلاع وی رساند. وی تأکید کرد که این گزارش نتیجه یک معامله ننگین آخوندهای جنایتکار خمینی است. او، که عمری را در دفاع از آزادی و حقوق اولیه انسانی مردم میهنش سپری کرده بود، در آخرین مصاحبه اش با خبرگزاری فرانسه گفت که رژیم مذهبی-فاشیستی خمینی پس از مرگ وی نیز برای ادامه حیاتش میبایستی از بحران، خون و توحش تغذیه کند. به همین منظور لاینقطع به دستگیری، شکنجه، قطع عضو و اعدامهای مخفیانه و علنی میپردازد.

دکتر کاظم رجوی، شهید بزرگ حقوق بشر، سرانجام در ۴ اردیبهشت سال جاری، به دست آدمکشان رژیم خمینی در نزدیکی منزلش، در سوییس، به قتل رسید.

هم میهنان، مردم آگاه ایران، مجاهدین خلق ایران،
دکتر کاظم رجوی، مبارز بزرگ حقوق بشر و نماینده شورای ملی مقاومت ایران
در سوییس، بعدازظهر سهشنبه ۴ اردیبهشت در شهر ژنو، به دست تروریستهای
جنایتکار رژیم خمینی به شهادت رسید. این ترور جنایتکارانه در شرایطی صورت
میگیرد که معامله ننگین رژیم خمینی و گزارش خائنانه و مزورانه گالیندوپل، برای
سرپوش گذاشتن بر نقض وحشتناک حقوق بشر در ایران، در سطح بینالمللی رسوا
شده و توطئه دشمن ضدبشری در این زمینه به ننگ دیگری برای بقایای خمینی
تبدیل گردیده است. مبادرت رژیم خمینی به این جنایت زبوانه به وضوح حاکی از
شدت استیصال دشمن و خشم افسارگسیخته اش در برابر مقاومت و مجاهدین خلق
ایران و، مخصوصاً، افشا و درهم شکسته شدن آن توطئه و معامله ننگینی است که دکتر
کاظم رجوی در برابر آن سینه سپر کرده بود. رژیم خمینی که اکنون برای بزک کردن
چهره اش به هر ذلت و خفتی تن می دهد، البته از کارآیی و شناخته شدگی دکتر کاظم
رجوی در سطح بینالمللی با خبر بود.

دکتر کاظم رجوی که قبلاً استاد حقوق در دانشگاههای سوییس و سفیر ایران
در مقر اروپایی سازمان ملل متحد (در نخستین ماههای پس از پیروزی انقلاب
ضدسلطنتی) بود، از آغاز مقاومت عادلانه مردم ایران زندگیش را وقف دادخواهی
خون مجاهدان و رزمندگان آزادی نمود و با تمام اشراف علمی و تجربه تخصصیش
برای افشا و محکوم نمودن جهانی جنایات ضدانسانی رژیم خمینی به مجاهدت
پرداخت. تلاشهای خستگی ناپذیر او نقش ویژه ای در تصویب قطعنامه های محکومیت
رژیم خمینی در کمیسیون حقوق بشر ملل متحد داشت، قطعنامه هایی که تاکنون ۹ سال

پایایی در کمیسیون حقوق بشر ملل متحد به تصویب رسیده و هر سال با رویارویی نمایندگان مقاومت ایران و مزدوران اعزامی رژیم خمینی، و سرانجام شکست مفتضحانه دشمن ضدبشری، همراه بوده است. در سالهای ۱۳۶۲، ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ دکتر کاظم رجوی به عنوان فرستاده ویژه رهبر مقاومت برای به تصویب رساندن قطعنامه محکومیت رژیم در مجمع عمومی ملل متحد به نیویورک رفت. بر اثر تلاشهای بیوقفه او و یارانش در این سالها، که یک قلم شامل ۲۴۵ ملاقات با نمایندگان کشورهای مختلف جهان و ارائه مستقیم اسناد و شواهد جنایات خمینی به آنان بود، قطعنامه محکومیت رژیم در چهلمین اجلاس مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسید و به این ترتیب مردم و مقاومت ایران به یکی از مهمترین پیروزیهای بینالمللی خود دست یافتند. طی چهار سال متوالی، که قطعنامه محکومیت نقض حقوق بشر توسط رژیم خمینی در دستور کار مجمع عمومی ملل متحد قرار داشت، دکتر کاظم رجوی همه ساله، به عنوان فرستاده ویژه رهبر مقاومت، در مقر ملل متحد حضور مییافت و با تمام وجود برای تصویب قطعنامه محکومیت جنایات رژیم تلاش میکرد. تاریخچه و فهرست فعالیتهای پر بار و بسیار ارزنده دکتر کاظم رجوی که از او یک چهره شناخته شده در سطح بینالمللی ساخته است، در این مختصر نمیگنجد و شایان گردآوری کتاب جداگانهایی است. در این جا فقط به این اکتفا میکنم که سردمداران ومهمترین مهره های دیپلماتیک رژیم خمینی، که پیوسته در مجامع بینالمللی داغ شکست و رسوایی بر پیشانیهایشان می نشست، از دکتر کاظم رجوی کینه ای وحشیانه و مضاعف به دل داشتند و از آنجا که در مجامع مختلف بینالمللی، از ژنو تا نیویورک و سازمانهای مختلف مربوط به ملل متحد از قبیل سازمان بینالمللی کار و کمیسیون ویژه ناپدیدشدگان، پیوسته برادر مسعود را در برابر خود می یافتند، به قتل تهدیدش می کردند.

اما بالاترین و ارزشمندترین خدمت ملی و مردمی دکتر کاظم رجوی، که در واقع حق بزرگ او بر گردن مجاهدین و جنبش مقاومت انقلابی به شمار می رود، نجات جان رهبر مجاهدین از چنگال جلادان ساواک و رژیم شاه است. در جریان این فعالیتهای دکتر کاظم رجوی، با مجاهدت شبانه روزی و شگفت انگیز، با ایجاد کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران در سوییس و در چارچوب انجمن خانواده های زندانیان سیاسی در ایران، حمایت شخصیتهای و سازمانهای مدافع حقوق بشر، محافل مطبوعاتی و سیاسی، افکار عمومی، احزاب و شخصیتهای برجسته خارجی را به نحو بی سابقه ای برانگیخت و سرانجام موفق شد که شاه و ساواک و اداره به اصطلاح دادرسی ارتش او را وادار به عقب نشینی نماید و تبدیل حکم اعدام مسعود به حبس ابد را به دیکتاتوری سلطنتی تحمیل کند. پیگیری و کفایت شگرف دکتر کاظم رجوی

در سازمان دادن و به ثمر رساندن آن تلاش بزرگ برای نجات جان رهبر مجاهدین، به راستی شگفت آور و از هر لحاظ شایان بالاترین تقدیر و حق شناسی میهنی و انقلابی است، زیرا که مسعود، هم در دادگاههای عادی و تجدید نظر قوای مسلح شاه در سال ۱۳۵۰ محکوم به اعدام شده بود و هم در سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴، که به کمیته ضدخلقی رژیم شاه منتقل شده و مجدداً به زیر شکنجه رفته بود، در معرض اعدام قطعی قرار داشت. این را اغلب زندانیان سیاسی آن سالها می دانند و بارها از قول دژخیمان ساواک شنیده اند که تا کجا به خون مسعود تشنه بودند. اگر فعالیتهای گسترده جهانی، که دکتر کاظم رجوی در آنها نقش اساسی را به عهده داشت، در کار نبود جلادان شاه لحظه ای در قتل و اعدام مسعود تردید نمی کردند. در همین جا شایان ذکر می بینم که شهید دکتر کاظم رجوی شرح وقایع و فعالیتهای و جریاناتی را که در آن سالهای سیاه باعث عقب نشینی دیکتاتوری سلطنتی از اعدام مسعود شد، با قلمی شیوا در کتابی به خط خود نگاشته و آن را از چند سال پیش در نزد خود من به امانت گذاشته است. تاکنون مسعود مانع چاپ این کتاب و صرف هزینه برای آن شده بود. امیدوارم سازمان مجاهدین بتواند در فرصت مناسب این کتاب را، که در مجموعه تألیفات دکتر رجوی آخرین کتاب و البته پرارزش ترین کار عملی او نیز هست، به طبع برساند.

نقش دکتر کاظم رجوی در جریان ۹ سال مبارزه خستگی ناپذیرش برای افشا و محکومیت جهانی جنایات رژیم ضدبشری خمینی نیز البته در تاریخ مقاومت میهن ما به یاد خواهد ماند. مهمترین ویژگی او به عنوان یک مدافع صدیق آزادی و حقوق بشر، که وی را به دادخواهی خون مجاهدین و همه شکنجه شدگان و جان باختگان ستم خمینی برمی انگیزد، قلب پاک و روح زلال و بی آرایش انسانی او و عواطف سرشارش نسبت به مسعود بود که به گفته خودش او را نه فقط به عنوان برادر بلکه قبل از هر چیز به عنوان راهبر آرمانیش می شناخت. خود او در اشاره ای به تلاشهایش برای نجات جان مسعود می نویسد: «به این برادری نه از جنبه فردی (یعنی همخونی) بلکه به لحاظ عمل اجتماعی، شخصیت و توان مبارزاتی و مواضع مسعود افتخار می کنم. اگر می توانستم، روزی صد بار او را به برادری خود انتخاب می کردم... آری، مسعود کسی است که در تلاطم حوادث، در رودررویی با خودش، با خود غریبه نشده و همه ارزشهایی را که به خاطر آنها اسلحه به دست گرفته بود، حفظ کرده است. آخر او از روز اول که قدم در راه مجاهدت گذاشته، از خود، از منافع شخصیش، از نزدیکانش، از زندگی و پیرایه های صادقانه صرف نظر کرده بود. او فقط در سایه چنین صداقت و قاطعیت، که با شهادت نزدیکترین کسان و برادران انتخابی یعنی واقعیش تعمیق شده اند، توانسته بود در بدترین شرایط، یعنی در

در کارش پیروز شده و از این بابت روح پرفتوحش قرین شادمانی و سرافرازی است. آری آن سپر دادخواه خون مجاهدین، اکنون پیکر خونینش به دفاع از اساسی‌ترین حقوق مردم میهنش برخاسته و حق مقدس آنان را برای مقاومت به اثبات می‌رساند. برای او، که در سن پنجاه و چند سالگی فهرست شهیدان و اسناد شکنجه‌های وحشیانه رژیم خمینی را به دست می‌گرفت و هر روز، سراز پا نشناخته، بی‌خبر از همسر و فرزندان، از این سوی جهان به آن سو می‌رفت، این شهادت افتخارآمیز یک آرزوی همیشگی بود. آرزویی که پیوسته آن را در جمع مجاهدین ابراز می‌کرد و سپس با فروتنی و تواضع انسانی خاصی که داشت، اجازه نمی‌داد که او را مجاهد خطاب کنند و می‌گفت «اگر شهادت نصیب من شود، آن وقت من هم یک مجاهد خلق خواهم بود». تا آن که سرانجام، در اوج افتخار، به شهادت رسید و به آرزوی دیرینه‌اش دست یافت. پس، با تکریم خاطره جاودان این «شهید بزرگ حقوق بشر»، به عنوان مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران، هم‌چنان که خودش پیوسته آرزو می‌کرد، باید در برابر روان والا و پرفتوحش تأکید کنم که، آری، کاظم رجوی مجاهدی بود که مجاهدگونه مبارزه کرد و مجاهدگونه به شهادت رسید.

اما پر معناترین و انگیزاننده‌ترین پیام خون شهید مجاهد دکتر کاظم رجوی، پرتو پرفروغی است که بار دیگر بر پاکبازی رهبر ما مسعود گواهی می‌دهد و او را با خلق محبوبش پیوند می‌دهد؛ همان فروغ فدا و پاکبختگی تمام‌عیار که از پیکر به خون تبیده اشرف رجوی و جگرگوشه شیرخوارش در بازار شام (تلویزیون) خمینی برتابید و در اعماق قلب و جان مردم ایران نشست؛ همان پرتوی که با اعدام منیره رجوی به دستور شخص خمینی، از خون پاک او برخاست و باز هم صدق و اخلاص رهبر ما مسعود را به اثبات رساند. رهبری که از آغاز با منطق فدای عاشوراگونه حسینی قدم در راه رهایی خلق و میهن نهاده و نخستین درس مجاهدت را صدق و فدا شناخته است. پیامی که زخمهای غدر و خیانت خمینی را در عمق ضمیر انسانها درمان می‌کند و رودرروی همه راه‌حلهای ارتجاعی و استعماری، راه استقلال و آزادی را در برابر مردم ما می‌گشاید. پس خون دکتر کاظم رجوی نیز، هم چون خون منیره و اشرف، در عمیق‌ترین و مهمترین پیام اجتماعی و عقیدتی خود مرز بین رهبری پاکباز مسعود و آن چه را که تاکنون در مرام و مسلک شاه و خمینی عرضه شده روشن می‌کند، زیرا همگان می‌بینند که این رهبری نیز هم چون سایر مدعیان ذره‌بی‌درد خود می‌داشت، حفظ زن و فرزند و خواهر و برادر و پدر و مادر - هم‌چنان که درباره خلیها شخصاً رعایت و سفارش کرده - برایش آسان بود.

اما این خونهای گرانقدر بی‌نات درخشان و روشنگری است که یک حقیقت بزرگ تاریخی را به اثبات می‌رساند، حقیقتی که به خطیرترین مسأله خلق و انقلاب،

اعماق زندانهای شاه، سازمانش را بازسازی کند، طبعاً چنین کاری جز در سایه شجاعت و شهادت و پایمردی و عشق و عطوفت امکان‌پذیر نبوده و نیست. حالا آیا شرف و انصاف ایجاب نمی‌کند که هر نوع قضاوتی نه تنها در مورد مسعود بلکه درباره هر انسانی که دستخوش آزار و اذیت و شکنجه شده باشد - به ویژه از جانب کسانی که روی زندان را هم ندیده‌اند - باید لاقلاً از موضع کمال خضوع و فروتنی باشد؟ اگر جواب به این سؤال مثبت است، هر آدم ساده‌بی می‌تواند بفهمد که حملات و اتهامات به قربانیان آزار و شکنجه جز به علت عدم حساسیت و آگاهی یا از موضع ردالت‌پیشگی سیاسی نمی‌تواند باشد».

شگفتا! «شهید بزرگ حقوق بشر» با چه وضوحی بر «ردالت‌پیشگی سیاسی» کسانی که به «حملات و اتهامات به قربانیان آزار و شکنجه» روی می‌آورند، انگشت گذاشته است. گویی که سالها پیش، به هنگام تحریر این سطور، می‌دانسته که ترور جنایتکارانه‌اش آن روی سکه گزارش خائنان و نفرت‌باری خواهد بود که تحت نام ملل متحد و گزارشگر ویژه‌یی که توسط دبیرکل این سازمان منصوب شده، و در بندوبست و معامله ننگین با منفورترین دیکتاتوری عالم و در نهایت ردالت‌پیشگی سیاسی از «حملات و اتهامات به قربانیان شکنجه» پر گردیده است. به این ترتیب هم خون و هم قلم دکتر کاظم رجوی رژیم جنایتکار خمینی و هر کس را که تحت نام ملل متحد دست معامله در دست این دشمن بشریت بگذارد رسوا و محکوم می‌کند. شهادت او دادخواهی تکان دهنده‌یی است که بار دیگر دژخیمان شکنجه‌گر و همدستانشان را از پس پرده‌های توطئه بیرون می‌کشد و در برابر چشم جهانیان به باد افشا می‌سپارد، چرا که پیکر خونین او سندی است که داستان ۹۰۰۰۰ پیکر به خون تبیده و هزاران هزار پیکر شکنجه شده را فریاد می‌کند؛ سندی که جنایتکاران زبون نمی‌توانند آن را در اعماق سیاهچالها یا در پس دروغ و گزارش مجعول پنهان کنند. پس باز هم این دکتر کاظم رجوی است که، به هنگام شهادت، پوزه قاتلان جنایتکار را به خاک شکست می‌مالد، هم چنان به وظیفه والای انسانیش در «دفاع از حقوق بشر» قیام می‌کند و در برابر معامله‌گری و ردالت‌پیشگی سیاسی تحت نام ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر، که آلت‌فعلهای حقیر و کثیفی هم چون گالیندوپل دارند، صدای «شرف و انصاف» را به اوج می‌رساند.

به راستی دیگر چه کسی خواهد توانست داغ جنایت و ترور را در پیشانی رژیم ضدبشری خمینی بپوشاند و چه کسی باور خواهد کرد که رژیمی که در ژنو و در برابر کاخ ملل متحد رویارویی دیپلماتیک و حقوقی را با ترور پاسخ می‌دهد، در اوین «مدره» شده و آن گزارش کذابی درباره‌اش صدق می‌کند؟ بنابراین تا آن جا که به «شهید بزرگ حقوق بشر» و مقاومت ایران، دکتر کاظم رجوی، مربوط می‌شود، باز هم



اطلاعیه

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

رژیم ارتجاعی و تروریستی خمینی، با دستور مستقیم رفسنجانی جنایتکار، روز ۴ اردیبهشت ۶۹ دکتر کاظم رجوی، نماینده شورای ملی مقاومت ایران در سوییس را به شهادت رساند. دکتر کاظم رجوی، که به حق از طرف مسئول شورای ملی مقاومت ایران شهید مبارزه برای حقوق بشر نامیده شد، یکی از برجسته‌ترین، فعال‌ترین و صادق‌ترین فعالین جنبش مقاومت انقلابی مردم ایران در عرصه بین‌المللی بود. فعالیت خستگی‌ناپذیر او طی ۱۹ سال گذشته علیه رژیمهای شاه و خمینی و به خصوص فعالیت ۹ سال اخیر او سبب آن شد که رژیم خمینی بارها در مجامع بین‌المللی، به خاطر نقض حقوق بشر، محکوم شود. وی یک سرباز فداکار ارتش صلح و آزادی در عرصه فعالیت بین‌المللی بود و کینه رژیم خمینی و به خصوص دارودسته جنایتکار رفسنجانی نسبت به وی بارها توسط مزدوران و ایادی تروریست رژیم آخوندها، که در مجامع بین‌المللی شرکت می‌کنند، ابراز می‌شد. وی اخیراً چندین بار از طرف دیپلمات - تروریستهای رژیم خمینی تهدید به مرگ شده بود. دولت سوییس نیز با آزادی عملی که به تروریستهای رژیم خمینی داده است، مسئولیت بزرگی در قبال عمل ننگین ترور دکتر کاظم رجوی دارد. ما اکیداً از دولت سوییس می‌خواهیم که مسئولین این جنایت ننگین را که، در سفارت رژیم آخوندها مستقر هستند بازداشت و محاکمه نماید.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، با ابراز تاسف فراوان، شهادت دکتر کاظم رجوی، این قهرمان مبارزه برای حقوق بشر در ایران را به همسر و فرزندان دکتر کاظم رجوی، به آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران، به خانواده رجوی و

یعنی مسأله رهبری، مربوط می‌شود و بشارت دوران نوینی از شکوفایی اجتماعی را، در پرتو رهبری‌یی که ضد تمام عیار خمینی و خمینی‌گرایی است، به همراه دارد. انقلاب نوین ایران تاکنون نیز با اتکا به همین محور اخلاص و فدا، که نه یک مقوله فردی بلکه طلسمی بر عالی‌ترین مدارج تکامل اجتماعی و مبشر آزادی و رحمت و یگانگی است، به پیش رفته است. بیچاره دشمن ضدبشری که، در مقابله با مقاومت مردمی و ارتش آزادی، راهی جز توطئه و ترور افراد بی‌دفاع در برابر خود نمی‌یابد؛ غافل از این که این تشبثات زبوانه، تنها و تنها افلاس و بیچارگی این رژیم زهرخورده و صاحب‌مرده را برملا می‌کند.

بی‌تردید، خون پاک شهید بزرگ حقوق بشر و مقاومت ایران، دکتر کاظم رجوی، با همه پیامهای روشنگر و انگیزاننده‌اش، از هم‌اکنون به سلاح سیاسی و عقیدتی برای تبدیل شده که بسا کارسازتر و کوبنده‌تر بر پیکر رژیم پوسیده خمینی فرود خواهد آمد و دشمن ضدبشری را از توسل به چنین جنایت زبوانه‌یی، که فقط حاکی از سرگیجه مرگ در باتلاق بحرانهای لاعلاج درونی و بیرونی است، پشیمان خواهد کرد. این خون‌ها جز بر شرف و عزت و محبوبیت مجاهدین نمی‌افزاید. منطق قدرتمند انقلاب بسا فراتر از تمهیدات و تشبثات زبوانه مرتجعان به پیش می‌رود و طومار حیات دشمنان خلق را، که از هر سو در محاصره استراتژیکی ارتش آزادی قرار دارند، در خیزش عظیم ارتش آزادیبخش ملی ایران درهم می‌پیچد. در ریشه‌کن کردن بقایای رژیم ضدبشری خمینی ولو، به گفته مسعود، «با چنگ و ناخن و دندان» هیچ تردیدی نیست.

۵ اردیبهشت ۶۹

به مردم ایران و نیروهای مقاومت انقلابی تسلیم می‌گوید.

سازمان جریکهای فدایی خلق ایران تردیدی ندارد که این گونه اعمال ننگین دارودسته جنایتکار رفسنجانی هرگز نمی‌تواند از سقوط محتوم این رژیم تروریست جلوگیری کند. این رژیم ارتجاعی و تروریست سرانجام به دست مدافعان پیگیر صلح و آزادی سرنگون خواهد شد. یاد و خاطره دکتر کاظم رجوی، هم‌چون هزاران هزار زن و مرد آزاده‌یی که در این پیکار عظیم شرکت کرده و به شهادت رسیده‌اند، هرگز فراموش نخواهد شد. دکتر کاظم رجوی در قلب مردم ایران زنده خواهد ماند.

گرامی باد خاطره دکتر کاظم رجوی، شهید قهرمان حقوق‌بشر در ایران
۵ اردیبهشت ۶۹

جبهه دموکراتیک ملی ایران

اطلاعیه

جبهه دموکراتیک ملی ایران

رژیم تروریستی خمینی، یک بار دیگر چهره کریه خود را در سوء قصد ددمنشانه‌یی که منجر به شهادت دکتر کاظم رجوی، نماینده شورای ملی مقاومت ایران در ژنو (مقر اروپایی ملل متحد) گردید، به معرض دید جهانیان گذارد. از پاریس تا نیویورک، از لندن تا کراچی، از وین تا استانبول، از ژنو تا قبرس، در سراسر ایران، همه جا و همیشه، همه مبارزان راه آزادی و استقلال ایران که به ننگ سازش با جنایتکاران دستار به سر تن در نمی‌دهند و همراهی با ملت در بند خود را فدای مصلحت‌گراییهای حقیر شخصی یا انفعال نمی‌کنند، مانند مردم نجیب ایران هدف کین‌توزی و ترور این جانباور بوده و هستند. به علاوه بازیگران سوداگر صحنه بین‌المللی، برای حفظ منافع یا مصالح حقیر، با سکوت و چشم‌پوشی خود از نقض فاحش حقوق‌بشر شهروندان ایرانی، میدانی را به گستردگی گیتی برای این خونریزیها باز کرده‌اند. گزارش رسوای گالیندویل و بازیهای زیر پرده با رژیم گروگانگیر ولایت فقیه، که به بهای قربانی کردن ابتدایی‌ترین اصول زندگی بین‌المللی و حقوق و منافع اولیه ملل تحت ستم انجام می‌شود، نمونه‌یی از آن است. دکتر کاظم رجوی، مبارز متواضع و آگاهی بود که عمری را در مبارزه علیه استبداد و خوگامگیهای شاه گذارند، صحنه زندگی بین‌المللی را بر رژیم تروریست و خونریز شیخ تنگ کرد و، به عنوان بیانگر دردهای مردم ایران و رنجهای قربانیان جنایات این رژیم، در مجامع بین‌المللی شناخته شد. رهنمودهای گرانبها و تجربیات علمی و عملی دکتر کاظم رجوی همراه با مهربانی ذاتی، بردباری و فروتنیش رهگشای هیأت‌های گوناگون شورای ملی مقاومت ایران شد و حضور پیگیر و چهره‌آشنای او، به عنوان مدافع جدی حقوق‌بشر در مجامع بین‌المللی، انگیزه کین‌توزی رژیم خون‌آشام

خمینی گردید تا جایی که نام پرافتخارش به عنوان شهید راه حقوق بشر در تاریخ مبارزات ملت ما به ثبت ابدی رسید. ارتقای مقاومت عادلانه و مردمی، شعله‌ور شدن مبارزات توده‌یی و ورشکستگی اقتصادی و اجتماعی و بین‌المللی رژیم از یک سو و بحران هویت ناشی از تضاد ذاتیش با تمدن معاصر از سوی دیگر، و بالاخره تضاد داخلی روزافزون پس‌مانده‌های خمینی، صدور تروریسم را تشدید کرده است. جنبش مقاومت انقلابی، با اتکا به اراده مردم ایران و با حضور مصمم ارتش آزادیبخش ملی ایران برای حراست از حیثیت و اعتبار انسانی و تاریخی ایرانیان با بهره‌مندی از انواع شیوه‌های مبارزه، در راه تأمین سعادت ملت ایران از حرکت باز نخواهد ایستاد. معاملات و زد و بندهای آشکار و پنهان در صحنه بین‌المللی - با شرق و غرب - و ترور و سرکوب و شکنجه، مانع و رادعی برای تحقق نابودی این رژیم ایجاد نخواهد کرد. مردم ایران بهای آزادی از قید حکام خونریز را با جان عزیز دهها هزار شهید و حبس و زجر و تبعید دهها هزار نفر از بهترین عزیزان خود پرداخته‌اند و تا کندن ریشه فساد و ویران کردن نظام جهل و جنایت و استقرار حاکمیت مردم به مقاومت عادلانه خود ادامه خواهند داد. با شهادت این مبارز آگاه، ملت ایران یکی از فرزندان لایق خود را و شورای ملی مقاومت ایران یکی از همسنگران با ایمانش را از دست داد. جبهه دموکراتیک ملی ایران، این ضایعه را به تمام کوشندگان راه آزادی و استقلال ایران، به ویژه آقای مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت، مادر و همسر شجاع و فرزندان و برادران مبارز زنده‌یاد دکتر کاظم رجوی تسلیم می‌گوید.

۵ اردیبهشت ۶۹

اخبار و گزارشها

۴ اردیبهشت (۲۴ آوریل)

* در نیمروز سه‌شنبه ۴ اردیبهشت، دفتر مجاهدین خلق اطلاعیه‌یی به این شرح منتشر کرد: «دکتر کاظم رجوی، برادر رهبر مقاومت ایران آقای مسعود رجوی و نماینده مقاومت ایران در سوییس، توسط مزدوران تروریست رژیم خمینی به شهادت رسید. این خبر را ساعتی پیش پلیس سوییس به همسر دکتر رجوی در ژنو داد. پلیس سوییس تا این ساعت از ذکر هرگونه جزئیات دیگر خودداری ورزیده است. آقای رجوی، رهبر مقاومت، که همسر و خواهرش در سالهای قبل توسط رژیم خمینی اعدام گردیده‌اند، اعلام کرد "خون برادر من نیز، مانند ۹۰ هزار شهید دیگر مقاومت ایران، توسط دیکتاتوری تروریستی حاکم بر ایران بر زمین ریخته شده است. دیکتاتوری ننگین در آستانه سقوط محتوم خود، و درست در همان شرایطی که قویاً به بزرگ کردن چهره مشمژکننده خود از لحاظ حقوق بشر نیازمند است، از هیچ جنایتی در خارج از مرزهای ایران فروگذار نمی‌کند". آقای مسعود رجوی ترور برادر خود را که سالهای متمادی در مجامع مختلف بین‌المللی به افشا و محکوم کردن جنایات رژیم خمینی علیه حقوق بشر اشتغال داشت، آن روی سکه گزارش منفور و پرغدر و خیانت گالیندوپل راجع به وضعیت حقوق بشر در ایران توصیف نمود. رهبر مقاومت ایران ضمن خاطر نشان نمودن مسئولیت سنگین دولت سوییس در حفظ جان برادرش، سفارت رژیم خمینی در سوییس را، که مستقیماً به دستور شخص رفسنجانی مرتکب این جنایت شده، مسئول معرفی نمود و از دولت سوییس خواستار گردید تا بدون کمترین چشم‌پوشی و اهمال، عاملان این جنایت را دستگیر و معرفی کند و به کیفر برساند. رهبر مقاومت ایران هم چنین از دبیرکل ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر خواستار پیگیری این جنایت و محکوم کردن سردمداران رژیم حاکم بر

ایران در رابطه با این "شهید بزرگ حقوق بشر" گردید.

* دفتر مجاهدین خلق در اطلاعیه دیگری اعلام کرد: «در پی سوء قصد جنایتکارانه تروریستهای رژیم ملایان به آقای دکتر کاظم رجوی، نماینده مقاومت ایران در سوییس، آقای مسعود رجوی، رهبر مقاومت ایران، اعلام کرد: "سیروس ناصری، سفیر رفسنجانی در ژنو، شخصاً هماهنگ کننده عملیات ترور دکتر کاظم رجوی است و دولت سوییس می باید مانع فرار نامبرده از جنگ عدالت شود. سیروس ناصری و تروریستهای همراه او در کمیسیون حقوق بشر، که اجلاس آن در فوریه در ژنو برگزار گردید، دکتر رجوی را که به دفاع از حقوق بشر در ایران و افشای گزارش ننگین گالیندوپل اشتغال داشت، مکرراً به ترور تهدید کرده بودند. ۸ تن دیگر از اعضای هیأت مقاومت ایران که در اجلاس کمیسیون حقوق بشر حضور داشتند، شاهد این تهدیدات بودند و برای گواهی دادن در دادگاه آماده اند". آقای رجوی افزود: "دکتر کاظم رجوی از ۹ سال پیش در مجامع مختلف بین المللی، از کمیسیون حقوق بشر گرفته تا مجمع عمومی ملل متحد، به افشای جنایات رژیم خمینی و نقض وحشتناک حقوق بشر در ایران اشتغال داشت و به عنوان یک چهره شناخته شده مقاومت ایران در سطح بین المللی، بارها و بارها از سوی دیپلمات - تروریستهای رژیم خمینی، و مشخصاً فرستادگان رفسنجانی، تهدید به قتل شده بود. سردمداران رژیم خمینی که سالهای پیاپی در مجامع بین المللی با تلاش دکتر رجوی محکوم گردیده بودند، کینه او را به دل گرفته و برای او توطئه چیدند". آقای رجوی خطاب به افکار عمومی جهان و دولتهای مختلف ذی علاقه در امور ایران تأکید نمود که "بقایای رژیم خمینی از نظر مردم ایران از هیچ مشروعیتی برخوردار نیستند و بار دیگر به اثبات رسید که رژیم، پس از مرگ خمینی، در محاصره بحرانیهای عمیق داخلی، که پیوسته جناح بندیها و تضادهای درونی این رژیم را تشدید می کند، قرار دارد و ماندگار نیست. هیچ سرمایه گذاری بر روی این رژیم از جانب دولتهای مختلف در غرب یا شرق جهان مفید فایده نخواهد بود. مردم و مقاومت ایران با چنگ و ناخن و دندان هم که شده، این دیکتاتوری مذهبی و تروریستی را از ریشه بر خواهند افکند". آقای رجوی بار دیگر ضرورت اخراج این رژیم از ملل متحد و دیگر مجامع بین المللی را خاطر نشان ساخت».

۵ اردیبهشت (۲۵ آوریل)

* رادیو رژیم گفت «قتل کاظم رجوی در کادر یک سری تسویه حسابهای قرار

دارد که از چند وقت پیش گروههای مختلف این سازمان به آن مبادرت کرده اند».

* روزنامه کیهان نوشت: «توسط دو مرد مسلح، برادر سرکرده منافقین در سوییس ترور شد. مقتول سرکرده منافقین در اروپا و آمریکا بوده و گفته می شود ترور وی با گزارش اخیر نماینده سازمان عفو بین الملل و افشای چهره تروریستی و جنایتکار منافقین از یک سو و تشدید درگیریهای داخلی آنها از سوی دیگر بی ارتباط نمی تواند باشد».

* به گزارش خبرگزاری رژیم، «نمایندگی ایران در ژنو هرگونه مداخله خود در قتل کاظم رجوی، عضو سازمان غیرقانونی مجاهدین خلق، را قویاً تکذیب کرد. یک منبع مطلع در هیأت نمایندگی مزبور گفت: این اتهام یک دروغ صرف می باشد. منبع مزبور تأکید کرد که جمهوری اسلامی مکرراً تروریسم را محکوم نموده است».

* گزارش خبرگزاری فرانسه: «مجاهدین خلق (مقاومت مسلحانه ایران) چهارشنبه گذشته در ژنو، چندی از دیپلماتهای ایرانی را با ذکر نام، به طور مستقیم مسئول توطئه های دانستند که روز سه شنبه منجر به مرگ کاظم رجوی مخالف ایرانی، در سوییس شد. این اتهامها در تلگرامی ذکر شده که مسعود رجوی، برادر مقتول و رهبر مجاهدین خلق، برای رئیس کنفدراسیون سوییس فرستاد و خبر آن را آقای حسین مهدوی، دبیر شورای ملی مقاومت ایران، طی یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد».

آقای مسعود رجوی در این تلگرام اظهار می دارد که هادی نجف آبادی، سفیر ایران در امارات متحد عربی و آخوندزاده بسطی، کاردار سابق ایران در بریتانیا برای این مأموریت خاص به ژنو آمدند که با سیروس ناصری، رئیس هیأت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد، سوء قصد علیه کاظم رجوی را سازمان دهند.

دکتر صالح رجوی، برادر مقتول و پزشک متخصص قلب، به خبرنگاران مطبوعات گفت که این دو نفر، پس از ارتکاب جنایت در روز سه شنبه، سوار هواپیمای ایران ایر به مقصد تهران شدند. آنها چهار روز پیش تر به ژنو آمده بودند. از منابع موثق کسب اطلاع شد که این هواپیما، که قرار بود ساعت ۱۷ و ۴۵ دقیقه حرکت کند، در واقع با یک ساعت و ۱۸ دقیقه تأخیر پرواز کرد. سوء قصد در اواخر صبح صورت گرفته بود.

دکتر صالح رجوی سوء قصدی را که به قیمت جان برادرش تمام شد چنین توصیف کرد: دو اتومبیل که یکی از آنها سفید رنگ بود، راه را بر اتومبیلی که کاظم

مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت، بود که علیه حکومت آخوندها مبارزه می‌کند. مقتول از ده سال پیش در شهرک تانه زندگی می‌کرد. آقای رجوی که همسرش فرانسوی است، پدر یک دختر ۱۵ ساله و دو پسر ۲۰ و ۲۳ ساله بود. پسر بزرگش، استفان، می‌گوید: "پدرم نماینده شورای ملی مقاومت در ژنو بود. او غالباً به مقر ملل متحد در ژنو و نیویورک می‌رفت تا تمام اعمال وحشیانه رژیم خمینی را افشا کند. مبارزه او مبارزه یک مدافع حقوق بشر بود. او کاری کرد که چندین قطعنامه در محکومیت خمینی به تصویب رسید." ژان زیگلر، نماینده مجلس نیز در همین جهت سخن می‌گوید و تصریح می‌کند که مقتول در حزب سوسیالیست ژنو عضویت داشت. آقای رجوی، از آن جا که به طور منظم مورد تهدید قرار می‌گرفت، توانسته بود از حمایت پلیس استان وو برخوردار شود. به گفته پسرش این تهدیدها تقریباً دائمی بود: "هر بار که به سازمان ملل می‌رفت، نمایندگان هیأت ایرانی در ژنو به طرف او می‌آمدند و به او توهین می‌کردند. چندبار به او گفتند: بالاخره حسابت را می‌رسیم! حتی یک بار به او مشت زدند."

خانواده رجوی به طور خاص از طرف رژیم کنونی ایران هدف قرار گرفته است: "هواداران خمینی دستشان به مسعود رجوی نمی‌رسد، از این رو به نزدیکانش حمله می‌کنند. منیر، خواهر کوچک پدرم را هشت ماه پیش در تهران تیرباران کردند. برادرش در زمان شاه شکنجه و محکوم به مرگ شده بود..."

۶ اردیبهشت (۲۶ آوریل)

• اطلاعیه دفتر سیاسی حزب دموکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی:
هم میهنان مبارز،

بر پایه گزارش خبرگزاریها، روز چهارم اردیبهشت ماه جاری دکتر کاظم رجوی، نماینده شورای ملی مقاومت در کشور سوئیس، بر اثر تیراندازی افراد جنایتکار به شهادت رسید. ما این حادثه تأسفبار را به شورای ملی مقاومت، سازمان مجاهدین خلق ایران و نیز به خانواده این شهید سرفراز صمیمانه تسلیت می‌گوییم. شهید دکتر کاظم رجوی بعد از سرنگونی رژیم سلطنتی و پیروزی انقلاب، عهده‌دار سفارت ایران در سوئیس گردید، لیکن با مصادره دستاوردهای انقلاب از سوی دار و دسته خمینی و قبضه قدرت سیاسی از طرف مرتجعین، از شغل خویش استعفا داد. او پس از تشکیل شورای ملی مقاومت، همکاری خود را با آن آغاز نمود و پس از چندی، به عنوان نماینده این تشکل سیاسی، فعالانه به کار خود ادامه داد تا سر انجام جان خود را در مبارزه علیه رژیم ارتجاعی و ضد خلقی جمهوری اسلامی از دست داد.

می‌راند بستند؛ او در حال بازگشت به خانه‌اش در تانه بود. به گفته او "سه نفر از اتومبیل سفید رنگ پیاده شدند، قربانی را به رگبار بستند، بعد در اتومبیلش را باز کردند تا از مرگش اطمینان حاصل کنند. سپس یک گلوله به پس سرش شلیک کردند." دکتر رجوی تصریح کرد که آخوندزاده در حال حاضر در وزارت امور خارجه در تهران کار می‌کند. به گفته مجاهدین دست کم دو تن از شرکت کنندگان در سوء قصد، پس از ارتکاب قتل، به کنسولگری ایران در ژنو رفتند. از آن جا با تهران تماس گرفته شد تا اطلاع داده شود که قتل با موفقیت انجام شد. مجاهدین می‌گویند نوار این گفتگو را، که از وزارت خارجه ایران به دست آورده‌اند، در اختیار دارند. آقای حسین مهدوی نمودار سازمانی "شبکه تروریستی عوامل خمینی" در سوئیس را ارائه کرد که به طور مستقیم زیر نظر هاشمی رفسنجانی عمل می‌کند و سیروس ناصری، که در تماس مستقیم با رفسنجانی و ولایتی است، در رأس آن قرار دارد. مجاهدین، کریم‌آبادی، سرکنسول ایران در ژنو، را متهم می‌کنند که مأمور تهیه جای امن و اوراق لازم برای اجرای این سوء قصد بوده است. صدای اوست که روی نوار مکالمه تلفنی با تهران ضبط شده است.

میشل، بیوه فرانسوی کاظم رجوی، که بسیار خسته به نظر می‌رسید، بیانیه مختصری را خواند: "بیش از سی سال من و کاظم زندگی مشترکی داشتیم. ما در دانشگاه باهم آشنا شده بودیم. کاظم در تمام طول زندگی، خود را وقف حقوق بشر و آزادی مردم ایران کرده بود." خانم رجوی گفت: "شوهر مرا کشتند، چون به نحوی خستگی‌ناپذیر از هدف عادلانه‌یی دفاع می‌کرد: حقوق بشر. این قتل مصیبت بزرگی است، ولی در نهایت اهمیت چندانی ندارد، چون کسان دیگری خواهند آمد و با صدایی رساتر و قوی‌تر سخن خواهند گفت تا سرانجام این رژیم از پا درآید." او در پایان گفت: "ما باید خوشوقت باشیم که مرگ او طوری بود که او را بار دیگر به قلب مبارزه باز می‌گرداند."

آقای مسعود رجوی از سوئیس خواسته است که "آمران و عاملان" قتل برادرش "تعقیب، دستگیر و محاکمه" شوند. پیام او همچنین حاوی اطلاعات دقیقی درباره عاملان این جنایت است که در اختیار رسانه‌ها گذاشته شد.

• روزنامه لاسویس در مقاله‌یی با عنوان «یک مقاوم» نوشت: «استاد کاظم رجوی، که مدتی به تدریس علوم سیاسی در دانشگاه ژنو اشتغال داشت، کمی پس از سقوط شاه سفیر ایران در مقر ملل متحد در ژنو شد. او، پس از آن که نزدیکان خمینی قدرت را به دست گرفتند، فعالیت خود را صرف دفاع از حقوق بشر کرد. آقای کاظم رجوی در میان محافل دموکرات ایرانی شخصیت بسیار مهمی شمرده می‌شد. او برادر

مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت، بود که علیه حکومت آخوندها مبارزه می‌کند. مقتول از ده سال پیش در شهرک تانه زندگی می‌کرد. آقای رجوی که همسرش فرانسوی است، پدر یک دختر ۱۵ ساله و دو پسر ۲۰ و ۲۳ ساله بود. پسر بزرگش، استفان، می‌گوید: "پدرم نماینده شورای ملی مقاومت در ژنو بود. او غالباً به مقر ملل متحد در ژنو و نیویورک می‌رفت تا تمام اعمال وحشیانه رژیم خمینی را افشا کند. مبارزه او مبارزه یک مدافع حقوق بشر بود. او کاری کرد که چندین قطعنامه در محکومیت خمینی به تصویب رسید." ژان زیگلر، نماینده مجلس نیز در همین جهت سخن می‌گوید و تصریح می‌کند که مقتول در حزب سوسیالیست ژنو عضویت داشت. آقای رجوی، از آن جا که به طور منظم مورد تهدید قرار می‌گرفت، توانسته بود از حمایت پلیس استان وو برخوردار شود. به گفته پسرش این تهدیدها تقریباً دائمی بود: "هر بار که به سازمان ملل می‌رفت، نمایندگان هیأت ایرانی در ژنو به طرف او می‌آمدند و به او توهین می‌کردند. چندبار به او گفتند: بالاخره حسابت را می‌رسیم! حتی یک بار به او مشت زدند."

خانواده رجوی به طور خاص از طرف رژیم کنونی ایران هدف قرار گرفته است: "هواداران خمینی دستشان به مسعود رجوی نمی‌رسد، از این رو به نزدیکانش حمله می‌کنند. منیر، خواهر کوچک پدرم را هشت ماه پیش در تهران تیرباران کردند. برادرش در زمان شاه شکنجه و محکوم به مرگ شده بود..."

۶ اردیبهشت (۲۶ آوریل)

• اطلاعیه دفتر سیاسی حزب دموکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی:
هم میهنان مبارز،

بر پایه گزارش خبرگزاریها، روز چهارم اردیبهشت ماه جاری دکتر کاظم رجوی، نماینده شورای ملی مقاومت در کشور سوئیس، بر اثر تیراندازی افراد جنایتکار به شهادت رسید. ما این حادثه تأسفبار را به شورای ملی مقاومت، سازمان مجاهدین خلق ایران و نیز به خانواده این شهید سرفراز صمیمانه تسلیت می‌گوییم. شهید دکتر کاظم رجوی بعد از سرنگونی رژیم سلطنتی و پیروزی انقلاب، عهده‌دار سفارت ایران در سوئیس گردید، لیکن با مصادره دستاوردهای انقلاب از سوی دار و دسته خمینی و قبضه قدرت سیاسی از طرف مرتجعین، از شغل خویش استعفا داد. او پس از تشکیل شورای ملی مقاومت، همکاری خود را با آن آغاز نمود و پس از چندی، به عنوان نماینده این تشکل سیاسی، فعالانه به کار خود ادامه داد تا سر انجام جان خود را در مبارزه علیه رژیم ارتجاعی و ضد خلقی جمهوری اسلامی از دست داد.

می‌راند بستند؛ او در حال بازگشت به خانه‌اش در تانه بود. به گفته او "سه نفر از اتومبیل سفید رنگ پیاده شدند، قربانی را به رگبار بستند، بعد در اتومبیلش را باز کردند تا از مرگش اطمینان حاصل کنند. سپس یک گلوله به پس سرش شلیک کردند." دکتر رجوی تصریح کرد که آخوندزاده در حال حاضر در وزارت امور خارجه در تهران کار می‌کند. به گفته مجاهدین دست کم دو تن از شرکت کنندگان در سوء قصد، پس از ارتکاب قتل، به کنسولگری ایران در ژنو رفتند. از آن جا با تهران تماس گرفته شد تا اطلاع داده شود که قتل با موفقیت انجام شد. مجاهدین می‌گویند نوار این گفتگو را، که از وزارت خارجه ایران به دست آورده‌اند، در اختیار دارند. آقای حسین مهدوی نمودار سازمانی "شبکه تروریستی عوامل خمینی" در سوئیس را ارائه کرد که به طور مستقیم زیر نظر هاشمی رفسنجانی عمل می‌کند و سیروس ناصری، که در تماس مستقیم با رفسنجانی و ولایتی است، در رأس آن قرار دارد. مجاهدین، کریم‌آبادی، سرکنسول ایران در ژنو، را متهم می‌کنند که مأمور تهیه جای امن و اوراق لازم برای اجرای این سوء قصد بوده است. صدای اوست که روی نوار مکالمه تلفنی با تهران ضبط شده است.

میشل، بیوه فرانسوی کاظم رجوی، که بسیار خسته به نظر می‌رسید، بیانیه مختصری را خواند: "بیش از سی سال من و کاظم زندگی مشترکی داشتیم. ما در دانشگاه باهم آشنا شده بودیم. کاظم در تمام طول زندگی، خود را وقف حقوق بشر و آزادی مردم ایران کرده بود." خانم رجوی گفت: "شوهر مرا کشتند، چون به نحوی خستگی‌ناپذیر از هدف عادلانه‌یی دفاع می‌کرد: حقوق بشر. این قتل مصیبت بزرگی است، ولی در نهایت اهمیت چندانی ندارد، چون کسان دیگری خواهند آمد و با صدایی رساتر و قوی‌تر سخن خواهند گفت تا سرانجام این رژیم از پا درآید." او در پایان گفت: "ما باید خوشوقت باشیم که مرگ او طوری بود که او را بار دیگر به قلب مبارزه باز می‌گرداند."

آقای مسعود رجوی از سوئیس خواسته است که "آمران و عاملان" قتل برادرش "تعقیب، دستگیر و محاکمه" شوند. پیام او همچنین حاوی اطلاعات دقیقی درباره عاملان این جنایت است که در اختیار رسانه‌ها گذاشته شد.

• روزنامه لاسویس در مقاله‌یی با عنوان «یک مقاوم» نوشت: «استاد کاظم رجوی، که مدتی به تدریس علوم سیاسی در دانشگاه ژنو اشتغال داشت، کمی پس از سقوط شاه سفیر ایران در مقر ملل متحد در ژنو شد. او، پس از آن که نزدیکان خمینی قدرت را به دست گرفتند، فعالیت خود را صرف دفاع از حقوق بشر کرد. آقای کاظم رجوی در میان محافل دموکرات ایرانی شخصیت بسیار مهمی شمرده می‌شد. او برادر

تردید نمی‌توان داشت که ترور ناجوانمردانه دکتر کاظم رجوی به دستور سران و سرکردگان رژیم جنایت‌پیشه جمهوری اسلامی و به دست مزدوران آدمکش و تروریست آنها صورت گرفته است.

این رویداد تأسفبار یک بار دیگر به وضوح نشان داد که گردانندگان رژیم جهل و جنایت، بی‌توجه به تمامی قوانین و مقررات بین‌المللی، هم‌چنان به اعمال تبه‌کارانه خود ادامه می‌دهند و متأسفانه دولتهایی که خود را پایبند دفاع از حقوق بشر و اصول و موازین دموکراتیک نشان می‌دهند، می‌کوشند به اصطلاح جناحی از رژیم را مسئول ارتکاب این عمل شنیع شناسانده، جناح حاکم و در رأس آن هاشمی رفسنجانی را از دست داشتن در این جنایت هولناک مبری معرفی نمایند. حاصل چنین موضع‌گیری جانبدارانه این شده که اکثریت این قبیل دولتها، در برابر این اقدامات جنایتکارانه، که به دستور مستقیم حکام تهران صورت می‌گیرد، حالت بی‌تفاوتی و انفعال در پیش گیرند و نتیجتاً موجبات هر چه جری‌تر شدن این خیل آدمکشان در ادامه تجاوز به حریم حقوق و آزادیهای مردم ایران و نقض حاکمیت کشورهای متبوعشان را فراهم سازند. اما تا جایی که به خلقهای ایران مربوط می‌شود، تنها راه نجات از زیر سلطه شوم آخوندهای خونریز و سیه‌کار تشدید مبارزه بی‌امان در تمامی عرصه‌هاست، چرا که تا هر زمان این آدمکشان سیه‌دل و تبه‌کار بر سر کار باشند، حوادث دردناکی چون ترور دکتر کاظم رجوی نمی‌تواند دور از انتظار باشد. اما نباید فراموش کرد که دستیابی به آزادی و رهایی از چنگ ستمگری و استبداد خونبهایی بس سنگین طلب می‌نماید و نهال آزادی بدون ریخته شدن این خونهای پاک به بار نمی‌نشیند از این رو بجاست یاد دکتر کاظم رجوی و همه شهیدان سرفرازی را، که در پیکار علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی جان باخت‌اند، گرامی داریم و با عزمی استوار و اراده‌ی خلل‌ناپذیر تا انهدام رژیم ارتجاعی و ضد خلقی جمهوری اسلامی، در کلیت آن، دقیقه‌ی از پای ننشینیم.

یاد دکتر کاظم رجوی و همه شهیدان راه آزادی ایران گرامی باد

• روزنامه جمهوری اسلامی نوشت: «... کاظم رجوی، برادر سرکرده منافقین،

عضو سابق ساواک و اولین رابط منافقین با سیا بوده است. وی در رژیم شاه معدوم برای نجات مسعود رجوی از زندان میان ساواک و سیا رایزنی می‌کرد. نامبرده مسئولیت منافقین در اروپا و آمریکا را به عهده داشت. ترور کاظم رجوی دنباله درگیریهای خونینی است که از مدتها قبل در سازمان منافقین آغاز شده بود، و گفته می‌شود در طول این درگیریها تعداد قابل توجهی از اعضای سازمان منافقین در عراق به قتل رسیده‌اند و ادامه درگیریها نوعی انتقامجویی طرفین از یکدیگر است.»

• روزنامه سوییسی «۲۴ ساعت»، در گزارشی از کنفرانس مطبوعاتی نمایندگان مقاومت ایران در ژنو، نوشت: «به نظر جنبش مقاومتی که کاظم رجوی نمایندگی آن را در سازمانهای بین‌المللی در ژنو به عهده داشت، هیچ شک وجود ندارد: "رژیم قرون وسطایی" تهران خواسته است کسی را از بین ببرد که "جنايati را که [این رژیم] به نام مذهب انجام می‌داد" به طور مستمر افشا می‌کرد. به علاوه مسعود رجوی، رهبر سازمان و برادر مقتول، نامه‌ی به رئیس کنفدراسیون نوشته و در آن کسانی را که، به قول او، این سوءقصد را ترتیب دادند، افشا کرده است. سیروس ناصری، سفیر ایران در ملل متحد، از جمله این کسان است. رجوی تصریح می‌کند نواری را در اختیار دارد که یک گفتگوی تلفنی رسواکننده بین تهران و کنسولگری ایران در ژنو روی آن ضبط شده است... مسعود رجوی در نامه‌اش به آرنولد کولر هم چنین از "عدم حساسیت" مقامهای رسمی به خطراتی که کاظم رجوی را تهدید می‌کرد، اظهار تأسف کرده است. صالح، برادر دیگرش... اظهار داشت که مقتول، در دسامبر ۱۹۸۷، از ژان - فرانسوا لوبا، رئیس اداره دادگستری و پلیس استان وو، تقاضا کرده بود "حفاظتی را که دیگر ضرورت تام دارد" تأمین کند. به گفته ژان زیگلر، دوست شخصی کاظم رجوی، که تقاضای حفاظت او را تأیید کرده بود، در اکتبر ۱۹۸۹ نیز تماسهای دیگری گرفته شد. او کسی را متهم نمی‌کند و می‌گوید "آقای لوبا کارش را انجام داد. قرار بود اگر رفت و آمدهای مشکوک یا موارد مشخصی مشاهده شد، اقدامات پیش‌بینی شده به مرحله عمل درآید". به گفته میشل رجوی، متأسفانه پس از قتل شوهرش بود که همسایگان از رفت و آمدهای غیرعادی خبر دادند... خبر تازه این است: به خلاف اخباری که توسط پلیس داده شده بود، گروه ضربتی که کاظم رجوی را به قتل رساند، از دو اتومبیل استفاده کرده بود. یکی اتومبیل گلف آبی رنگی که رهایش کرده بودند و دیروز پیدا شد، و یکی دیگر اتومبیل بزرگتر و سفید رنگی که یکی از شاهدان آن را برای میشل توصیف کرد».

• همین روزنامه در جای دیگری نوشت: «شورای فدرال سوءقصدی را که کاظم رجوی قربانی آن شد محکوم می‌کند و "از این که دعوای سیاسی مربوط به یک کشور دیگر منشأ حادثه خونینی در کشور ما شده است، ابراز تأسف می‌نماید" ... آشیل کازانوا، معاون صدر کنفدراسیون، در پاسخ به ایراد برادر مقتول مبنی بر این که سوییسی در انجام وظایف حفاظتی خود اهمال کرده است، گفت: "به این مسأله رسیدگی خواهد شد. با این همه باید یادآوری کرد که کاظم رجوی یک پناهنده بود و تأمین یک حفاظت دائمی از تمامی پناهندگانی که ممکن است در کشور ما در معرض تهدید باشند، ممکن نیست"».

۷ اردیبهشت (۲۷ آوریل)

* در اعتراض به ترور جنایتکارانه دکتر کاظم رجوی، تظاهراتی از طرف انجمنهای دانشجویان مسلمان خارج کشور در شهرهای واشینگتن، ژنو، پاریس، لندن، بن و استکهلم برگزار شد.

در ژنو، تظاهرات با شرکت ۲۵۰ نفر، از جمله نمایندگان از پارلمان سوییس، مجامع حقوق بشری، دانشگاهیان و نیز خبرنگاران رسانه‌های خبری، از جمله خبرگزاریهای سوییس، آسوشیتدپرس، تلویزیون و رادیو سوییس، برگزار شد. در این تظاهرات دو نماینده از حزب سوسیالیست سخنرانی کردند و پیامهای سه نماینده دیگر از حزب سوسیالیست و حزب سبزها خوانده شد. در پایان مراسم قطعنامه تظاهرات توسط دکتر صالح رجوی، میشل رجوی (همسر کاظم) و افشین علوی به دفتر ملل در ژنو تسلیم شد.

در پاریس، تظاهرات با شرکت ۱۵۰ نفر و با حضور چند خبرنگار برگزار شد. در این تظاهرات آقایان دکتر هدایت‌الله متین‌دفتری و جلال گنجهای در مورد ترور جنایتکارانه دکتر رجوی به دست عمال رژیم و تجلیل از شخصیت این شهید حقوق بشر سخن گفتند.

در لندن، تظاهرات با شرکت ۲۰۰ نفر، از جمله خبرنگاران بعضی از روزنامه‌های لندن در برابر سفارت سوییس برگزار شد.

در بن تظاهرات با شرکت ۴۰۰ نفر انجام شد. در این تظاهرات سخنگوی کمیته دفاع از حقوق انسانی و دموکراسی سخنرانی کرد. «جمعیت حمایت از خلقهای در تهدید آلمان فدرال» در پیام خود به برگزارکنندگان این تظاهرات ضمن ابراز «ناراحتی عمیق خود در رابطه با یکی دیگر از قطعات موزیانه یک مخالف سیاسی رژیم کنونی جمهوری اسلامی ایران که بایستی آن را به حساب این رژیم گذاشت»، خواستار «بررسی دقیق به دقیقه این قتل از سوی ارگانهای سویسی، بدون رعایت جانب احتیاط در مورد منافع اقتصادی و سیاسی کشور میزبان آقای رجوی» شد. در استکهلم تظاهرات با شرکت ۶۰۰ نفر و به صورت راهپیمایی انجام شد. پس از راهپیمایی آقای کارل گورانبیور مارک، نماینده پارلمان سوئد، به سخنرانی پرداخت و قطعنامه گروه پارلمانی حزب مردم را - که خود عضو هیأت رهبری آن می‌باشد - در محکومیت رژیم خمینی، قرائت کرد.

در تظاهرات اعتراضی انجمنهای دانشجویان مسلمان خارج کشور، پیام خانم مریم رجوی، مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران به سمع شرکت کنندگان رسید

(متن کامل این پیام در همین شماره به چاپ رسیده است) و در پایان قطعنامه تظاهرات قرائت گردید.

قطعنامه پایانی تظاهرات اعلام می‌کند که «این خونها جز بر شرف، عزت و محبوبیت مجاهدین و مقاومت ایران نمی‌افزاید. منطق قدرتمند مقاومت... طومار حیات دشمنان خلق را... در خیزش عظیم و نهایی ارتش آزادیبخش ملی در هم خواهد پیچید، بند بند موجودیت آنان را از هم خواهد درید و خشت خشت بنیان جنایت و دجالیت آنان را بر سرشان آوار خواهد کرد». در این قطعنامه از دولت سوییس خواسته شده است که «بدون چشم‌پوشی و اهمال، عاملین و آمرین این جنایت را، که توسط رهبر مقاومت ایران با اسم و عنوان معرفی گردیده‌اند،... دستگیر و معرفی و مجازات نماید». قطعنامه این جنایت را «آن روی سکه گزارش شرم‌آور و ننگین گالیندوپل» دانسته و از دبیرکل متحد ملل خواسته است که «رسماً ابطال گزارش ننگین گالیندوپل را اعلام نماید و گزارشگر جدیدی برای بازدید از شکنجه‌گاههای خمینی، به اتفاق نمایندگان و مترجمان مقاومت به ایران اعزام نماید». در قطعنامه همچنین یادآوری شده است که «تلاشهای سیاسی و تبلیغاتی، که برای پوشاندن چهره رفسنجانی در این جریان به عمل می‌آید، حیل‌های مزورانه و کثیفی است برای... نجات افسانه مضحک و کهنه "مدراسیون" دیکتاتوری آخوندی». قطعنامه اعلام می‌کند که «بقایای دیکتاتوری خون‌آشام خمینی هیچ مشروعیتی ندارند و، به دلیل سالها کشتار و شکنجه و خیانت‌های مستمرشان علیه مردم ایران و علیه بشریت، باید از سازمان ملل متحد و سایر مجامع بین‌المللی اخراج شوند. کرسی ایران از آن مقاومت عادلانه مردم ایران برای صلح و آزادی است» و در پایان از «عموم ملتها و دولتهای صلح‌دوست و مدافع حقوق بشر» می‌خواهند که رژیم را تحریم نفتی و تسلیحاتی کنند و نقض حقوق بشر در ایران را محکوم نمایند.

* به گزارش خبرگزاریها، سه ایرانی خشمگین ولایتی را، زمانی که در حال ورود به سالن کنفرانس مطبوعاتی در مقر سازمان ملل بود، با تخم‌مرغ مورد حمله قرار دادند. آنها فریاد می‌زدند «او یک شکنجه‌گر است، او نماینده مردم ایران نیست، او را از سازمان ملل بیرون کنید». سه مهاجم توسط محافظان از محل دور شدند. یکی از آنان گفت که برادرش توسط رژیم اعدام شده است. آنها خود را ایرانی معرفی نمودند و گفتند عضو هیچ گروهی نیستند. ولایتی در پاسخ به خبرنگاران در مورد هویت این سه تن و دلیل این اقدام اظهار بی‌اطلاعی کرد، اما یکی از عوامل رژیم به خبرنگاران اظهار داشت «ما اطلاع داریم که این سه نفر جزء گروه مجاهدین بودند و عصبانی‌اند از گزارش گالیندوپل که در آن از کارهای تروریستی اینها

۸ اردیبهشت (۲۸ آوریل)

* دفتر مجاهدین خلق در اطلاعیه‌ی اعلام کرد: یکی از کارگزاران شناخته‌شده رژیم به نام قرائتی، در روز ۵ اردیبهشت در مصاحبه با رادیو تهران تلویحاً اذعان نمود که سوءقصد به جان دکتر کاظم رجوی، نتیجه توطئه شخصی توسط بقایای رژیم خمینی بوده است. قرائتی از مزدوران رژیم خواستار شناسایی و حذف فیزیکی مجاهدین «در هر نقطه جهان» گردید و گفت: «اینها را بگیرید، اعدام کنید، چون اینها نه حاضرند ایمان بیاورند و نه حاضرند آرام باشند. این منافقینی که قصد براندازی دارند و حاضر نیستند کوتاه بیایند... حکومت اسلامی برای این که منافقین را سرکوب کند، دستش باز است. چون محور آنها (مجاهدین) زنده است، اینها دور این محور جمع می‌شوند، و قدرت می‌شوند... باید محور را کوبید... منافق شمشیر به دست با استدلال و نصیحت مستقیم نمی‌شود و تا ریشه ما را نکند از پا نمی‌نشیند... منافقین مودی را بگیرید، بکشید. اما این‌طور هم نیست که راحت باشد، برخورد شدید و قلع و قمع می‌خواهد».

* دفتر مجاهدین خلق در اطلاعیه‌ی اعلام کرد: «خبرگزاری رژیم، شب گذشته به نحو مضحک و رقت‌باری ادعا کرد که ترور جنایتکارانه دکتر کاظم رجوی در ژنو توسط خود مجاهدین انجام شده و افزود: "احتمال می‌رود که خشونت‌ها در مقیاس خیلی گسترده‌تری اوج یابد" جمله‌ی که تهدید آشکار رژیم تروریستی خمینی به انجام سوءقصد‌های هر چه بیشتر علیه مجاهدین و فعالان مقاومت در خارج از مرزهای ایران را دربر دارد». در این اطلاعیه هم چنین آمده است: «ساعاتی پس از انتشار فراخوان آقای رجوی به دولت سوییس برای دستگیری و محاکمه مجرمان که در سفارت خمینی به سر می‌برند و نام بردن از مسئولان این سوء قصد... رژیم ملایان به منظور در بردن افراد اصلی شرکت‌کننده در این سوءقصد، از طریق مزدورانش که خود را وابسته به "جهاد اسلامی" معرفی می‌کردند، در تماس با روزنامه سویسی تریبون دو ژنو مسئولیت این جنایت را به عهده گرفت... آنها در تماس تلفنی با تحریریه تریبون دو ژنو از دولت و پلیس سوییس خواستند تا به این قضیه که منحصرأ به تسویه حساب میان مسلمانان مربوط می‌شود، نپردازند».

برده‌برداری شده است». از سوی دیگر بخش فارسی صدای آمریکا در تماسی با یک سخنگوی سازمان مجاهدین نظر او را در مورد این سه تن جويا شد. وی در پاسخ گفت که این سه تن را نمی‌شناسد ولی معتقد است که «آنها جوانانی هستند که از قتل کاظم رجوی عصبانی بودند». بنا بر همین گزارش یکی از خبرنگاران حاضر در سازمان ملل در این مورد گفت که یک تن از حمله‌کنندگان را شناخته است، وی متعلق به گروه مجاهدین خلق است. در کنفرانس از ولایتی در مورد اتهامات سازمان مجاهدین پیرامون قتل کاظم رجوی توسط رژیم جمهوری اسلامی سؤال شد. ولایتی گفت: «این اتهامات کاملاً دروغ و بی‌پایه است. طبق اطلاعات ما در حال حاضر اختلافات شدید در این گروه است و به ویژه میان مریم رجوی و کاظم رجوی درگیری وجود داشته است».

* روزنامه ابرار نوشت: «سازمان دفاع از قربانیان خشونت با انتشار اطلاعیه‌ی ترور کاظم رجوی در سوییس را محکوم کرد. در اطلاعیه این سازمان که مرکز آن در تهران است، آمده است: کاظم رجوی در حالی که در سوییس مشغول توجیه فعالیت‌های تروریستی سازمان منافقین در قالب فعالیت‌های سیاسی و انقلابی بود، عاقبت به دام تروریستها گرفتار شد و جان خود را در این راه از دست داد... ما از کلیه مجامع بین‌المللی تقاضا داریم برای پایان بخشیدن به اقدامات تروریستی، این عمل را قویاً تقبیح نمایند... با توجه به درگیریهای داخلی در درون سازمان منافقین، که از حدود دو سال پیش آغاز شده و طی آن افراد رده بالای آن سازمان نظیر علی زرکش و عباس زری‌باف کشته شده‌اند، تعداد زیادی در زندانهای آن سازمان در بغداد به سر می‌برند و نظر به موضع اخیر سازمان منافقین نسبت به گزارش نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر، احتمال گسترش خشونت در ابعاد گسترده‌تر و افزایش تعداد قربانیان می‌رود... سازمان دفاع از قربانیان خشونت در ادامه این اطلاعیه از کلیه محافل انساندوست و مدافع حقوق انسانی خواسته تا با سازمانهای مشابه سازمان منافقین، که از بانیان این ترور و خشونت هستند و انسانها را قربانی تصفیه‌های شخصی و سازمانی و... می‌کنند، برخورد جدی نموده و با محکومیت عمومی، مفری برای تکرار جنایات این چنینی باقی نگذارند... ترور کاظم رجوی نتیجه تصفیه درون گروهی سازمان منافقین است. با توجه به درگیریهای داخلی در درون سازمان منافقین و نظر به موضع اخیر این سازمان نسبت به گزارش نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر، احتمال گسترش خشونت و افزایش تعداد قربانیان می‌رود».

۹ اردیبهشت (۲۹ آوریل)

* قسمتی از «بیانیه نشریه پویش»:

«دکتر کاظم رجوی، نماینده شورای ملی مقاومت ایران در ژنو و یکی از چهره‌های سرشناس جنبش ترقیخواه ایران به دست عمال تروریست رژیم "جمهوری اسلامی" به شهادت رسید. این ترور وحشیانه در نزدیکی محل سکونت آقای رجوی... انجام گرفت...»

ترور این شخصیت مبارز که طی سالهای اخیر پیگیرانه در عرصه بین‌المللی به افشای نقض حقوق بشر در ایران می‌پرداخت، بی‌شک هر ایرانی آزاداندیش، مسئول و قدرشناسی را متأثر ساخت. دست‌اندرکاران نشریه پویش نیز ضمن اظهار تأسف، این ترور ناجوانمردانه و انزجار برانگیز را شدیداً محکوم کرده و در همین‌جا لازم می‌دانیم که به تمامی خوش‌باوران داخلی و خارجی‌یی که از تمایل به "اهلی" شدن رژیم "جمهوری اسلامی" دم می‌زدند و به آن امید بسته بودند، خاطرنشان سازیم که این رژیم جنایتکار نه در ماهیتش است و نه این‌که توان آن را دارد که از خوی تروریستی و سرشت خشونت‌بارش دست بردارد. توطئه ترور دکتر کاظم رجوی آن‌هم در شهر ژنو - یعنی همان شهری که دفتر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل نیز در آن‌جا واقع شده است - هم‌چنین می‌بایست برای این کمیسیون و گزارشگران آن که تنها دو ماه قبل از وقوع این جنایت، با ارائه تصویری نادرست، غیرواقعی و به غایت سمپاتیک با حکام جنایتکار ایران، از سویی باعث کم‌شدن فشارهای بین‌المللی بر رژیم شده و از سوی دیگر باعث غرّه شدن کارگزاران این رژیم تروریست‌پرور گردیدند، نیز پیامد ناگوار مسامحه در قبال این رژیم را روشن کرده باشد. به ویژه این که جانان قرون‌وسطایی حاکم بر ایران این‌بار با وقاحت و بی‌شرمی یکی از شناخته‌شده‌ترین چهره‌هایی را که به دادخواهی از نقض حقوق بشر در ایران برخاسته بود، آماج ترور و خشونت خود قرار می‌دادند... ترور دکتر کاظم رجوی، اولین ترور سیاسی جمهوری اسلامی نبوده و طبعاً آخرین آن هم نخواهد بود. با گسترش اعتراضات مردمی در ایران شاهد اقدامات تروریستی مشابه از سوی این رژیم به منظور دامن‌زدن به جو رعب‌وحشت، چه در داخل یا خارج از کشور، خواهیم بود. تا زمانی که جباران و قداره‌بندان بر میهنمان حکومت کنند وضعیت همین خواهد بود و ترور، ناامنی، تهدید و پس‌رفت و... ادامه خواهد داشت. لذا می‌بایست در مبارزه برای سرنگونی تام و تمام این رژیم جنایتکار ثابت‌قدم و پیگیر باشیم.»

* در کنگره سالانه حزب سوسیالیست سوییس (۸ و ۹ اردیبهشت در شهر بال)، رئیس حزب سخنرانی افتتاحیه کنگره را با یاد دکتر کاظم رجوی آغاز کرد و گفت: «دکتر کاظم رجوی یک مبارز راه آزادی و دموکراسی بود که همواره تروریسم رژیم خمینی را افشا می‌کرد». در این کنگره که به دعوت حزب هیأتی از سوی مقاومت ایران در آن شرکت داشت، بیانیه‌یی به این شرح به تصویب رسید:

«کنگره حزب سوسیالیست سوییس یاد دکتر کاظم رجوی را که یک مدافع بزرگ حقوق بشر بود، گرامی داشته و تسلیت خود را به خانواده وی و مسعود رجوی، رهبر مقاومت ایران، ابراز می‌دارد. کنگره تأسف خود را از این‌که چنین انسان والایی در خاک سوییس مورد سوء قصد قاتلان قرار گرفت و مقامات سوییس محافظت لازم را از وی به عمل نیاوردند، ابراز داشت. شبکه تروریستی رژیم ملاها از طریق سفارتش در برن و کنسولگری آن در ژنو سازماندهی شده‌اند. از دولت سوییس خواستار برچیدن این شبکه می‌باشیم. کنگره خواهان پیگیری و دستگیری کلیه عاملان و آمران این جنایت می‌باشد. کنگره بر تحکیم روابط میان حزب سوسیالیست سوییس و مجاهدین خلق ایران تأکید می‌ورزد.»

* بنا به دعوت رسمی حزب کارگران ایرلند، هیأتی از سوی مقاومت مردم ایران در کنفرانس سالانه حزب که از ۷ اردیبهشت به مدت سه روز برگزار گردید، شرکت کرد. شون گارلند، دبیرکل حزب، که از شنیدن خبر شهادت دکتر کاظم رجوی به شدت متأثر شده بود، بقایای رژیم خمینی را مشتی جنایتکار توصیف کرد و حمایت خود و حزب کارگران ایرلند را از مقاومت عادلانه مردم ایران برای صلح و آزادی اعلام نمود. در دومین روز کنفرانس بیانیه‌یی از سوی این حزب به این شرح به تصویب رسید:

«حزب کارگران مطابق اصول خود، همواره رژیم خمینی را محکوم کرده است. از سال ۱۹۸۱ تاکنون ۹۰،۰۰۰ نفر اعدام گشته و رژیم ۱۵۰،۰۰۰ تن را به دلایل سیاسی دستگیر و شکنجه کرده است. از زمان مرگ خمینی، بقایای او از ترس سرنگون شدن اقدامات سرکوبگرانه خود را تشدید نموده‌اند. تظاهرات مردمی در حمایت از آقای مسعود رجوی، رهبر مقاومت ایران، در چند ماه گذشته به طور وحشیانه‌یی با دستور مستقیم رفسنجانی سرکوب گردیده است. حزب کارگران هم‌چنین اعمال تروریستی رژیم در خارج از ایران به ویژه ترور کاظم رجوی را که مدت زمان بسیاری از عمر خود را در ملاقاتها و جلسات ارگانهای مختلف سازمان ملل سپری کرده، محکوم مینماید و آن ترور را از عواقب گزارش مخدوش و شرم‌آور گالیندوبل در مورد وضع حقوق بشر در ایران می‌شمارد. حزب کارگران از مجاهدین خلق و ارتش

آزادبخش ملی ایران برای برقراری صلح و دموکراسی در آن کشور حمایت می‌کند. ما همچنین بر درخواست پارلمان اروپا و مجمع پارلمانی شورای اروپا مبنی بر "قطع تمامی روابط با رژیم خمینی، تحریم تسلیحاتی و نفتی این رژیم و استفاده از هر گونه تلاشی برای اخراج این رژیم قرون وسطایی از سازمان ملل و تضمین نمایندگی مردم ایران توسط شورای ملی مقاومت"، تأکید می‌نماییم.

۱۰ اردیبهشت (۳۰ آوریل)

مراسم خاکسپاری

بامداد امروز طی مراسم پرشکوهی، پیکر دکتر کاظم رجوی در گورستانی در نزدیکی شهر کربلا، در کنار مزار شهیدان عملیات ارتش آزادیبخش ملی ایران به خاک سپرده شد. در مراسم خاکسپاری این شهید بزرگ حقوق بشر و مقاومت ایران، آقای مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت، خانم مریم رجوی، مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران، خانم میشل رجوی، همسر شهید، فرزندان، برادران و اعضای خانواده رجوی، تعداد زیادی از شخصیت‌های برجسته مقاومت، از جمله مسئولان و نمایندگان سازمان‌های عضو شورای ملی مقاومت، شخصیت‌های عضو شورا، اعضای ستاد فرماندهی ارتش آزادیبخش ملی ایران، شماری از اعضای هیات اجرایی سازمان مجاهدین خلق، گروه‌هایی از خانواده‌های شهیدان و زندانیان سیاسی و تعداد زیادی از رزمندگان ارتش آزادیبخش ملی حضور داشتند. گارد احترام نظامی بزرگی متشکل از رزمندگان ارتش آزادیبخش ملی، آیین نظامی ویژه‌ای را حین خاکسپاری پیکر دکتر رجوی اجرا کرد. پس از خاکسپاری پیکر دکتر رجوی، تاج‌های گلی از طرف مسعود و مریم رجوی، خانواده رجوی، شورای ملی مقاومت ایران، ارتش آزادیبخش ملی ایران و سازمان مجاهدین خلق نثار آرامگاه کاظم شد. آن‌گاه خانم میشل رجوی، خطابه‌ای به زبان فرانسه، به این شرح قرائت کرد:

«من می‌خواهم از مسعود، مریم و تمام برادران و خواهران مجاهد، برای افتخار بزرگ و محبت بی‌پایانی که نثار کاظم کردند و به او امکان دادند که به این جا پناه بیاورد، در این جا پذیرفته شود و سرانجام بیاساید، تشکر کنم؛ در این جا، در این سرزمین مقدس، سرزمین مبارزه، سرزمین همه شورش‌ها و همه امیدها، آمیزه بهشت و دوزخ، سرزمین عشق و برادری. می‌دانم که در این جا آرامش خواهد داشت و شما با عشق خود تا ابد او را حفظ خواهید کرد.

در این ماه‌های آخر کاظم فقط یک اشتیاق داشت: این که به ایران برگردد و

در آن جا بمیرد. از همان هنگام که ایران را ترک کرد و در حالی که هنوز نوجوانی بیش نبود، سرنوشت دشوارترین، غیرقابل بیان‌ترین و پرپیچ و خم‌ترین راه‌ها را در مقابلش قرار داد. من، هر چند زن کم‌اعتقادی هستم، ولی می‌بایست می‌فهمیدم که او، از همان وقت، بازگشت به سوی مسعود و به سوی شما را، در این سرزمین سحرآمیزی که سرنوشت انسان کامل در آن به پایان می‌رسد، تدارک می‌دیده است.

طی همان چند دقیقه، هنگامی که قاتلان بر سرش ریختند، طی همان چند لحظه‌ای که هنوز هوشیار بود، می‌دانم که قلبش با ما و روحش از همان وقت در صلح و صفا بود. او هم اکنون از رودی گذر کرده است که به خوشبختی و آزادی می‌رسد. ما گریه می‌کنیم، یا من گریه می‌کنم، چون در کناره رود مانده‌ام، چون به حکم سرنوشت در این جا متوقف شده‌ام و نتوانسته‌ام او را همراهی کنم. و درد و رنجم با تردیدها و کمبود اعتقاد برابری می‌کند.

کاظم سرانجام از این دنیای خشونت و بیداد گریخت. کاظم به سوی جهانی پر فروغ پرکشید. من سرنوشت او را که آمیزه‌ای از مبارزه، خوشبختی، تیره‌روزی، ناامیدی و امید بود، می‌پذیرم.

خدا کاظم را به سوی خود خواند، چون تشخیص داد که مأموریتش را انجام داده است. پس او را به زندگی جاودانه رساند.

پس از آن خانم مریم رجوی، مسئول اول سازمان مجاهدین خلق، به سخنرانی پرداخت. او ضمن تجلیل از این شهید مقاومت، گفت: «آروزیش این بود که به صف مقدم نبرد برود و در آن جا به شهادت برسد. بارها به من می‌گفت که برای عملیات نهایی، حتماً مرا ثبت‌نام کن، می‌خواهم در صحنه باشم. بارها از من می‌پرسید آیا امکان دارد پس از مرگ مرا مجاهد خطاب کنید؟» او اضافه کرد: «واقعیت این بود که... او سرداری از ارتش آزادیبخش بود که در صحنه جنگ سیاسی و بین‌المللی ما با خمینی دژخیم به شهادت رسید». خانم رجوی گفت: «این شهید بزرگ ما از ویژگی منحصر به فردی برخوردار است، به خصوص برای من و مجاهدین و مقاومت سراسری. ویژگی منحصر به فرد این شهید تلاش بی‌وقفه او برای حفظ جان مسعود بود... از این بابت این شهید برای ما جایگاه ویژه و والایی دارد». او سپس به فعالیت مداوم کاظم طی ۹ سال گذشته، برای «دادخواهی خون تمام مجاهدان و مبارزان و تمام کسانی که در حکومت خمینی تحت ستم و شکنجه بودند» اشاره کرد و گفت: «به دنبال تلاش‌های کاظم بود که ۹ سال پیایی رژیم خمینی جنایاتش در سطح بین‌المللی افشا شد و هر سال محکومیت این رژیم به خاطر نقض حقوق بشر به تصویب رسید». مسئول اول سازمان مجاهدین، پس از اشاره به نیاز رژیم به بزک

بزرگداشت یاد کاظم رجوی، خواهان ادامه یافتن مبارزه او هستیم و علیه فعالیت دستگاههای امنیتی کشورهای دیگر در سویییس اعتراض می‌کنیم». آقای موتینو، پس از سخنرانی، یک دقیقه سکوت اعلام کرد و حاضران به احترام خاطره «شهید بزرگ حقوق بشر» یک دقیقه سکوت کردند.

* روزنامه الجزیره، چاپ عربستان، در مقاله‌ای با عنوان «ترور مبلغ حقوق بشر در ایران» نوشت: «... رژیمی که با خون و تروریسم بر سر پا مانده است، به تروریسم و ریختن خونهای بیشتر ادامه می‌دهد تا سرانجام، غرقه در خون قربانیانش، سرنگون شود، بدون آن که تأسف کسی را برانگیزد. رژیم تهران نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نیست. صحنه‌هایی که امروز در ایران شاهد آن هستیم، این واقعیت را به ما یادآور می‌شود، چرا که این رژیم همه جا، اعم از داخل یا خارج ایران، قربانی می‌گیرد. مزدوران رژیم ایران در سویییس جنایت ددمنشانه‌ی را مرتکب شدند. دستهای کثیف آنها یکی از مهمترین شخصیت‌های ایرانی را، که خودش را وقف دفاع از حقوق بشر در ایران کرده بود، ترور نمودند. او دکتر کاظم رجوی، برادر رهبر مقاومت ملی ایران مسعود رجوی، است. دکتر کاظم رجوی به حق شهید حقوق بشر در ایران به شمار می‌رود، زیرا او نوزده سال مداوم جهاد کرد و در برابر دیکتاتوری ایستاد و برای این که همه ایرانیان زندگی خوبی داشته باشند، مبارزه نمود. دکتر کاظم رجوی که از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۸ در فرانسه و بعد از آن در سویییس اقامت داشت، دارای ۶ درجه دکترا در رشته‌های حقوق، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی از دانشگاه‌های پاریس و ژنو بود. وی از چندین سال قبل از سرنگونی رژیم شاه و نیز در سالهای بعد به تدریس در دانشکده حقوق در ژنو مشغول بود و نزدیک به ۱۰ سال کرسی استادی این دانشکده را در اختیار داشت. از دکتر رجوی تألیفات و کتابهای متعددی در زمینه‌های حقوقی و سیاسی به زبان فرانسه و فارسی بر جا مانده است که در میان آنها می‌توان از «انقلاب ایران و مجاهدین» و «دیالکتیک در تاریخ و طبیعت» نام برد، در سال ۱۹۷۱، در پی صدور حکم اعدام از سوی یک دادگاه نظامی شاه برای آقای مسعود رجوی که در آن زمان از رهبران مجاهدین و از چهره‌های سرشناس در میان زندانیان سیاسی ساواک بود، دکتر کاظم رجوی با هدایت یک سلسله فعالیت‌های گسترده بین‌المللی، که منجر به دخالت عفو بین‌الملل و تعداد دیگری از سازمانها و شخصیت‌های مدافع حقوق بشر در اروپا شد، موفق گردید رژیم شاه را وادار به عقب‌نشینی کرده و حکم اعدام آقای مسعود رجوی را به حبس ابد مبدل کند. در پی سرنگونی دیکتاتوری شاه، دکتر رجوی نخستین سفیر ایران در مقر اروپایی ملل متحد شد، ولی پس از یک سال، با استقرار دیکتاتوری خمینی و ظهور

کردن چهره خود برای خروج از انزوای سیاسی و محصول تلاش در این راه که همان «گزارش خائنانه و ردیلا نه بود»، گفت دیگر چه کسی می‌تواند چهره رژیمی را بپوشاند که «در ژنو، در مقر اروپایی ملل متحد، در خاک بی‌طرف،... کسی را که تنها جرمش دفاع از حقوق بشر و خونهای به ناحق ریخته شده بود، تیرباران می‌کند و تیر خلاص می‌زند». او گفت: «همه دولت‌ها از شرق و غرب باید بدانند که تا بقایای رژیم خمینی بر سر کار است، چشم دوختن به هر به اصطلاح میانه‌روی... چشم دوختن به سربازی بیش نیست. تا این رژیم هست، نه از صلح خبری است و نه از میانه‌روی و بازسازی... جای هیچ تردیدی نیست که تنها جانشین مردمی، مستقل و آزادیخواه برای این رژیم، شورای ملی مقاومت است که سالهاست بی‌دریغ از پیکرش خون می‌رود و خونهای آزادی را به تمام و کمال پرداخته است». خانم رجوی در پایان، از همه سازمانها، احزاب و شخصیت‌های ایرانی و خارجی که شهادت کاظم را تسلیت گفتند و ابراز همدردی نمودند، تشکر کرد و خطاب به کاظم گفت: «اگر تو در دو دهه گذشته برای ما جان مسعود را حفظ کردی و نزدیک به ۲۰ سال از عمرت را بی‌وقفه برای آرمان و آزادی خلقت، در برابر ستم شاه و شیخ، مبارزه کردی، مطمئن باش که ما هم نسل او را، یعنی آرمان ترا، حفظ خواهیم کرد و در این راه تا آخرین نفس و تا آخرین قطره خون از پا نخواهیم نشست تا این مشعل را هر چه فروزانتر نگاه داریم».

در پایان مراسم واحدهایی از ارتش آزادیبخش ملی که در محل حضور داشتند، به نوبت در برابر آرامگاه دکتر کاظم رجوی حاضر شدند و ادای احترام کردند.

* جمعیت حقوق بشر سویییس و سندیکای دانشگاهیان ژنو در اعتراض به

ترور جنایتکارانه دکتر کاظم رجوی، تظاهراتی در برابر دفتر هواپیمایی ملی ایران در ژنو برپا کردند که در آن مسئولان جمعیت حقوق بشر و حزب سوسیالیست سویییس و نیز عده‌ای از دانشگاهیان ژنو و نمایندگان پارلمان شرکت داشتند. آقای لوران موتینو، از مسئولان جمعیت حقوق بشر، در سخنرانی خود در این تظاهرات، گفت: «... کاظم رجوی در زمان شاه جنایات ساواک را به طور سرسختانه و پیگیر افشا می‌کرد. با کوششهای افشاگرانه او محکومیت برادرش، مسعود رجوی، به زندان ابد کاهش یافت و همین افشاگریها باعث شد که شبکه ساواک از خاک سویییس برچیده شود. او همین مبارزه را علیه رژیم خمینی دنبال کرد. او ابتدا سفیر ایران در سازمان ملل شد، اما با آشکار شدن ماهیت رژیم استعفا داد و به افشای جنایات آن پرداخت و به رغم تهدیدهای این رژیم، فعالیت خود را ادامه داد. ما ضمن

۲ - به صورت طبیعی و مطابق یک عادت همیشگی و نیز به خاطر ضدیت مجاهدین با انقلاب اسلامی، ترور و قتل کاظم رجوی از سوی گروه‌های مخالف به جمهوری اسلامی نسبت داده شد. ولی در وضعیت کنونی سازمان و بن‌بست استراتژیک آن که منجر به ایجاد شکاف درونی و حاکمیت روحیه یأس و انفعال و نیز بریدگی اعضا و هواداران شده است، می‌توان احتمال وقوع جنگ قدرت در درون سازمان و نیز احتمال ترور وی از سوی مخالفان رجوی را، که البته هم چنان خود را ادامه دهندگان راه بنیانگذاران سازمان می‌دانند، جدی تلقی کرد. تاکنون افراد زیادی - چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی از سازمان جدا شده و به عملکرد و مواضع رهبری آن اعتراض کرده‌اند البته عده‌یی از آنان در درون سازمان کشته و حذف فیزیکی شده‌اند (نظیر زرکش و عباس زرباف)، ولی بسیاری دیگر به اروپا رفتند و در آن جا به فعالیت می‌پردازند (نظیر پرویز یعقوبی و دوستانش) و عده‌یی دیگر هم در کردستان عراق مستقر شده‌اند (نظیر حسن مهرابی و هوادارانش). در باور این افراد، رهبری سازمان خط خیانت به آرمانهای بنیانگذاران و سازش با غرب را در پیش گرفته است و طبعاً عنصر واسط و دلال معامله‌یی که سازمان خود را به غرب فروخته، همین کاظم رجوی است. اتفاقاً گروهی که مسئولیت قتل وی را بر عهده گرفته، خود را ادامه‌دهنده راه حنیف‌نژاد دانسته و با اشاره به وقوع انحراف در سازمان مجاهدین، مجازات انقلابی کاظم رجوی را به دلیل خیانت‌هایش به مجاهدین و نیز عامل اصلی غربی کردن سازمان، مجاز تلقی کرده و از همه خواسته‌اند که برای مجازات عاملین ایجاد انحراف در سازمان، با آنان همکاری کنند.

شکست فعالیتهای سیاسی سازمان هم عاملی است که می‌تواند برخی از اختلافات درونی مجاهدین را موجب شود، زیرا سازمان در طی سالهای اخیر با تبلیغات وسیع در مورد نقض حقوق بشر در ایران و نیز با جلب حمایت غربیها می‌خواست از فرصت استفاده کند و با کمک آنان جمهوری اسلامی را ساقط کرده و خود بر اریکه قدرت تکیه زند. ولی نتیجه فعالیت چندین ساله شاخه سیاسی و افرادی چون کاظم رجوی چیزی جز جمع‌آوری تعدادی امضا و گرفتن چند عکس یادگاری نبود و در مورد حقوق بشر نیز گزارش گالیندوپل آنان را مایوس ساخت، به گونه‌یی که سازمان ناچار شد در مقابل آن گزارش موضع بگیرد و خواستار بازپس‌گیری آن از سوی سازمان ملل شود. شکست فعالیتهای سیاسی سازمان برای کسانی که از ابتدا با ایجاد این مشی مخالف بودند و بهای پرداخت شده از سوی سازمان را در مقابل دستاوردهای این گونه فعالیتها بسیار سنگین می‌بینند واکنشهایی رابه دنبال دارد که، با توجه به روحیه نظامی حاکم بر آنان، احتمالاً می‌تواند خشن و از نوع ترور و... باشد. آن چه این احتمال را تقویت می‌کند ترور محمد سیدالمحدثین در ترکیه

مجاهدین تحت رهبری مسعود رجوی به عنوان بزرگترین اپوزیسیون خمینی، به عنوان اعتراض به دیکتاتوری خمینی از مقام خود استعفا داد. از آن هنگام تا لحظه شهادت، کاظم رجوی نمایندگی مقاومت ایران در مجامع مختلف بین‌المللی را بر عهده داشت و همه ساله در جلسات مجمع عمومی ملل متحد، کمیسیون حقوق بشر ملل متحد و سایر مجامع بین‌المللی سرپرستی هیأت مقاومت را بر عهده داشت. تصمیم رژیم خونخوار تهران برای ترور دکتر رجوی بعد از آن اتخاذ شد که وی دست به افشای توطئه بین‌المللی به منظور بزرگ کردن چهره رژیم ایران در برابر افکار عمومی جهان با گزارش یک جانبه گالیندوپل زد و سفیر رژیم ایران در ژنو مأمور اجرای جنایت ترور گردید. برای سفیر رژیم ایران که در یک دنیا جنایت دست دارد، سخت نبود که خواست اربابانش در تهران را برآورده سازد تا دکتر رجوی قربانی نیرنگ بین‌المللی یعنی یک گزارش دروغین و جعلی شود، گزارشی که از نتایج آن بر خاک افتادن یکی از ستونهای حقوق بشر بود.

۱۲ اردیبهشت (۲ مه)

* هفته‌نامه کیهان هوایی در «تفسیر سیاسی» مفصلی درباره «بحران در استراتژی مجاهدین و ترور کاظم رجوی» نوشت:

۱ - کاظم رجوی از اعضای مستقل شورای ملی مقاومت محسوب می‌شد و مجموعاً نقش فعالی در فعالیتهای سیاسی و بین‌المللی این شورا و سازمان مجاهدین بر عهده داشت. وی مجموعاً ۳۵ سال در اروپا (فرانسه و سوییس) به سر برده بود و با مسئولان احزاب و دولتها و پارلمانهای کشورهای مختلف اروپایی و آمریکا رابطه نزدیکی داشت و حتی این که وی مستقیم و غیر مستقیم در رابطه با سازمانهای جاسوسی این کشورها بوده باشد چندان نامحتمل نیست، به ویژه آن که وی در رژیم گذشته نیز با "ساواک" مرتبط بود و همین ارتباط، به علاوه همکاری مسعود رجوی با بازجوها و نیز فعالیتهای جریانهای حقوق بشری غربی، در اعدام نشدن مسعود رجوی مؤثر بوده است. کاظم رجوی پس از رفتن رهبری سازمان به عراق، نقش فعالی در فعالیتهای سازمان در سطح مجامع جهانی داشته و به ویژه مأمور رسانیدن اطلاعات غلط به نماینده ویژه سازمان ملل - گالیندوپل - درباره وضعیت حقوق بشر در ایران، بود. وجهه غربی و نیز ارتباطات گسترده وی با مجامع غربی، عامل مهمی برای حمایت غرب از سازمان مجاهدین محسوب می‌شد و در واقع تضمین سازمان به آمریکا و اروپا برای همسویی مجاهدین با آنان، وجود چهره‌هایی چون کاظم رجوی در رأس فعالیتهای بین‌المللی آنان بود.

است که اتفاقاً وی نیز در شاخه سیاسی سازمان فعالیت داشته است.

حقوق بشر در ایران صحنه نخواهند گذاشت».

۳ - وضعیت کنونی سازمان، اوج استیصال و ورشکستگی یک جریان سیاسی-نظامی را نشان می‌دهد به ویژه اگر این اوضاع با جاروجنگالهای تبلیغاتی و وعده‌های پیروزی در کوتاه مدت آنان مقایسه شود. شکست استراتژی جنگی سازمان موجب شد که دیگر هیچ‌گونه امیدی به پیروزی نظامی و از طریق تصرف شهرها و پایتخت، برای آنان باقی نماند. شیوه‌های دیگر کسب قدرت (نظیر شیوه‌های جنگ چریک شهری، ایجاد حرکت‌های مردمی، دخالت مستقیم ابرقدرتها و شکست انقلاب از طریق محاصره نظامی و اقتصادی و...) نیز از قبل تجربه شده و نارسایی خود را به اثبات رسانده‌اند. دقیقاً همین فاصله زیاد و دست‌نیافتنی سازمان از قدرت سیاسی است که بسیاری از گرفتاری‌های درونی سازمان را ایجاد یا تشدید کرده است. اینک سازمان در شرایط سخت روانی به سر می‌برد و در حالی که جز انتظار کشیدن برای شکست انقلاب چاره‌ای ندارد ناچار است برای هوادارانش فکری کند و به اصطلاح از مسأله‌دار شدنشان ممانعت به عمل آورد. دور از دسترس قرار گرفتن پیروزی، روحیه یأس را بر همه هواداران و اعضا حاکم می‌کند و شیوه‌های رهبری سازمان را در ذهنیت هواداران به زیر سؤال می‌کشد و چه بسا اختلافات داخلی را تشدید می‌کند. از سوی دیگر نیز سازمان توانایی و امکانات جذب افراد تازه را از دست می‌دهد و کم‌کم مضمحل خواهد شد و این بدترین وضعیتی است که برای سازمان مجاهدین قابل تصور است.

۴ - سخن پایانی ما خطاب به غربیهاست. مجامع رسمی و غیررسمی کشورهای آمریکایی و اروپایی و نیز مطبوعات و رسانه‌های گروهی این کشورها، حتماً گزارش گالیندوپل را خوانده‌اند و می‌دانند که در آن گزارش، سازمان مجاهدین رسماً به عنوان یک گروه تروریستی معرفی و اقدامات آن محکوم شده است. سؤال ما این است که چرا علی‌رغم آن گزارش، هنوز در این کشورها، برای یک گروه تروریست ایرانی امکانات وسیع تبلیغاتی و سیاسی وجود دارد و بعضاً مورد حمایت مجامع رسمی این کشورها هم واقع می‌شوند؟ آیا این اعمال به معنای حمایت از تروریسم نمی‌تواند باشد؟ به نظر می‌رسد که مقامات کشورهای غربی باید در دفاع از این گروه تروریستی تجدید نظر کنند. بعید نیست دامنه اختلافات داخلی سازمان که به صورت ترور و حذف فیزیکی بروز کرده در آینده وسعت یابد و تروریسم را به گونه‌ی دیگر در درون کشورهای غربی گسترش دهد لذا اگر دولتهای غربی خواستار حفظ امنیت کشورشان هستند، بهتر است از فعالیتهای تروریستی آنان جلوگیری کنند. بدین‌وسیله هم برخورد دوگانه خودشان را در مواجهه با پدیده تروریستی تصحیح می‌کنند و هم بر مواضع غیراصولی و مفروضانه امثال مجاهدین در زمینه نقض

* اطلاعیه مطبوعاتی حزب سوسیالیست ژنو:

«کاظم رجوی، شهید آزادی

کاظم رجوی، شهروند ایرانی که از بیست سال پیش در سوییس زندگی می‌کرد، در ۲۴ آوریل ۱۹۹۰، کمی قبل از ظهر، به وسیله یک [گروه] کماندو مرکب از سه آدمکش ناشناس در نزدیکی منزلش در تانی به قتل رسید. کاظم رجوی یک سوسیالیست معتقد، یک دانشگاهی بزرگ، یک مبارز حقوق بشر و سالهای مدیدی عضو حزب سوسیالیست ژنو بود.

رجوی، مرد آزادی و شجاعت تزلزل‌ناپذیر، علیه دیکتاتوری جنایتکار شاه مبارزه کرده بود. او، که سفیر دولت موقت در ژنو شد و سپس به سرعت علیه استبداد ملاحا قد علم کرد، از آن زمان به طور خستگی‌ناپذیر در داخل سازمانهای بین‌المللی به وسیله کار دانشگاهی، عمل دیپلماتیک و فعالیت سیاسی خود، از آرمان مردم مظلوم ایران دفاع نمود. حزب سوسیالیست ژنو همدردی عمیق خود را با بیوه وی، میشل رجوی، دو پسر و دخترش و با برادران و مادر آن فقید ابراز می‌دارد. کاظم رجوی در نبرد برای آزادی، شهید اعتقادات دموکراتیک خود شد. این اعتقادات، اعتقادات ما نیز هستند. سوسیالیستهای ژنو با آخرین توان خود قتل یکی از افراد خود را محکوم کرده و به سهولت هول‌انگیزی که به وسیله آن، آدمکشهای فرستاده شده از سوی یک رژیم تروریست می‌توانند در سرزمین سوییس رفت‌وآمد کنند، اعتراض می‌کند. آنان خواستار آنند که تحقیقی سریع و عمیق، ماسک از چهره مجریان بردارد و در این صورت مجازاتهایی در نظر گرفته شود».

۱۳ اردیبهشت (۳ مه)

* روزنامه سویسی تریبون دو ژنو در مقاله‌ی با عنوان «مقامهای رسمی به همه اقدامات لازم دست نزدند»، نوشت: «قتل کاظم رجوی در سه‌شنبه گذشته شاید قابل اجتناب بود. پلیس فدرال و پلیس ژنو اطلاعات مشروحی دریافت کرده بودند که از آنها استفاده نکردند. این، چکیده نظری است که چندین خبرنگار پلیس سوییس و فرانسه ابراز می‌کنند. فقط فرانسه این اطلاعات را مورد توجه قرار داد. الف. ت، اهل سوریه است. او پس از مدتی همکاری با سفارت ایران در پاریس و نشست و برخاست با رهبران افراطی، تصمیم به کناره‌گیری گرفت. الف. ت یکی از چهار پنج خبرنگار مهم دستگاههای ضدجاسوسی فرانسه بود که به ویژه در خنثی

گذرنامه‌های قاتلان احتمالی کاظم رجوی را به دست بیاورد، دیروز عکسهای یدالله صمدی، ۳۳ ساله، ایرانی و محمد سعید رضوانی، ۳۴ ساله، ایرانی را پخش کرد... پلیس به این دلیل توانست به عکسهای قاتلان دسترسی پیدا کند که از اوراق هویت آنها در هتل و در بنگاهی که اتومبیل گلف آبی را از آن کرایه کرده بودند، فتوکپی گرفته شده بود. قتل به نحوی دقیق تدارک دیده شده بود: هم چنان که از طرف خانواده مقتول فاش شد - چند تن از همسایگان بعد از فاجعه واکنش نشان دادند - رفت و آمد مشکوک اتومبیلها و اشخاصی در محله سکونت خانواده رجوی در روزهای قبل از جنایت مشاهده شده بود. پلیس تأیید کرد که کاظم رجوی، که به احتمال نزدیک به یقین تحت تعقیب بود، پس از چهار روز برای نخستین بار از خانه خارج می‌شود. پس از خرید از شهرک کوپه، در حال برگشتن، اتومبیل داتسونش توسط یک گلف آبی رنگ و یک اتومبیل دیگر به رنگ روشن، از جلو و عقب در میان گرفته می‌شود. همزمان با این عملیات گلوله‌هایی نیز شلیک می‌شود. کاظم رجوی، که به اغلب احتمال مورد اصابت قرار گرفته بود، کنترل اتومبیل را از دست می‌دهد و اتومبیل منحرف می‌شود و به دیوار یک خانه می‌خورد. از دوازده گلوله که شلیک شد، شش گلوله به مقتول - از جمله دو گلوله به سرش - اصابت کرد. به گفته شاهدان تمام این صحنه تنها چند ده ثانیه طول کشید... گلف آبی رنگ کرایه‌یی در پارکینگ سوپر مارکت جامبو پیدا شد اما اتومبیل بزرگ سفید رنگ هنوز پیدا نشده است...».

* نشریه «نیمروز» در مقاله‌یی با عنوان «چه کسانی کاظم رجوی را کشته‌اند؟» نوشت: «کاظم رجوی، برادر فرمانده کل سازمان مجاهدین خلق ایران، را مأموران چه کشوری کشته‌اند؟ جمهوری اسلامی یا عراق؟ در چندین بیانیه و اطلاعیه بی‌درپی، سازمان مجاهدین که ستاد مرکزی در بغداد است و با کمکهای مالی، نظامی عراق به فعالیتهای خود علیه جمهوری اسلامی ادامه می‌دهد تهران را مسئول قتل کاظم رجوی معرفی کرده‌اند. کاظم رجوی که عنوان "سفیر سیار" سازمان مجاهدین را یدک می‌کشید و در عین حال رئیس حسابداری سازمان نیز به شمار می‌آمد هفته گذشته طی یک عملیات بسیار حرفه‌یی در نزدیکی خانه خود واقع در ایالت "وود" سوییس، که فاصله چندان دوری با ژنو ندارد، در ماشین شخصیش به قتل رسید و سازمان مجاهدین بلافاصله جمهوری اسلامی را مسئول این قتل معرفی کرده و از هادی نجف‌آبادی، سفیر جمهوری اسلامی در امارت متحده عربی، آخوندزاده بسطی، کاردار سابق رژیم در لندن، سیروس ناصری، سفیر تهران در سازمان ملل متحد، محمد ملائک، سفیر جمهوری اسلامی در سوییس و کنسلو این کشور در ژنو به عنوان

کردن عاملان سوءقصد های خونین پاریس در سپتامبر ۸۶ شرکت داشتند. الف.ت... می‌گوید "در پاییز گذشته، دقیقاً در اواخر نوامبر و اوایل دسامبر، ما اطلاع پیدا کردیم که افراطیهای ایرانی سوءقصد های جدیدی را در فرانسه تدارک می‌بینند. اداره ضد جاسوسی [د.اس.ت.]، این اطلاعات را که از سوی چندین نفر داده شده بود، مورد توجه قرار داد. در میان این اطلاعات، به ویژه فهرستی از شخصیتها، که بیش از همه در معرض خطر بودند، و نیز بررسیهایی در مورد گروههای فرعی تروریستی و روابط بین افراطگری شیعی و افراد فعال وجود داشت. اداره ضد جاسوسی تدابیر پیشگیرانه‌یی اتخاذ کرد و به ویژه از طریق یک تبلیغ مطبوعاتی ماهرانه خبر داد که امکان مخاطرات تازه‌یی وجود دارد. [بدین ترتیب] دسامبر سیاهی پیش نیامد". الف.ت از این هم پیش‌تر می‌رود... و ادعا می‌کند که لیستی از کسانی که امکان داشت به عملیات تروریستی دست بزنند به پلیسهای فرانسه و سوییس داده شده بود. او تأکید می‌کند که "د.اس.ت. از این اطلاعات استفاده کرد. کنترلهای سختی انجام گرفت. این لیست به طور عمده لبنانیهایی را که کارگزار حکومت ایران بودند، در بر می‌گرفت".

اظهارات این کارمند سابق سفارت... به طور نسبی با اطلاعات دیگری که ما از ژنو به دست آورده‌ایم، مطابقت دارد. در واقع در این جا، به پلیس فدرال (که به مسأله تروریسم می‌پردازد) و اداره آگاهی ژنو نیز اطلاعات دقیقی رسیده است. دو خبرچین مهم، در مورد اشخاصی که ممکن بود برای پاره‌یی تسویه حسابها به ژنو بیایند، اطلاعات مشروحی ارائه کردند. البته کاظم رجوی جزء شخصیتهایی که بیش از همه مورد تهدید قرار داشتند، نبود و منابع خبری ما، که با این گونه محافل آشنایی دارند، بر این عقیده‌اند که، به احتمال نزدیک به یقین، قتل او نوعی اخطار بوده است.

با این همه باید گفت که برن از عهده پیشگیری بر نیامد و آغاز تحقیقات، ظاهراً پلیسهایی را که مأمور این پرونده‌اند، به جنب و جوش چندانی نینداخته است... دستگاه وزارت کنفدراسیون، ظاهراً اهمیت این اطلاعات را دستکم گرفته، چون خیال می‌کرده است که از چنین اعمال خشونت‌آمیزی در امان است. گویی که ایران، برن و ژنو را خواب کرده است. برای الف.ت حتمی به نظر می‌رسد که "جسد این مخالف ایرانی اولین جسد از یک لیست بلند است"...

۱۴ اردیبهشت (۴ مه)

* روزنامه لاسوییس نوشت: «پلیس استان وو، که توانسته است فتوکپی

مرد سوءظن سازمان جاسوسی بغداد بوده، زیرا که شاید، با توجه به وسعت اطلاعاتی که ممکن بود از اوضاع عراق می‌داشته، اطلاعاتی را در این رابطه در اختیار سرویسهای اطلاعاتی آمریکا و غرب قرار می‌داده است.

— سرانجام منابع نزدیک به مجاهدین و افرادی که مقتول را از نزدیک می‌شناختند گفته‌اند که او در این اواخر تبدیل به "پدربزرگ" بیشتر جدانشدگان از سازمان مجاهدین شده و به همین دلیل نیز کدورتی با برادر کوچک خود که در بغداد عملاً زندانی صدام حسین است، پیدا کرده بود.

باید توجه داشت که کاظم رجوی روابط دوستانه‌یی با تعدادی از مقامات اپوزیسیون ملی حفظ کرده و در عین حال به مخالفان جمهوری اسلامی در تهران، از جمله گروه طرفداران منتظری و حتی نهضت آزادی ایران "چشمک" می‌زد.

— سرانجام، منابع آگاه و دیپلماتیک در ژنو توجه دادند که "از مدتها قبل"

جنگ "سرد" بسیار شدیدی بین سیروس ناصری، سفیر جمهوری اسلامی در مقر اروپایی سازمان ملل متحد در ژنو و همای عراقی او در همین شهر، بارزان تکریتی، جریان می‌داشت. بارزان تکریتی برادرزاده رئیس‌جمهوری عراق است و از ژنو فعالیت‌های شبکه‌های اطلاعاتی، امنیتی در ژنو به خبرنگاران نیمرور گفتند با توجه به حرفه‌یی بودن قتل کاظم رجوی، با توجه به این که پلیس عملاً هیچ ردپایی از قاتلین او ندارد، پیدا کردن مسئولان این قتل نیز مانند سایر جنایات سیاسی که در این کشور بیطرف روی می‌دهد کار بسیار مشکلی خواهد بود. به ویژه که سوییس هم با جمهوری اسلامی و هم با عراق روابط سیاسی و بازرگانی بسیار نزدیکی دارد. باید خاطرنشان ساخت که سوییس در عین حال حافظ منافع آمریکا در جمهوری اسلامی هم هست و به همین دلیل نیز روابط "ویژه‌تری" با تهران دارد.

۱۵ اردیبهشت (۵ مه)

• در اعلامیه نشریه «آغازی نو» که با عنوان «پیرامون ترور کاظم رجوی» انتشار یافته، آمده است:

«تروریستهای وابسته به رژیم جمهوری اسلامی، کاظم رجوی را هم کشتند... شبکه تروریستی جمهوری اسلامی که در طول یازده سال گذشته هیچ‌گاه از تک و تا نیفتاده است و پس از مرگ خمینی و ترور اعضای مؤثر سازمانها و گروهها و شخصیت‌های اپوزیسیون را در دستور کار گذاشته است، این‌بار در صدد ترور کاظم رجوی برآمدند. پس از ترور نافرجام حسین عابدینی در ترکیه... معلوم بود که رژیم قصد دارد که این دفعه یکی از رهبران مجاهدین و یا اعضای سرشناس "شورای ملی

"طراحان و کارگزاران و تهیه‌کنندگان" این قتل نام برد. ولی کارشناسان مسائل تروریستی اتهامات سازمان مجاهدین خلق را رد کرده و می‌گویند هر چند امکان دارد که جمهوری اسلامی سفارش دهنده این جنایت جدید باشد، ولی شواهد به جای مانده از قاتلین کاظم رجوی می‌تواند سوءظن را متوجه کشور دیگری چون عراق نماید و در عین حال فرضیه تسویه حساب داخلی را هم نباید به طور دربست رد کرد... منابع و کارشناسان ایرانی و غربی که نیمرور با آنها تماس گرفته روی هم‌رفته به نکات زیر توجه داده‌اند:

— در حالی که نحوه کشتن کاظم رجوی بسیار حرفه‌یی بوده، پیدا شدن ماشین آدمکشان در یک پارکینگ نزدیک فرودگاه ژنو آن‌هم ساعاتی قبل از حرکت یک پرواز مستقیم به سوی تهران عملی است بسیار ناشیانه که نمی‌تواند کار افراد حرفه‌یی باشد. مگر آن‌که خواسته باشند انگشت اتهام عمداً متوجه تهران گردد.

— اگر هادی نجف‌آبادی و آخوندزاده بسطی برای تهیه مقدمات قتل کاظم رجوی آمده بودند، چرا از نامهای مستعار استفاده نکرده‌اند؟

تحقیقات نیمرور نشان می‌دهد که آخوندزاده بسطی برای شرکت در کنفرانس انکداد و هادی نجف‌آبادی در رابطه با یک مسأله دیگر به ژنو آمده بودند، از گذرنامه‌های دیپلماتیک به نامهای خود استفاده کرده و حضور آنها در ژنو مخفی نبوده است.

— شخصیت‌های اطلاعاتی ایرانی که کاظم رجوی را به خوبی "مانند کف دستشان" می‌شناسند او را شخصی بسیار فعال، ماجراجو، باهوش، وارد و مطلع و رفیق دوست معرفی می‌کنند. این افراد هم‌چنین تأیید کرده‌اند که در رژیم گذشته کاظم رجوی با ساواک همکاری نزدیکی داشته و کارشناسان این سازمان را در جریان تحولات سازمانها و کشورهای کمونیستی قرار می‌داده است. همین منابع اضافه می‌کنند که کاظم رجوی در عین حال با "جوامع اطلاعاتی آمریکایی" و به طور کلی با دولتهای گوناگون آمریکا روابط "ویژه"‌یی برقرار کرده و با استفاده از همین روابط بود که توجه دولت، سنا و کنگره آمریکا را متوجه سازمان مجاهدین کرده، آن‌چنان که از یک طرف واشینگتن عملاً به حمایت مالی و معنوی از سازمان مسعود رجوی برخاسته و از طرف دیگر ۱۷۰ تن از نمایندگان کنگره طی نامه‌یی از دبیرکل سازمان ملل خواسته بودند جمهوری اسلامی را از این سازمان اخراج و صندلی آن را به سازمان مجاهدین بدهد.

— عده‌یی از کارشناسان مسائل امنیتی حدس می‌زنند با توجه به رفت‌وآمدهای بی‌دری کاظم رجوی به بغداد و واشینگتن، با توجه به این که او "صددرصد" تحت تعقیب شبانه‌روزی سرویسهای امنیتی ایرانی و عراقی قرار می‌داشته، احتمال دارد که

حقوق بشر انگشت می گذاشت. آمریکا به طور رسمی هیچ اشاره‌ی به این سوء قصد نکرده است.»

۲۰ اردیبهشت (۱۰ مه)

* متن تهیه شده توسط جیم بیتس، نماینده دموکرات کنگره آمریکا از ایالت کالیفرنیا، که در گزارش روزانه کنگره به چاپ رسید:

«آقای رئیس، من مطمئنم بسیاری از شما با خزن و اندوه بسیار از ترور بیرحمانه یک مدافع برجسته حقوق بشر، دکتر کاظم رجوی، توسط مزدوران رژیم ایران در هفته‌های اخیر مطلع گردیده‌اید. دکتر کاظم رجوی، نماینده برجسته مقاومت ایران برای صلح و آزادی، برادر آقای مسعود رجوی رئیس شورای ملی مقاومت ایران بود که با هوشیاری تمام مقاومتی مردمی علیه دیکتاتوری آخوندی تهران را طی تقریباً یک دهه رهبری نموده است. دکتر رجوی ۱۹ سال آخر زندگیش را وقف فعالیت‌های خستگی‌ناپذیر علیه دیکتاتورهای شاه و خمینی نمود. او اغلب در کنفرانسها و محافل گوناگون بین‌المللی برای افشای نقض مستمر حقوق بشر در ایران و برای دفاع از همان حقوقی که مردم ایران برایش تحت رژیم دیکتاتوری شاه جنگیده و این همه جانها فدا کرده بودند، شرکت می‌نمود. بعد از سقوط شاه، دکتر رجوی اولین سفیر ایران در مقر سازمان ملل متحد در ژنو بود. اما کمی بعد از انتصابش به این پست، او در اعتراض به سیاستهای سرکوبگرانه و فعالیت‌های تروریستی آخوندهای حاکم بر ایران استعفا نمود. او سپس فعالیت‌هایش را علیه اعدام‌های دسته‌جمعی، دستگیری‌های بی‌رویه و شکنجه‌های قرون وسطایی، که توسط آخوندها در تهران اعمال می‌گردد، تشدید نمود. از زمان تشکیل شورای ملی مقاومت در سال ۱۹۸۱، دکتر رجوی مقاومت ایران را در بسیاری از مجامع بین‌المللی نمایندگی می‌کرده است و هر سال مسئولیت هیأت اعزامی مقاومت به مجمع عمومی ملل متحد در نیویورک و کمیسیون حقوق بشر در ژنو را به عهده داشت. تلاش‌های مستمر و مؤثر او، که باعث توجه جامعه بین‌المللی به شرایط دهشتناک در ایران گردید، به محکومیت استبداد آخوندی ایران توسط سازمان ملل و سازمانهای گوناگون حقوق بشری دیگری در ظرف چند سال گذشته منجر شد. دکتر رجوی از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۶۸ در فرانسه اقامت داشت، و بعد از آن در سوییس، جایی که به او پناهندگی سیاسی داده شد، زندگی می‌کرد. او ۶ درجه دکترا در رشته‌های حقوق، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی از دانشگاههای پاریس و ژنو، یعنی جایی که او در ۱۰ سال گذشته دارای پست استادی بود، دریافت نمود. به علت نقش فعال و مؤثر او در محکوم

مقاومت را آماج حرکات تروریستی قرار دهد. ترور یکی از چهره‌های شناخته شده این جریان، درست در گرماگرم مفاصل‌های سیاسی حکومت با امپریالیستهای آمریکایی و اروپایی و اعطای امتیازاتی به شیطان بزرگ (چون آزادی دو گروگان آمریکایی رابرت پل‌هیل و فرانک رید) محتوم بود... ترور کاظم رجوی اما دو نکته دیگر را نیز برای چندمین بار ثابت کرد: اول این که تروریسم جزء لایتجزا و تفکیک‌ناپذیر جمهوری اسلامی و در سرشت این حکومت است. شبکه مخفی ترور - به مثابه بخشی از بازوی نظامی رژیم - پیش‌برنده سیاستهای این رژیم و از جمله حذف رهبران و فعالین اصولی حکومت است. و دوم این که هرگاه عملیات تروریستی رژیم جهت ارباب و باجستانی از دولتهای امپریالیستی و حکومت‌های منطقه رو به کاهش گذارد، عملیات تروریستی علیه نیروهای اپوزیسیون ایرانی در خارج از کشور حدت و اوج می‌یابد... ما در عین آن که این جنایت وحشیانه را قویاً محکوم می‌کنیم و ضایعه مرگ کاظم رجوی را به بازماندگان او، خانواده‌اش، "سازمان مجاهدین خلق ایران" و "شورای ملی مقاومت" تسلیم می‌گوییم بر اقدامات جدی‌تر مجموعه اپوزیسیون مترقی جهت مقابله با طرحها و برنامه‌های تروریستی رژیم در خارج از کشور - به عنوان ضرورتی حیاتی - پای می‌فشاریم. این اولین جنایت رژیم در خارج از کشور نیست و آخرین آن نیز نخواهد بود، مادام که جمهوری اسلامی بر اریکه قدرت سوار است، ترور مخالفین نیز در دستور روز است.»

۱۶ اردیبهشت (۶ مه)

* روزنامه آمریکایی شیکاگو سان‌تایمز در مقاله‌ی، همراه با چاپ کاریکاتوری از رفسنجانی، نوشت: «دقیقاً در آستانه آزادی دو گروگان آمریکایی توسط تروریستهای تحت کنترل تهران، مأموران ایرانی برادر بهترین مخالف سیاسی رفسنجانی را به قتل رساندند. رفسنجانی رهبر "رفرم"ی است که گفته می‌شود در تلاش نومیدانه‌اش برای دریافت کمک‌های اقتصادی آمریکا و جهان، بر سر مسأله گروگانها نرمش نشان می‌دهد. به فاصله چند ساعت پس از ترور دکتر کاظم رجوی، برادر مسعود رجوی، رهبر مقاومت ایران، پلیس سوییس توانست قاتلان او را شناسایی (ولی نه دستگیر) کند. آنها تروریست‌هایی هستند که مرکزشان در تهران است و تحت نظارت سیاسی کامل سفیر ایران در سوییس عمل می‌کنند. این، سستی ادعای رفسنجانی را مبنی بر این که ایرانی پاکیزه و نو در حال ظاهر شدن از سایه‌های رژیم خونین خمینی است، نشان می‌دهد. دکتر رجوی، شخصیت مشهور جهانی، متخصص در حقوق بشر بود که روی سابقه وحشتناک رژیم تهران در زمینه

تروریستی و موج ادامه یابنده اعدامهای فوری و دستگیریهای بی‌رویه توسط مقامات ایران، اتخاذ نمایند».

• نامه هیأت اجرایی حزب سبزهای آلمان فدرال به دبیرکل ملل متحد:
«اخیراً مطلع شدیم که آقای کاظم رجوی، برادر رهبر مجاهدین خلق ایران آقای مسعود رجوی، از جانب تروریستهای تحت‌الحمايه رژیم ایران کشته شده است. آقای کاظم رجوی، یک شخصیت معروف بین‌المللی بود که برای رهایی کشورش فعالیت می‌کرد. قتل وی به دنبال گزارش نسبتاً نادرست فرستاده سازمان ملل، گالیندوپل، راجع به وضعیت حقوق‌بشر در ایران صورت گرفت، گزارشی که بدون شک ادامه سیاست تروریستی و غیرانسانی رژیم ملایان در داخل و خارج ایران را هموارتر کرد. به این دلیل ما معتقد به این ضرورت فوری هستیم، که سازمان ملل قدمهای مناسب برای محکومیت قاطع فعالیتهای تروریستی رژیم ملاها بردارد. گزارش گالیندوپل برای رژیم رفسنجانی این حقیقت را روشن کرد که سازمان ملل در مقابل فعالیتهای تروریستی او چشمانش را می‌بندد. ما هم چنین از شما می‌خواهیم که فرستاده دیگری از ملل متحد را برای تحقیق در مورد نقض حقوق‌بشر در ایران مشخص کنید و از آلت دست شدن ملل متحد توسط رژیم ملاها جلوگیری نمایید و پافشاری کنید تا نمایندگان مقاومت ایران فرستاده ملل متحد را، در دیدار بعدیش از ایران، همراهی کنند. ما معتقدیم که این همراهی یک تضمین مهم در قبال تلاشهای رژیم ملاها برای گمراه کردن هیأت ملل متحد می‌باشد؛ کاری که در دیدار گالیندوپل از ایران، رژیم ملایان در آن موفق شده بودند.
با احترام، یورگن مایر».

۲۱ اردیبهشت (۱۱ مه)

• روزنامه سوییسی تریبون دوزنو نوشت: «معمای کاظم رجوی، ایرانی مخالفی که در روز ۲۴ آوریل به ضرب ۱۲ گلوله به قتل رسید، دیگر وجود ندارد. رولان شاتلن، بازپرس استان، روز پنجشنبه به آسوشیتدپرس اظهار داشت که "به موجب شهادتهای ضد و نقیض دریافت شده و نحوه عمل گروه ضربت، چهار نفر یا بیشتر، که شناسایی هویتشان تقریباً قطعی است، در جنایت دست داشته‌اند". علاوه بر چهار آدمکش، پلیس ۶ نفر دیگر را نیز شناسایی کرده است که به طور غیرمستقیم در قتل شرکت داشته‌اند. همه این افراد، که اکثریت قاطعشان ایرانی هستند، سوییسی را ترک کرده و احتمالاً اوراق هویتشان را تغییر داده‌اند».

کردن دیکتاتوری مذهبی و قرون وسطایی حاکم بر ایران، مقامات رژیم از او نفرت داشته و توطئه قتلش را چیدند. مطابق گزارشها، او در موارد متعددی توسط تروریست - دیپلماتهای رژیم خمینی و نماینده‌های شخصی رفسنجانی، رئیس جمهوری ایران، در اروپا مورد تهدید قرار گرفته بود. با این وجود او مستمراً و به طور قهرمانانه در برابر عوامل خمینی در ارگانهای مختلف سازمان ملل ایستاد و درگیر در یک مبارزه تمام‌عیار برای حقوق‌بشر و برای کمک به ایجاد حکومتی دموکراتیک توسط شورای ملی مقاومت ایران گردید. از آن جایی که هرزگیهای لفظی رژیم نسبت به دکتر رجوی در متوقف کردن فعالیتهای شدید و از سر ایمان او علیه نقضهای مستمر [حقوق‌بشر] در رژیم آخوندها در ایران با شکست روبه‌رو گردید، رفسنجانی به عمال خود در ژنو دستور داد که خون او را به زمین بریزند؛ و بر اساس گزارشها در ۲۴ آوریل دکتر رجوی، با شلیک ۱۲ گلوله از یک مسلسل توسط ۲ مرد مسلح، به قتل رسید. ترور دکتر رجوی توسط عمال تهران یک بار دیگر به دنیا ثابت می‌کند که طی ۱۰ سال گذشته، حتی بعد از مرگ شادی‌آور خمینی، امور در ایران تغییر نکرده‌اند، یعنی این که تروریسم و سرکوب، به عنوان سنگبنای این رژیم رو به زوال همچنان ادامه دارد. گزارش سالانه اخیر وزارت خارجه، "الگوهای تروریسم جهانی"، روشن می‌سازد که "وقایع سال ۱۹۸۹ نشان می‌دهند که تهران به در نظر گرفتن استفاده گزینشی از تروریسم، به عنوان وسیله‌ی مشروع برای دست یافتن به [اهداف] سیاست خارجی، ادامه داده است". این گزارش ایران را فعالترین کشور حامی تروریسم در سال گذشته می‌نامد که از ۲۸ تهاجم، از جمله ترور "حداقل ۵ مخالف سیاسی ایران"، حمایت نموده است. همان طور که واشینگتن‌پست در تاریخ ۲۷ آوریل ۱۹۹۰ نوشت، به حساب آوردن رفسنجانی به عنوان فردی متفاوت از باند تروریستی ایران "افسانه‌ی مضحک" می‌باشد. ما یک سمبل واقعی خدمت به آرمان والای حقوق‌بشر، تبلور اراده مردم برای صلح و آزادی را از دست داده‌ایم. ما افتخار داریم به دکتر رجوی، برای این که به حیات مبارزاتیش برای حقوق‌بشر تجسمی درخشان از فدای تمام‌عیار داده است، درود بفرستیم. ما امروز برمی‌خیزیم تا تسلیتهای عمیق خود را به خانواده‌اش، به ویژه به برادرش آقای مسعود رجوی، که به عنوان رهبر مقاومت سراسری که برادرش جان خود را برای آن فدا نمود، بیش از هر کس دیگر خدمات فوق‌العاده پر بهایی را عزیز می‌دارد که دکتر کاظم رجوی به آرمان عادلانه مردم ایران نمود است، ابراز داریم. برای ادای احترام ویژه به دکتر رجوی من علاقمندم از همکارانم بخواهم که برخیزند و با یک دقیقه سکوت به من بپیوندند. من هم چنین از دولت آمریکا و دبیر کل ملل متحد مصرانه می‌خواهم که دخالت نموده و تمام اقدامات ضروری را برای متوقف نمودن عملیات ناجوانمردانه

۲۴ اردیبهشت (۱۴ مه)

* روزنامه اطلاعات در مقاله‌یی با عنوان «منافقین، از ترور تا ترور» نوشت: «در پی هلاکت کاظم رجوی در ژنو، یک گروه انشعایی از سازمان منافقین که خود را ادامه‌دهنده راه حنیف‌نژاد دانسته، طی اطلاعیه‌یی مسئولیت مجازات کاظم رجوی را به دلیل خیانت‌هایش به به اصطلاح مجاهدین و انحراف سازمان در جهت گرایش به غرب به عهده گرفته است. کاظم رجوی یکی از اعضای اتحاد ضدانقلابیون خارج از کشور بود. قتل کاظم رجوی نمی‌تواند جدای از سوابق سیاسی وی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد، زیرا او ۳۵ سال در اروپا (فرانسه و سوییس) به سر برده و با مسئولان احزاب و دولت و نیز پارلمان‌های کشورهای مختلف اروپایی و آمریکا رابطه نزدیک داشته است. کاظم رجوی در رژیم گذشته رابط نزدیک ساواک در سوییس بوده و همکاری نامبرده با ساواک موجب شد تا حکم اعدام برادرش مسعود رجوی به حالت تعلیق درآید... نامبرده پس از پیروزی انقلاب اسلامی ارتباطات مشکوکی با منابع اطلاعاتی غرب داشته است تا آن جا که اسناد جعلی ارائه شده توسط وی پیرامون وضع حقوق بشر در ایران، توسط برخی از نشریات و مطبوعات اروپا و آمریکا که ارتباطات تنگاتنگی با محافل صهیونیستی و امپریالیستی دارند، به چاپ رسید و هم چنین گزارش‌های سراسر کذب به سازمان ملل پیرامون وضع حقوق بشر در ایران که این مسأله به نوبه خود نقش حساس وی از سوی منابع اطلاعاتی غرب را در مشوه نمودن چهره بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، به خوبی به اثبات می‌رساند. آن چه مسلم است این که ترور کاظم رجوی حلقه‌یی از زنجیره‌یی است که ریشه در درگیری‌ها و تصیفه‌حساب‌های درون سازمانی منافقین دارد. طی سال گذشته چند تن از عناصر رده بالای منافقین در کشورهای ترکیه، پاکستان و عراق در راستای همین درگیری‌های درون سازمانی و جنگ قدرت هدف ترور واقع شده‌اند. این حوادث در پی انشعابات است که هرازچندگاهی در سازمان به دلیل تناقضات موجود در گفته و عمل رده‌های بالای منافق به وقوع می‌پیوندد؛ تا آن جا که برخی نظیر پرویز یعقوبی دست به انشعاب زده و عده‌یی دیگر نیز نظیر حسن مهرایی... با اعلام انشعاب خود در کردستان عراق مستقر شده‌اند. جالب توجه آن است که طرف‌های رقیب هر یک دیگری را به خیانت نسبت به آرمان‌های سازمان متهم می‌کنند.

به طور کلی دلایل اختلاف‌هایی که اخیراً تصفیه‌های خونین درون گروهی در بین منافقین را فراهم آورده است، با توجه به قرائن موجود در موارد ذیل خلاصه می‌شود:

۱ - بر ملا شدن روابط اطلاعاتی و مالی جناح مسعود رجوی و برادرش با دستگاه‌های اطلاعات شاه مخلوع (ساواک) و هم چنین سرویس‌های اطلاعاتی غرب و ابراز مخالفت برخی از عناصر رده بالای سازمان با ادامه روند غرب گرایانه سازمان که شرح این مورد پیرامون ترور کاظم رجوی و دلایل آن از نظر گذشت.

۲ - با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از سوی ایران، توطئه تبلیغاتی سازمان دایر بر این که طرفدار استقرار صلح بین دو کشور ایران و عراق است و از به کار بستن هر وسیله‌یی که در جهت تأمین این هدف مؤثر باشد مضایقه نخواهد کرد، خدشی شد. به عبارتی دیگر، اقدام جمهوری اسلامی ایران در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، اصلی‌ترین حربه تبلیغاتی منافقین را که در طول جنگ به مستمسکی برای فریب اعضا و جذب هواداران تبدیل شده بود، به عاملی برای تضعیف موقع ساختگی در تشدید اختلاف‌ها و تناقض‌های موجود درون سازمان مبدل کرد.

۳ - به بن‌بست رسیدن خط سیاسی-نظامی سازمان در اتخاذ استراتژی جاسوسی به نفع دشمن بعثی عراق در جبهه‌های جنگ تحمیلی و شکست سنکین نظامی سازمان در عملیات پیروزمندانه "مرصاد" که منجر به هلاکت عناصر کارآزموده و فعال منافق شد و این مسأله در مجموع به عاملی برای تشدید اختلاف‌های درونی میان عناصر رده بالای سازمان تبدیل گردید و در این راستا هر یک دیگری را عامل این شکست فاحش قلمداد می‌کنند.

۴ - آگاهی روزافزون رده‌های پایین و هواداران سازمان از اقدام‌های متناقض و انحراف‌های عمیق رهبری و فساد رو به تزاید اخلاقی، سیاسی و مالی عناصر تعیین کننده سازمان.

۵ - به دنبال سفر آقای "گالیندوپل" نماینده سازمان ملل در امور حقوق بشر، به ایران و انتشار گزارش ایشان که در بخشی از این گزارش ضمن تکذیب ادعاهای واهی نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی که از سوی این گروهک مطرح می‌شد، به اقدام‌های تروریستی و اعمال خشونت سازمان یافته منافقین علیه شهروندان بی‌دفاع اشاره شده است. جو مظلوم‌نمایی که سازمان تاکنون در پناه آن اقدام‌های غیر انسانی و اعمال تروریستی خود را توجیه می‌کرد، از بین رفت. تأثیر این گزارش تا آن جا بود که بوق‌های تبلیغاتی این سازمان در عراق بر خلاف رویه گذشته خود، سازمان ملل متحد و شخص گالیندوپل را مورد حمله قرار دادند. از سوی دیگر با انتشار گزارش مذکور، سازمان‌های حامی حقوق بشر و خصوصاً افکار عمومی جهان با خط جوسازی و شانتاژ مرکزیت سازمان به وضوح آشنا شدند و این امر به شکل تعیین‌کننده‌یی از موقع دروغین سازمان در میان هواداران و اعضای رده پایین آن کاست.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت: تصفیه حسابهای خونین و درگیریهای درونی اخیر سازمان منافقین ناشی از انشعابهای پی‌درپی در سازمان است که این امر به نوبه خود از تناقضات آشکار در گفته و عمل عناصر رده‌بالای سازمان ناشی می‌شود. سازمان در شرایط بن‌بست کنونی ضمن توسل به روشهای تروریستی که طی سالهای گذشته نیز شاهد آن بوده‌ایم، اخیراً با تشدید اعمال محدودیتها بر روی اعضا تلاش مذبوحانه‌ی را به منظور حفظ وضع موجود و جلوگیری از فروپاشی حتمی خود آغاز کرده است. سازمان منافقین با اعمال چنین روشهایی به منظور در اسارت داشتن معدود عناصر خود، ابتدایی‌ترین اصول انسانی و اخلاقی را زیر پا گذاشته و برگ دیگری بر رویه غیر انسانی خود افزوده است.

بی‌گمان در آینده تصفیه‌های خونین بیشتری را در رده‌های مختلف سازمان شاهد خواهیم بود. گو این که قتل کاظم رجوی از جمله معدود تصفیه حسابهایی است که اخبار آن به مطبوعات راه یافته است، در حالی که بازداشتگاههای منافقین در عراق شمار بالایی از مخالفان درون سازمانی را در خود جای داده و کشتارهای بی‌صدایی را در درون خود شاهد است.

* نامه عفو بین‌الملل آلمان فدرال، بخش ویلهلمز هاون، به دبیر کل ملل متحد:

«در تاریخ ۱۹۹۰/۴/۲۴ دکتر کاظم رجوی برادر رهبر مقاومت ایران مسعود رجوی، در ژنو به دست تروریستهای رژیم خمینی به قتل رسید. دکتر کاظم رجوی یک شخصیت معروف بین‌المللی بود که زندگیش را وقف حقوق بشر در ایران کرده بود. قتل دکتر رجوی، که سالیان زیادی از زندگیش را در نشستها و مجامع مختلف ارگانه‌های سازمان ملل متحد گذرانده بود، نتیجه گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد، گالیندوپل، در مورد وضع حقوق بشر در ایران می‌باشد که دست زدن به اعمال خشونت‌آمیز و جنایت بیشتر در داخل و خارج ایران را توسط ملاها، تسهیل کرده است. برای جلوگیری از دیگر اثرات سوء گزارش نامبرده و به دلیل نقش مسئولانه سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر، از شما خواهش می‌کنیم با محکوم کردن قاطعانه و فوری اعمال خشونت‌آمیز رژیم ملایان، قبل از هر چیز در قبال پناهندگان سیاسی و فعالان مقاومت ایران، اقدام کنید. با توجه به سیاست تروریستی و اعمال خشونت‌آمیز و هم چنین نقض حقوق بشر توسط ملایان، از شما خواهش می‌کنیم یک گزارشگر ویژه جدید برای بررسی کردن نقض حقوق بشر در ایران تعیین کنید.»

* هفته‌نامه لبنانی الاسبوع العربي، چاپ پاریس، در مقاله‌ی با عنوان

«تیمهای ترور ایران در اروپا» نوشت: «... کاظم رجوی نماینده مجاهدین خلق در اروپا و یک شخصیت دیپلماتیک با تجربه و دارای روابط گسترده در محافل و افکار عمومی اروپا بود. ترور دکتر کاظم رجوی نه یک تصادف بلکه نقشه‌ی بود که رژیم حاکم ایران برای خلاصی از دست یک مخالف برجسته آن را تدارک دید. فعالیتهای دکتر رجوی موجب وحشت حاکمان تهران شده بود. رجوی افسانه میانه‌روی را که ملایان خواسته‌اند با آن جامعه بین‌المللی را فریب دهند، افشا نمود. فعالیت مقاومت در خارج موجب روشن شدن واقعیتهای برای جهانیان شد و ادعاهای ایران افشا گردید... پشت این فعالیت کسی جز رئیس مقاومت در اروپا، دکتر کاظم رجوی، نبود... همین موضوع سردمداران رژیم تهران را واداشت که حضور "هسته‌های مرگ" را در پایتختهای اروپا چندین برابر کنند تا فعالیتهای و رفت و آمدهای رجوی را زیر نظر بگیرند و راه هرگونه افشاگری توسط او را ببندند. مخالفان رژیم تهران در خارج زیادند... ولی آنها به اندازه دکتر رجوی برای رژیم خطرناک نبودند، چرا که سکوت مخالفانی مانند بنی‌صدر یا بختیار در نظر رژیم جز حمایتی پنهانی از او نیست... و آخوندها از این امر به سود خود استفاده کردند و با این سکوت، ادامه نقض حقوق بشر توسط خودشان را، که در گزارشهای سازمان ملل و سازمان عفو بین‌المللی آمده، توجیه نمودند... آگاهان از جریانهای پشت پرده ترور رجوی می‌گویند که افشای گزارش مجعول فرستاده ملل متحد، رینالدو گالیندوپل، توسط رجوی سبب شد که آخوندها حکم اعدام او را اجرا کنند. گزارش مزبور مملو از دروغها و اتهامات، و در تضاد با واقعیت اوضاع ایران می‌باشد، ولی رجوی توانست حقیقت را کشف کند و از این رو خواستار لغو این گزارش گردید... رژیم ایران... دستور ترور او را صادر کرد تا گزارشهای مجعول دیگری را افشا نکند، گزارشهایی که اگر افشا شوند... پرده از خونهای بیشتری برداشته می‌شود.»

۲۵ اردیبهشت (۱۵ مه)

* متن تهیه شده توسط توماس بلایلی، نماینده جمهوریخواه کنگره آمریکا از ایالت ویرجینیا که در «گزارش روزانه» کنگره به چاپ رسید:

«آقای رئیس، با اندوه بسیار از ترور یک آموزگار بزرگ و سمبل خدمت به آرمان حقوق بشر در ایران، دکتر کاظم رجوی، مطلع شدم. دکتر رجوی برادر رهبر مقاومت علیه دیکتاتوری آخوندی در ایران، آقای مسعود رجوی بود. دکتر رجوی زندگی خود را در ۱۹ سال گذشته با ایمان کامل وقف دفاع از حقوق اساسی بشر در ایران کرد. او تلاش کرد جنایات و سیاستهای سرکوبگرانه رژیمهای گذشته را برای

۳۱ اردیبهشت (۲۱ مه)

پاسخ آقای مسعود رجوی مسئول شورای مقاومت ایران به نامه آقای یان مارتنسون جانشین دبیرکل ملل متحد در امور حقوق بشر [نامه آقای مارتنسون در قسمت پیامهای تسلیم، ۴ مه، آمده است]

آقای مارتنسون عزیز،

روز گذشته با خوشوقتی نامه مورخ ۴ مه ۱۹۹۰ شما را دریافت کردم. از تسلیتهای عمیقان به خاطر ترور برادرم دکتر کاظم رجوی، بسیار ممنونم. بدیهی است که هیچ مبارز آزادی و حقوق بشر و هیچ انسان شریفی نمی‌تواند از جنایات دیکتاتوری مذهبی و تروریستی خمینی چشم‌پوشد. در حقیقت من فکر می‌کنم که با شهادت کاظم شما نیز به عنوان جانشین دبیرکل ملل متحد در امور حقوق بشر یکی از صدیق‌ترین و برجسته‌ترین همکاران خود را در سطح بین‌المللی از دست داده‌اید. کاظم نزدیک به ۲۰ سال از زندگی خود را تماماً وقف حقوق بشر و دفاع از شکنجه‌شدگان و اعدام‌شدگان و زندانیان عقیدتی در ایران کرد.

بر اساس دلایل و شواهد و اسناد موجود، همه می‌دانند که تروریستهای رژیم خمینی در روز ۲۴ آوریل او را در ژنو، مقر اروپایی ملل متحد، به قتل رساندند. از این پیشتر، به دنبال انتشار گزارش شرم‌آور گالیندوپل، طی نامه‌یی به دبیرکل ملل متحد هشدار داده بودم که تأثیر بلافصل گزارش گالیندوپل (آن هم تحت نام ملل متحد) همانا تشویق و جری‌تر کردن بقایای رژیم خمینی در توسعه و صدور تروریسم است، کما این‌که در ۱۴ مارس ۱۹۹۰ شاهد ترور یکی دیگر از فعالان مقاومت ایران در ترکیه توسط تروریستهای رژیم خمینی بودیم. تصادفی نبود که ملایان و مسئولان اعدام و شکنجه در ایران از یکسو برای گزارش گالیندوپل جشن گرفته و آن را رسماً در اظهارات و مطبوعاتشان به یکدیگر تبریک می‌گفتند و از سوی دیگر عملیات تروریستی جدیدی را علیه ما تدارک می‌دیدند. از آغاز روشن بود که تاوان گزارش گالیندوپل را که تحت نام ملل متحد بیرون آمده بود، مردم و مقاومت ایران می‌باید با خون و شکنجه بسا بیشتر بپردازند و شما بهتر از من می‌دانید که گالیندوپل یک فرد نیست، والا نیازی نبود که آقای دبیرکل بر «درستکاری» او تأکید ورزد. کاش شما و دبیرکل از نزدیک قیمت این کلمه را، که از گوشت و پوست و خون انسانهای بیگناه پرداخته می‌شود، به چشم می‌دیدید. در عین حال برای مردم و مقاومت ایران و فرد من بسیار جای خوشوقتی است که شما خاطرنشان کرده‌اید گالیندوپل توسط کمیسیون حقوق بشر

جامعه بین‌المللی افشا کند. او ۶ درجه دکترا در رشته‌های حقوق، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی از دانشگاههای پاریس و ژنو داشت و در آن جا قریب به ده سال کرسی استادی داشت. بعد از سقوط شاه، دکتر رجوی اولین سفیر ایران در مقر سازمان ملل در اروپا بود. هر چند که اندک زمانی پس از انتصاب خود، در اعتراض به دیکتاتوری تروریستی مذهبی که در حال شکل‌گیری بود، از شغل خود استعفا داد. وقتی شورای ملی مقاومت به دست آقای مسعود رجوی تشکیل شد، دکتر رجوی شورا را در انواع محافل سیاسی و حقوق بشری نمایندگی می‌کرد و درباره وضعیت سیاسی اختناق‌زده ایران سخن می‌گفت و نقض فاحش حقوق بشر توسط روحانیان حاکم بر ایران را افشا می‌نمود. دکتر رجوی، که یک فعال سرشناس حقوق بشر در صحنه بین‌المللی بود، به کرات به مرگ تهدید شده بود، ولی به ایستادگی شجاعانه در ارگانهای متعدد سازمان ملل ادامه داد و بیش از ۹ سال از عمر خود را صرف یک مبارزه تمام عیار برای حقوق بشر و افشای سیاستهای فاجعه‌بار استبداد مذهبی ایران کرد. از طریق تلاشهای خستگی‌ناپذیر دکتر رجوی، رهبران رژیم خمینی طی ۲ سال گذشته توسط مجامع بین‌المللی، از جمله مجمع عمومی ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر، محکوم گردیدند. در ۲۴ آوریل ۱۹۹۰، این مدافع بزرگ حقوق مردم ایران در ژنو به ضرب گلوله کشته شد. اگر چه پلیس ژنو هنوز هویت کسانی را که پشت این ترور بوده‌اند مشخص نکرده است، اما جامعه بین‌المللی آن را یک قتل حرفه‌یی خوانده است. با قتل او، ما یک مبلغ برجسته حقوق بشر، مردی را که به پیروزی قریب‌الوقوع آرمانهای مردم خود برای آزادی و دموکراسی عمیقاً مؤمن بود، از دست داده‌ایم. او متواضعانه خدمات ارزنده خود را صرف مبارزه عادلانه مردم ایران برای صلح، آزادی و احترام به حقوق و حیثیت انسانی می‌نمود. ما امروز افتخار داریم که به دکتر رجوی به خاطر وقف زندگی خادمانه خود و تعهد عمیق وی نسبت به حقوق مردمش، درود بفرستیم. در حالی که برای گرامیداشت ویژه این رهبر برجسته حقوق بشری و آزادی مردم ایران به پا می‌خیزیم، تسلیتهای عمیق خود را نثار خانواده او، به‌خصوص برادرش آقای مسعود رجوی می‌داریم. من می‌دانم که آنها با آگاهی از این که دکتر رجوی به بهترین وجه به کشور و مردم خود خدمت کرده است، آرامش خواهند گرفت. آقای رئیس، مایلم از همکاران درخواست کنم که در محکوم کردن نقض فاحش حقوق بشر در ایران و محکوم کردن اعمال تروریستی مقامات ایران، به من بپیوندند. هم چنین مایلم با استفاده از این فرصت، از همکارانم بخواهم که با یک دقیقه سکوت به من ملحق شوند».

انتخاب شده و در این چارچوب دبیرکل را نمایندگی نمی‌کند.

آقای مارتنسون عزیز،

از دو حال خارج نیست: یامردم و مقاومت ایران - مقاومت برای صلح و آزادی - می‌باید حقوق‌بشر را شعاری عاری از محتوا و تابع مصالح سیاسی متغیر روزمره تلقی کنند که ملل متحد تنها سرپوش بین‌المللی آن است، یا هم ما و هم شما می‌باید آن را اصل ثابت و لایتغیری بشناسیم که وفاداری به آن بهای خاص خود را می‌طلبد. متأسفم که تا امروز مردم ایران نظریه اول را غالب می‌دانند. البته ما آرزو داشته و داریم که ملل متحد، به عنوان نقطه امید خلق‌های محروم و تحت ستم، پاکدامنی خود را در امر حقوق‌بشر پیوسته حفظ کند. باید خاطرنشان کنم که هم‌چنان که در نامه‌های متعدد به آقای دبیرکل نوشته‌ام، انتظار ما از ملل متحد بسیار ساده و روشن است: اگر مرهمی بر زخمهای عمیقمان نمی‌گذارید لاقلاً بر آنها نیافزایید. بگذریم که خواسته دانشی ما، که من آن را باز هم از خود شما نیز تقاضا می‌کنم، یک رابطه فعال متقابل است تا شما بتوانید به عنوان بالاترین و ذیصلاح‌ترین ارگان و مقام جهانی بیطرفانه راجع به حقوق‌بشر در ایران قضاوت کنید.

از سوی شورای ملی مقاومت ایران من هم‌چنین تقاضا می‌کنم آثار وخیم گزارش گالیندوپل را، که مستقیماً نقض وحشتناک حقوق‌بشر در ایران را ترغیب و تشویق می‌کند، به هر میزان که می‌توانید خنثی نمایید. آقای گالیندوپل مشخصاً در گزارش ۲ نوامبر ۸۹ خود به مجمع عمومی تصریح کرده بود که در گزارش نهاییش «از جمله نقطه نظرات مطرح شده در نامه‌های معاون وزیر امور خارجه (رژیم خمینی) به تاریخ ۲۲ ژوئن و ۱۲ سپتامبر ۸۹» را «مورد ملاحظه» قرار خواهد داد. سپس در بند سوم مقدمه گزارش ۱۲ فوریه ۱۹۹۰ به کمیسیون حقوق‌بشر تصریح کرد که به این قول خود وفا نموده است. این اساسی‌ترین حقیقتی است که روح حاکم بر گزارش گالیندوپل را برملا می‌کند. زیرا رژیم خمینی در نامه‌های یاد شده (به اذعان خود آقای گالیندوپل) درخواست کرده بود که نمی‌باید به شکایات و شهود و اسناد مجاهدین و مقاومت ایران کمترین وقعی نهاده شود و آنها می‌باید قویاً تحت نام «تروریسم» محکوم گردند.

باعث تأسف و خجالت بسیار است که آقای گالیندوپل در چارچوب ملل متحد، دقیقاً به این اساسی‌ترین خواست منفورترین دیکتاتوری مذهبی - تروریستی تاریخ معاصر جهان تن داده است.

۳۶ پاراگراف از گزارش گالیندوپل مشخصاً به دروغهای حیرت‌آور و مشمزنکننده‌ی علیه مجاهدین و مقاومت ایران اختصاص یافته است. در نتیجه‌گیری گزارش او باز هم این مجاهدین هستند که تحت عنوان تروریسم محکوم و قربانی

شده‌اند. ۵۵ درصد سطور این نتیجه‌گیری و ۶۴ درصد پاراگرافهای آن آشکارا به سود رژیم خمینی و جنایات آن و ۲۷ درصد پاراگرافها نیز مطالب و نصایح کلی است. در یک نگاه سطحی به گزارش گالیندوپل به وضوح روشن می‌شود که چگونه رژیم خمینی وی را با شهود ساختگی (از ایادی خود رژیم) یا سازمانهای خلق‌الساعه (از قبیل به اصطلاح "انجمن دفاع از قربانیان تروریسم") علیه مجاهدین و مقاومت ایران به بازی گرفته است. شاید باور نکنید، اما در یک کلام گویا گالیندوپل برای رسیدگی به نقض حقوق‌بشر در ایران توسط مجاهدین به آن‌جا سفر کرده بود. فقط یک مشکل کوچک باقی می‌ماند و آن هم این که حاکمیت و حکومت و زندانها و شکنجه‌گاهها و جوخه‌های اعدام در ایران اسیر در دست ملایان است (و نه مجاهدین)!

بنابراین اجازه بدهید در برابر اتهامات و دروغها و جعلیاتی که در گزارش گالیندوپل به مجاهدین و مقاومت ایران نسبت داده شده است، ما نیز بر اساس اعلامیه جهانی حقوق‌بشر از حق دفاع از خود در ملل متحد استفاده نماییم. این کمترین خواست ما است که امیدواریم برحسب عرف شناخته‌شده حقوقی و سیاسی مورد قبول واقع شود. به عبارت دیگر من متعاقباً پاسخ مبسوطی برایتان در مورد اتهامات مندرج در گزارش گالیندوپل ارسال خواهم نمود و خواهشمندم آن را در چارچوب اسناد ملل متحد توزیع نموده و به داوری بگذارید.

چون در نامه‌تان آمده بود که مأموریت آقای گالیندوپل توسط کمیسیون حقوق‌بشر به مدت یک سال تمدید شده است، بگذارید از سوی شورای ملی مقاومت ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران - که اکثریت قریب به اتفاق ۹۰ هزار شهید صلح و آزادی در ایران را نثار کرده است - تصریح کنم که صلاحیت و اعتبار گالیندوپل برای مأموریت دیگری در ایران به هیچ‌وجه مورد قبول مردم و مقاومت ایران نیست. به این ترتیب از آن‌جا که ماحصل مأموریت وی اساساً در خدمت نقض‌کنندگان حقوق‌بشر در ایران و بر علیه اهداف اعلام شده ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق‌بشر بوده و می‌باشد، و از آن‌جا که، بنا بر تجربه، راه ترورهای دیگری از قبیل ترور دکتر کاظم رجوی و حسین عابدینی را هموار می‌کند، مردم و مقاومت ایران ادامه مأموریت را جز به حساب ترغیب و تشویق هر چه بیشتر جلادان و شکنجه‌گران و مسئولان و مجریان اعدامها نخواهند گذاشت و فکر می‌کنم شما به عنوان بالاترین مقام و مرجع جهانی حقوق‌بشر تأیید می‌کنید که در این صورت مقاومت ایران به نحوی اجتناب‌ناپذیر مجبور خواهد بود بی‌اعتباری مأموریت بعدی گالیندوپل را پیشاپیش به تمام جهان اعلام کند.

شخصاً ترجیح می‌دهم چون چنین مأموریتی در هر حال تحت نام ملل متحد

صورت می‌گیرد، ما هیچ‌گاه با چنین اجباری مواجه نشویم.

در همین رابطه از یاد نمی‌برم که برادر شهیدم کاظم، که به اصول ملل متحد عمیقاً معتقد بود، در آخرین دیدارمان به من دلداری می‌داد که شاید آقای گالیندوپل بیشتر از این به رنج و خون مردم و مقاومت ایران راضی نشده و شخصاً استعفا دهد.

اکنون که برادرم کاظم، به ازای ۲۰ سال مقاومت برای حقوق‌بشر و مشخصاً به ازای افشای گزارش آقای گالیندوپل، توسط تروریستهای رژیم خمینی در خون غلتیده است، مردم و مقاومت ایران دقیقاً نظاره می‌کنند تا ببینند ملل متحد و کمیسیون حقوق‌بشر در حفظ و اجرای اصول ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق‌بشر چه خواهند کرد.

در پایان برادرم، دکتر صالح رجوی، را به عنوان نماینده ویژه خود برای ارائه اسناد و ادای هرگونه توضیح ضروری پیرامون مسائل حقوق‌بشر در ایران و مفاد نامه حاضر به شما معرفی نموده و امیدوارم او در فرصت مناسب بتواند با شما چه در نیویورک یا در ژنو دیداری داشته باشد.

هم‌چنین مایلم توجه شما را به آخرین اقدامات ملایان قرون وسطایی حاکم بر ایران علیه حقوق‌بشر در اطلاعیه‌هایی که ضمیمه است جلب نمایم.

با احترام و بهترین آرزوها - ارداتمند

مسعود رجوی

۲۱ مه ۱۹۹۰ - ۳۱ اردیبهشت ۶۹

* مقاله جک‌اندرسون و دیلونا تا در روزنامه واشینگتن پست: «ایران از آزادسازی بزرگوارانه یک گروگان آمریکایی استفاده کرد تا توجهات را از عمل دهشتناک دیگری منحرف کند، ترور یکی از مخالفان بلندپایه دولت ایران که در تبعید در سوییس زندگی می‌کرد، بار دیگر این واقعه را ثابت می‌کند که هیچ حرکتی در رابطه با گروگانها بدون رخدادهای خونی انجام نمی‌گیرد، در حالی که رفسنجانی در واشینگتن و سایر جاها به خاطر نفوذ "مدره‌ساز" خود در تضمین آزادی رابرت پل‌هیل مورد ستایش قرار گرفت، همزمان ایادی وی دست‌اندرکار گلوله‌باران یک دیپلمات محترم در سوییس بودند. پل‌هیل روز ۲۲ آوریل آزاد شد. بوش در یک بیانیه کتبی از ایران و سوریه به خاطر کمک به این آزادی تشکر کرد. دو روز بعد، منتقد عالیرتبه رفسنجانی در زمینه حقوق‌بشر در اروپا، تبعیدی ایرانی کاظم رجوی، در اتومبیل خود در نزدیکی منزلش... در حالی که ماشین دیگری راه را بر او مسدود کرد، توسط دو آدمکش با یک مسلسل سبک از فاصله نزدیک به ضرب

گلوله از پا در آمد. این ترور شرم‌آور به ندرت در اروپا و آمریکا مورد توجه قرار گرفت. این خبر از صدر اخبار روز به واسطه آزادی پل‌هیل و وعده آزادی یک گروگان دوم بیرون افتاده بود و این بنابر گفته منابع اطلاعاتی دقیقاً همان چیزی بود که رژیم رفسنجانی می‌خواست. اصلاً اتفاقی نبود که کاظم رجوی، برادر مسعود رجوی، رهبر مجاهدین خلق، گروه اصلی اپوزیسیون در مقابل رژیمهای خمینی و رفسنجانی بود. کاظم رجوی به نوبه خود یکی از رهبران اپوزیسیون بود. این پروفیسور ۵۶ ساله یکی از مخالفین شاه ایران بود و در دوران حکومت شاه در پاریس و سوییس زندگی کرده بود. وقتی خمینی در سال ۱۹۷۹ شاه را سرنگون کرد، از او در کشورش استقبال شد و به عنوان اولین سفیر ایران در مقر اروپایی سازمان ملل متحد در ژنو انتخاب گردید. کمتر از یک سال بعد، او در انزجار از نقض حقوق‌بشر توسط خمینی استعفا داد و در سوییس در تبعید باقی ماند. در آن جا وی مبلغ اصلی قربانیان خمینی بود. او به طرز خستگی‌ناپذیر برای حقوق اسیران و شکنجه‌شدگان در ایران مبارزه می‌کرد و در سطح بین‌المللی درباره آلمان آنها سخنرانی می‌کرد، از جمله یک سخنرانی در سال ۱۹۸۵ در واشینگتن. رجوی حرفهای زیادی برای گفتن داشت. خمینی با خشونت بسیار مخالفت هر کسی را که به شدت وفادار به بنیادگرایی اسلامی از نوع او نبودند، با شکنجه و قتل تلافی می‌کرد. رفسنجانی این سنت را ادامه داده است، در همان حالی که موفق شده است در جامعه جهانی جامه "مدره" بر خود بپوشاند. در سال ۱۹۸۵ پس از این که ملل متحد یک گزارش به ویژه ضعیف را درباره وضعیت حقوق‌بشر در ایران منتشر کرد، رجوی گفت: "ما تاریخ حقوق‌بشر را با خون خود می‌نویسیم و حس می‌کنیم که با این گزارش سر ما کلاه گذاشته شده است." ظاهراً رجوی ایران را بیش از حد مورد انتقاد قرار داد. ۹ شاهد عینی که همه اعضای اپوزیسیون ایران می‌باشند، می‌گویند شنیده‌اند سیروس ناصری، سفیر ایران در ملل متحد، در مقابل رجوی به او گفته بود که ایران با اعزام یک گروه ترور او را "خلاص" خواهد کرد.

اول خرداد (۲۲ مه)

* قسمتی از مقاله جک‌اندرسون و دیلونا تا در روزنامه واشینگتن پست: «... ترور اخیر یکی از رهبران مخالفان دولت ایران در سوییس، با تأیید مقامات بلندپایه ایران انجام شد و از دیپلماتهای ایرانی به عنوان تروریست استفاده گردید. دولت ایران حتی برای فرار آنها یک هواپیما آماده کرد. این نتیجه‌گیری منابع اطلاعاتی اروپای غربی و آمریکا، کارشناسان تروریسم و اعضای مقاومت ایران است.

قربانی، کاظم رجوی، یک ایرانی بود که در تبعید در سوییس زندگی می‌کرد. او یک منتقد جدی خمینی و جانشین او رفسنجانی بود. منابع معتقدند که زمانبندی این حمله طوری تنظیم شده بود که بین آزادی دو گروگان آمریکایی باشد. ستایش از ایران این ترور را به صفحات عقب‌تر روزنامه‌ها برد. قاتلان، پرواز هفتگی هواپیمایی ایران از ژنو به تهران را برای فرار خود به کار گرفتند. این پرواز یک ساعت به عقب افتاد تا اطمینان حاصل شود که تمامی توطئه‌گران سوار هواپیما شده‌اند. پلیس سوییس دو ایرانی به نامهای یدالله صمدی و محمد رضوانی را به عنوان مظنون اعلام کرده است. پلیس می‌گوید که این دو مرد در یک هتل در ژنو اقامت گزیده و ماشینی را که برای کمین به کار گرفته شده بود، کرایه کرده بودند. اما منابع ما می‌گویند که پلیس لیست بلندتری از افراد مظنون به شرکت در توطئه دارد. بعضی از آنها دیپلماتهایی هستند که کار تروریست را نیز می‌کنند... مظنونین شامل افراد زیر می‌باشند: - سیروس ناصری، سفیر ایران در مقر اروپایی ملل متحد در ژنو. گزارش شده است که ناصری به رجوی گفته بود که اگر دست از انتقاد از ایران بردارد "خلاص" خواهد شد - محمد حسین ملائک، سفیر ایران در سوییس. انتصاب او در یک تلگرام کاملاً محرمانه مورد اعتراض وزارت خارجه آمریکا قرار گرفت، چرا که او در اشغال سفارت آمریکا در تهران دست داشته بود... - هادی نجف آبادی، سفیر ایران در امارات متحده عربی. او یک پادو و پیغام‌بر مورد اعتماد رفسنجانی است. نجف آبادی چهار روز قبل از ترور وارد ژنو شد و با هواپیمای مخصوص فرار، آنجا را ترک کرد. - کریم آبادی، سرکنسول ایران در ژنو. او در زندانهای ایران بازجو و شکنجه‌گر بوده و به ویژه از این که رجوی علناً شرایط نفرت‌بار زندانها را افشا می‌نمود، ناراحت بوده است. منابع ما می‌گویند که نقش کریم آبادی در این ترور، تأمین اسناد جعلی و محل امن برای قاتلان بوده است. کریم آبادی در یک مکالمه تلفنی به دست آمده، موفقیت عملیات و این که یکی از این قاتلان سالم در کنسولگری می‌باشد را به مقامهای بالادست گزارش داده است. - حسن مشهدی قهوه‌چی، نماینده ایران در کمیته خلع سلاح ملل متحد. یکی از افتخارات او در گذشته فعالیت‌های تروریستی بوده است، از جمله حمله به یک پایگاه مقاومت ایران در سال ۱۹۸۲ که منجر به مرگ زن برادر کاظم رجوی گردیده. ادعا می‌شود که قهوه‌چی شخصاً نارنجکهای موشک‌انداز را به خانه وی شلیک می‌کرده است. ایران مسئولیت این ترور را به عهده نگرفته، ولی رهبران تهران برای رجوی اصلاً اشک نریختند. روز بعد از قتل، یک نماینده مجلس در رادیو فریاد سر داد که: دست رژیم اسلامی در سرکوب این رهبران مقاومت مودی باز است. آنها را بگیرید و بکشیدشان!.

* قسمتی از مقاله ماهنامه آمریکایی «گزارش واشینگتن در امور خاورمیانه»: «هنگامی که یک هواپیمای نظامی آمریکا از دمشق با پل‌هیل، گروگان بیمار آمریکایی و فرانکرید، گروگان دیگر آمریکایی، به طرف غرب به پرواز درآمد، مطبوعات آمریکا این آزادیها را به عنوان یک پیروزی «میان‌روها» به رهبری رفسنجانی، در داخل رژیم انقلاب اسلامی تصویر کردند. اما یک بررسی از پرواز هواپیمایی به سمت شرق، به جمع‌بندی دیگری راه می‌برد. در فاصله زمانی کوتاه بین آزادی دو آمریکایی توسط آدم‌ربایان شیعه تحت‌الحمايه ایران، تروریست‌ها که متهم شده‌اند که از درون سفارت ایران در برن و کنسولگری ایران در ژنو عمل می‌کرده‌اند، دکتر کاظم رجوی، یک رهبر سرشناس اپوزیسیون ایران را ترور کردند. بلافاصله بعد از ترور، ایران‌ایر پرواز هفتگی مستقیم خود از ژنو به تهران را برای مدت یک ساعت و ۱۸ دقیقه به تعویق انداخت. بعد از این که تعدادی مسافر در انبوهی از ماشینهای دیپلماتیک ایرانی از راه رسیدند، آنها را به سرعت از تشریفات مرسوم فرودگاه عبور دادند و مستقیماً به داخل هواپیما بردند. همکاران رهبر اپوزیسیون ایرانی مقتول گفتند که آن هواپیما حامل دو مقام رسمی نیز بوده است که برای هدایت سو. قصد به سوییس اعزام شده بودند. آن دو نفر هادی نجف آبادی، سفیر ایران در امارات متحده عربی، و یک ایرانی به نام آخوندزاده، که گفته می‌شود هماهنگ‌کننده عملیات تروریستی دولت در خارج است، بودند. به اعتقاد اعضای مقاومت ایران اقدامات و فرار آنها تحت نظارت محمدحسین ملائک، سفیر ایران در سوییس، انجام شد... دکتر کاظم رجوی برادر مسعود رجوی، رهبر تبعیدی بزرگترین جنبش اپوزیسیون ایران، مجاهدین خلق، مستقر در عراق است. قتل دکتر رجوی فقط فصل خونین دیگری در تاریخچه یک رژیم بنیادگراست که ظاهراً از زمان مرگ خمینی هیچ تغییری نکرده است. این رژیم تنها توسط عناصر طرفدار اسرائیل در مطبوعات آمریکا و بنیادهای فکری (؟) واشینگتن، که هنوز به برقراری مجدد محور اسرائیل - ایران که در زمان شاه وجود داشت، امید بسته‌اند، به عنوان "میان‌رو" تصویر می‌شود...».

۴ خرداد (۲۵ مه)

* مقاله‌ای از جان هیوز، سخنگوی اسبق وزارت خارجه آمریکا، با عنوان «ترور، چهره دیگر ایران "میان‌رو" را عریان می‌سازد» از روزنامه آمریکایی کریستین ساینس مانیتور: «ایران با استفاده از "نفوذ" خود در جهت کمک برای آزادسازی دو گروگان آمریکایی، سعی در ارائه چهره‌ای نسبتاً میان‌رو به جهان نموده است، اما هیچ نشانه‌ای از میان‌روی در چهره ارائه شده از طرف دولت ایران به

۶ خرداد (۲۷ مه)

* مقاله‌یی با عنوان «آنان رجوی رابه قتل رساندند»، از آقای برتیه پره‌گو، نماینده مجلس ژنو، و همسرش که از دوستان شهید دکتر کاظم رجوی بودند، در روزنامه سوییسی لاسویسی: «آزادی، یکی از مدافعان خود و ایران یکی از وفادارترین فرزندان خود را از دست داد. ما برای یک دوست و یک برادر اشک می‌ریزیم. کاظم رجوی مُرد. او در نبردی برای مردم ایران و برای کشوری که در مرکز قلبش جا داشت، جان خود را فدا نمود. ملاقاتی بین ما نمی‌توانست صورت گیرد بی آن که ایران میهمان افتخاری آن نباشد، ایرانی که تحمل عقاید مخالف را می‌کند، ایران دموکراتیک. و روزی نبود که به ایران فکر نکند، از ایران صحبت نکند و برای ایران عمل نکند. آنان موفق به وارد آوردن این ضربه شدند که از پیش هزار بار گمان آن می‌رفت. آنان کاظم رجوی را در کشور ما به قتل رساندند. چرا او حفاظتی مؤثر نداشت؟ آیا هنوز نمی‌دانیم که رژیم‌های خون‌آشام قادر به چه کارهایی هستند؟ او پناهنده سیاسی در سوییسی بود. دو بار پناهنده شد، نخست در زمان شاه و سپس بعد از سربرافراشتن خونین مستبدی دیگر، یعنی خمینی. با این همه او - و ما نیز در کنار او - به عصر جدید آزادی که به روی ایران گشوده می‌شود، باور داشت. او همواره حاضر بود خدمات، صلاحیت و زندگی خود را در خدمت ایرانی که به آن اعتقاد داشت، بگذارد. با او و در کنار او، زنی مانند خودش و سه فرزند بودند. این زن به کاظم امکان داد تا آن چیزی باشد که بود. او طی سالها، هم چنان که در کشورش مرسوم است، مسئولیت برادر بزرگتر را بدوش کشید. او می‌بایستی برادر کوچکترش، مسعود، را از مرگی که شاه وی را بدان محکوم کرده بود، نجات بخشید. او با سرسختی بی‌مانند، با پشتکاری بی‌حد و حصر، اروپا را درنوردید، تمامی درها را کوبید و به تمامی دولتها مراجعه کرد. او مسعود را، که امروزه رهبر مجاهدین خلق است، نجات بخشید. به این ترتیب او به ایران امیدی داد که باز هم می‌تواند سرنوشت خلقی را عوض کند. در دسامبر ۱۹۷۷ کاظم نوشت: "این فرزندان شجاع خلق که به ظلم تن نمی‌دهند، هر روز با خون خود صفحه‌یی از تاریخ معاصر ایران را رقم می‌زنند. گناه آنان دوست داشتن کشورشان به شیوه‌یی غیر از آدمهایی است که در حکومت هستند". آری گناه او این بود و برای آن مُرد. مبارزه و پیگیری وی را برای آزادی ادامه می‌دهیم.

ایرانیانی که دشمن و خائن محسوبشان می‌کند، وجود ندارد. به طور مشخص نشانه‌هایی حاکی از همدستی رسمی ایران در ترور یک سختگوی برجسته ایرانی در ماه گذشته در سوییسی وجود دارد. دکتر کاظم رجوی برادر مسعود رجوی، رهبر مجاهدین خلق ایران که با رژیم فعلی ایران مخالف است، در خارج ژنو از فاصله نزدیک از ناحیه سر مورد اصابت گلوله مردان مسلحی قرار گرفت که به سرعت فرار کردند. دکتر رجوی از مدتها پیش از سرزمین مادری خود تبعید و مورد خصومت هر دو رژیم شاه و خمینی بود. او در دانشکده حقوق دانشگاه ژنو تدریس می‌کرد و قریب به ده سال در آن جا سمت استادی داشت، ولی در کارزار علیه اختناق در ایران بسیار فعال بود و مجاهدین را در مجامع بین‌المللی مختلف نمایندگی می‌کرد. هر سال او سرپرستی هیأت مجاهدین در کمیسیون حقوق بشر ملل متحد را به عهده داشت. او به طور خاص علیه گزارش یک محقق حقوق بشر ملل متحد، که در اوایل سال جاری منتشر شد، سخن می‌گفت. این گزارش ظاهراً جنایات متعدد [رژیم] ایران را تطهیر می‌کرد. احتمالاً این مخالفت بود که به قیمت جان او تمام شد. همکاران وی می‌گویند سیروس ناصری، سفیر ایران در دفتر ملل متحد در ژنو، علناً به او هشدار داده بود و او در این رابطه از پلیس سوییسی درخواست حفاظت کرده بود. ناصری، که به گفته رهبران اپوزیسیون ایران پادو رفسنجانی است، از جانب مجاهدین متهم است که ترور دکتر رجوی را طرح ریزی کرده است. محمدحسین ملانک، سفیر ایران در سوییسی، و کریم آبادی، سرکنسول ایران در ژنو، نیز مظنون به همکاری در این قتل می‌باشند. ملانک از رهبران دانشجویانی بود که در سال ۱۹۷۸ در تهران سفارت آمریکا را اشغال کردند و به بازجویی از بسیاری گروگانهای آمریکایی شهرت دارد... سایر مقامهای ایرانی دست‌اندرکار این توطئه، که توسط مجاهدین شناسایی شده‌اند، شامل حسن مهدی قهوه‌چی، صادق میبیدی و روانخواه می‌باشند. گفته می‌شود که قهوه‌چی یک افسر پلیس مخفی است که در ظاهر رژیم ایران را در کمیسیون خلع سلاح نمایندگی می‌کند. لاف‌زنیهای او در باره "دستاوردهای گذشته خود شامل شرکتش در حمله به یک پایگاه مجاهدین در سال ۱۹۸۳ می‌باشد. طی آن خانم اشرف رجوی، همسر آقای رجوی، کشته شد. میبیدی متهم است که یک افسر مخفی اطلاعاتی می‌باشد و فعالیتهای او موضوع بحث در مطبوعات سوییسی بوده است. ظاهراً روانخواه یک مأمور اطلاعاتی است که در کنسولگری ایران در ژنو کار می‌کند. گفته می‌شود او قبلاً در زندانهای تهران بازجو و شکنجه‌گر بوده است...»

۱۵ خرداد (۵ ژوئن)

* روزنامه واشینگتن تایمز در مقاله‌یی از جوزف سوبرن، نوشت: «دولت ایران، متأثر از روحیه میانه‌روی و سازش، راه آزادی دو گروگان آمریکایی در لبنان را هموار نمود. در فاصله انجام این دو عمل خیرخواهانه عجیب، مرد سومی به قتل رسید. او گروگان آمریکایی نبود. مرگ وی توجه زیادی را در این جا جلب نکرد و به هیچ عنوان در رابطه با آن چه ما مسأله گروگانها می‌نامیم، دیده نشد. فرد مقتول، کاظم رجوی، یک استاد علوم سیاسی و اجتماعی دانشگاه ژنو بود. وی، به عنوان یک ایرانی تبعیدی، خاری در پهلوی دولت (ایران) بود که بعد از مرگ خمینی درصدد است چهره‌اش را در غرب بهبود ببخشد. کاظم رجوی برادر مسعود رجوی، رهبر مجاهدین خلق بود، سازمانی که هدفش سرنگون کردن جانشینان خمینی و استقرار یک دموکراسی غیر مذهبی در ایران می‌باشد... کاظم رجوی یک گزارش سازمان ملل را، که در آن گفته شده بود دولت ایران روش خود را بهبود بخشیده و شکنجه و اعدامهای عمومی را متوقف نموده، بی‌اعتبار دانست و مدعی شد که رژیم ایران گزارشگر سازمان ملل را فریب داده است. رجوی، مردی متشخص، با ظاهری برجسته و دارای ۶ درجه دکترا، توانست مستمعین بی‌غرض، از جمله تعداد زیادی از اعضای کنگره آمریکا، را متقاعد سازد که در رژیم بعد از خمینی رفسنجانی اقدامات خشن و وحشیانه خود را متوقف نکرده بلکه تنها پنهان نموده است. سرنوشت او شاید قویترین دلیل بر صحت ادعاهایش باشد. در ماه فوریه سفیر رژیم در مقر سازمان ملل در ژنو، در مقابل چند شاهد به او اخطار کرد که نابود خواهد گردید و تنها دوهفته بعد از پاسخ رجوی به گزارش سازمان ملل این امر اتفاق افتاد. در همان روز قتل وی، پرواز هفتگی ایران‌ایر از ژنو به تهران به طور اسرارآمیزی بیش از یک ساعت تأخیر داشت... هیچ گونه امیدی برای میانه‌روی، از رژیمی که نمی‌تواند راهش را بدون پشت کردن به اصولش اصلاح نماید، نباید داشته باشیم. دولت ایران آن چنان در خون گام برداشته که راه مراجعت برایش بسته است. این رژیم بدون آن که دندانه‌های خونریزش را نشان بدهد، حتی قادر به تبسم نیست. اگر دولت ما مایل به معامله با میانه‌روهای ایرانی است، آنها را در جنبش مقاومت خواهد یافت».

۲۰ خرداد (۱۰ ژوئن)

* جک اندرسون و دیلونا تا در مقاله‌یی در روزنامه واشینگتن پست، نوشتند: «شواهد مربوط به آلوده بودن دست دیپلماتهای ایرانی به خون یک

مخالف ایرانی در سوییس و این که هاشمی رفسنجانی به طور مشخص پشت این ضربه بوده، در حال افزایش است. قربانی قتل، دکتر کاظم رجوی، یک استاد محترم حقوق سیاسی در دانشگاه ژنو بود که دور از سرزمین مادری خود - ایران - در ژنو در تبعید زندگی می‌کرد. طی چند سال گذشته او به منزله خاری در چشم خمینی و رفسنجانی بود. او از پناه امنش در سوییس به خونریزی، تروریسم و شکنجه‌یی که توسط دولت ایران اعمال شد، انتقاد می‌کرد. آن چه رجوی را بیشتر غیرقابل هضم می‌نمود، این واقعیت بود که او برادر رهبر بزرگترین گروه مقاومت اپوزیسیون ایران، مجاهدین خلق که در بغداد مستقر هستند، بود. رجوی آن چنان افشاگری می‌کرد که فرستاده ایران در مقر ژنو سازمان ملل، او را در برابر شاهدان عینی به اعزام یک گروه ضربت و "خلاص" کردن وی تهدید کرد. در روز ۲۲ آوریل، در حالی که جهان به خاطر آزادی رابرت پل‌هیل، گروگان آمریکایی، از ایران تشکر می‌نمود، قاتلان در راه بودند تا کار خود را انجام بدهند. مقامات ایرانی در حالی که از چاپ اخبار گشایش در کار گروگانها در صفحات اول روزنامه‌ها سرخوش بودند، مخفیانه به تیم ضربت علامت دادند که از دست رجوی آزاردهنده راحتشان کند... اسامی و عکسهای دو مظنون به قتل را پلیس منتشر کرد. این دو نفر در هتل لون‌شان، جایی که میهمانان ایرانی کنسولگری ایران در حین دیدار از ژنو در آن اقامت می‌کنند، مانده بودند. در گزارشهای خبری که بلافاصله بعد از تیراندازی منتشر شد، از مرگ رجوی چیزی نوشته نشده بود، بنابر این قاتلان می‌بایست به ایران خبر می‌دادند که مأموریتشان به انجام رسیده است. ما یک نسخه از متن پیاده شده مکالمه تلفنی در آن زمان را در دست داریم. در این سوی خط تلفن، در ژنو، کریم‌آبادی، سرکنسول ایران، بود و در آن سوی خط در تهران یک مأمور اطلاعاتی سپاه پاسداران انقلاب رفسنجانی. آنها در ابتدا سری حرف می‌زدند و بدون اشاره به کاظم رجوی درباره سرنوشت قاتلان صحبت می‌کردند. مأموری که در ایران بود پرسید آیا "هر دو آنها سلامت" هستند؟ سپس از دهنش می‌پرد و می‌گوید "من درباره قضیه دکتر کاظم صحبت می‌کنم". [کریم‌آبادی پاسخ می‌دهد "او دیگر مشکلی ندارد، مسأله‌اش حل شده است". مأمور در ایران هنوز با لکنت می‌گوید "این مسأله خود حاجی بوده است، می‌دانی که..."] حاجی اشاره‌یی به رفسنجانی است. سپس آن مأمور تلاش می‌کند جزئیات بیشتری به دست بیاورد. اواز [کریم‌آبادی پرسید که آیا "ماشین گلف"، "در اختیار آنها" قرار دارد؟ [کریم‌آبادی جواب مثبت داد. پلیس سوییس می‌گوید که قاتلان یک فولکس واگن گلف کرایه کرده بودند، پلیس بعداً این ماشین را، در حالی که با جلو‌بندی داغان شده رها بود، پیدا کرد. سپس آن مأموری که در تهران بود، سلام به "آقای ملائک" می‌رساند و می‌پرسد: آیا ملائک می‌تواند به یکی از

سازمان دهندگان جنایت بی سابقه‌ی را، که در خاک این کشور بی طرف و در مقر اروپایی ملل متحد صورت گرفته است، به صراحت به جهانیان معرفی کنند. آقای رجوی اضافه کرد که سهل انگاری آشکار در حفاظت از جان برادرش در سوییس، چنان چه با پنهان کردن مسئولیت رژیم خمینی در این جنایت همراه گردد، مؤید اظهارات برخی از مقامهای وزارت خارجه رژیم خمینی مبنی بر یک معامله پنهانی برای مسکوت گذاشتن ترور دکتر کاظم رجوی در قبال آزادی گروگانهای سویسی است. آقای رجوی هشدار داد که هیچ کس در سوییس نباید گمان کند که می تواند بی سروصدا بر روی خون دکتر رجوی سرپوش بگذارد و آن را در خدمت منافع سیاسی دیگری به کار گیرد.

۲۸ خرداد (۱۸ ژوئن)

* به دنبال ملاقات نمایندگی شورا در ایتالیا با مقامات مسئول سندیکای C.G.I.L. در ۲۵ خرداد، دبیرکل این سندیکا امروز نامه‌ی خطاب به دبیرکل سازمان ملل تهیه و ارسال نمود. در این نامه آمده است: «قتل دکتر کاظم رجوی که در ۲۴ آوریل گذشته به وسیله تروریستهای رژیم ایران، در ژنو صورت گرفت، به خاطر شخصیت برجسته شهید که خود را وقف مبارزه برای دفاع از حقوق بشر در ایران کرده بود، نمونه‌ی از تقابل این رژیم با جامعه بین‌المللی و نیز یک انتقام جویی از رئیس شورای ملی مقاومت ایران، مسعود رجوی، برادر مقتول بود. متأسفانه گزارش بی‌محتوا و غیر قابل اعتماد فرستاده کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، آقای گالیندوپل، به رژیم ایران این احساس را داد که می‌تواند به سیاست تروریستیش علیه مخالفان در داخل و خارج ادامه دهد. بنابراین ضرورت می‌یابد که با مداخله‌تان، به طور روشن عملیات تروریستی این رژیم را محکوم کنید و هیأت جدیدی را برای بررسی نقض حقوق بشر در ایران بدین کشور اعزام دارید. هم چنان که در ماه دسامبر گذشته خواسته بودیم، مجدداً از شما می‌خواهیم که در هیأت، مقاماتی از اپوزیسیون ایران حضور داشته باشند و ملل متحد برای یک تحقیق هر چه واقعی‌تر، شهادتهای مستند پناهندگان سیاسی در خارج از ایران را مورد بررسی قرار دهد».

* روزنامه نیویورک تایمز در سرمقاله‌اش نوشت: «خمینی یک سال پیش مرد، ولی روح تاریک او برجاست و بر جانشینان در حال نزاع او... سلطه دارد... آنها تهدید مرگ آیت‌الله علیه سلمان رشدی را مجدداً تأیید کرده‌اند... یک ماه پیش در

"بچه‌ها" که تهران برایش نگران است، کمک کند؟ محمد حسین ملائک، سفیر ایران در سوییس است. چند ساعت بعد از این تماس تلفنی، یک یا چند نفر از قاتلان و برخی از دیپلماتها، برای فرار به مقصد تهران سوار یک هواپیما شدند. این، پرواز هفتگی ایران‌ایر از ژنو بود. به گفته شاهدان عینی، این پرواز یک ساعت به تعویق افتاد و پس از سوار شدن عجولانه سه مرد، که گذرنامه‌های دیپلماتیک ایران داشتند، پرواز کرد. در لیست مسافران این پرواز اسم یکی از افراد مظنون به قتل وجود دارد. این ماجرا یک دم خروس هم دارد. مقامات سوییس به یک دیپلمات ایرانی، منوچهر طالع، که قبل از [کریم] آبادی کنسول ایران در ژنو بود، اجازه حمل سلاح در ژنو داده بودند. ما یک کپی از جوازی را داریم که حمل یک هفت‌تیر برتای ۹ میلیمتری را برای او مجاز می‌دارد. او به پلیس سوییس گفته بود که علت نیازش به این سلاح آن است که جانش در خطر است. برخی از گلوله‌های موجود در بدن رجوی از یک هفت‌تیر ۹ میلیمتری شلیک شده بود. پلیس سوییس مخفیانه تلاش داشت بفهمد آیا گلوله‌ها از سلاح طالع شلیک شده‌اند یا نه؟ ما هم چنین یک کپی از یک یادداشت کاملاً محرمانه از طالع، به تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۹۸۸، را به دست آورده‌ایم. او در گزارشهای خود به افراد مافوقش در تهران می‌نویسد که یک وکیل سویسی، که امکانات خوبی برای دسترسی به پلیس سوییس دارد، مایل است لیست اسم و آدرس ایرانیانی را که در سوییس زندگی می‌کنند، به قیمت سه‌هزار دلار بفروشد. گزارش شده است که آدرس خانه رجوی در این لیست بوده است».

۲۱ خرداد (۱۱ ژوئن)

* به گزارش خبرگزاری فرانسه، آرنولد کولر، وزیر دادگستری و پلیس سوییس، دو روز قبل در مجلس سوییس اعلام کرد که تحقیقات در مورد قتل کاظم رجوی، نتوانست شرکت داشتن هیأت دیپلماتیک ایران در این قتل را ثابت کند، بنابراین حکم دادن به اخراج دیپلماتهای ایرانی اقدامی زودرس می‌باشد. آقای مسعود رجوی، در واکنش نسبت به این اظهارات، بار دیگر به تأکید تصریح کرد که رژیم خمینی مسئول سازمان دادن و اجرای قتل برادرش، دکتر کاظم رجوی، در سوییس می‌باشد. وی افزود: مدارک و اسناد و دلایل کافی جای کمترین تردیدی را در این باره باقی نمی‌گذارد و هر تلاشی برای مخفی کردن این حقیقت واضح، تنها باعث رسوایی کسانی است که، چه در ایران و چه در سوییس، برای سرپوش گذاشتن بر این حقیقت تلاش می‌کنند. آقای رجوی گفت که حداقل انتظار مردم و مقاومت ایران از دادگستری و پلیس سوییس این است که آشکارا مسئولان و

ژنو، یک ایرانی تبعیدی، کاظم رجوی، توسط افراد مسلح به قتل رسید... محتمل‌ترین مظنون همان رژیم است که رشدی را تهدید می‌کند...».

۳۱ خرداد (۲۱ ژوئن)

* نامه آنجلو برنا سولا، معاون انترناسیونال دموکرات مسیحی به دبیرکل ملل متحد:

آقای دبیرکل محترم،

همان گونه که در جریان هستید دکتر رجوی، برادر رهبر مقاومت ایران، روز ۲۴ آوریل ۱۹۹۰ در ژنو، به دست تروریستهای رژیم خمینی به قتل رسید. دکتر کاظم رجوی یک شخصیت برجسته بین‌المللی بود که تمامی زندگی خویش را صرف مبارزه به خاطر حقوق بشر در ایران نمود. وی برآستی شهید حقوق بشر و مقاومت ایران برای صلح و دموکراسی در ایران است. بسیاری معتقدند که قتل دکتر رجوی (کسی که سالهای متمادی در ملاقاتها و جلسات ارگانهای حقوق بشری شرکت جسته بود) از نتایج گزارش گالیندوپل است. مقاومت ایران یقین دارد که نتیجه‌گیریهای گزارش یاد شده موجب افزایش قتل و جنایت از سوی ملایان در داخل ایران و خارج گردیده است. برای جلوگیری از پیامدهای دیگر این گزارش (که تروریستهای رفسنجانی را تشویق می‌کند) و با توجه به نقشی که سازمان ملل متحد در رابطه با حقوق بشر ایفا می‌کند، شما را به محکوم نمودن فوری و قاطعانه اعمال تروریستی رژیم ملایان علیه پناهندگان سیاسی و فعالان مقاومت ایران ترغیب می‌نمایم. هم چنین شایسته است که شما نماینده ویژه جدیدی را جهت بازدید از ایران برای تحقیق در زمینه نقض حقوق بشر انتخاب و معرفی کنید که توسط یک نماینده از جانب رهبر مقاومت ایران، مسعود رجوی، همراهی شود تا بدین وسیله به رژیم فرصت سوء استفاده از مقاصد خیرخواهانه ملل متحد داده نشود.

با این وضعیت، به این که کشوری با چنین رژیمی بتواند به عضویتش در سازمان ملل متحد ادامه دهد شک داریم. با تشکر از توجهاتتان، گرمترین سلامهای مرا بپذیرید.

اول تیر (۲۲ ژوئن)

* به گزارش خبرگزاری فرانسه، روز جمعه، آقای رولان شاتلن، قاضی تحقیق اظهار داشت «یک یا چند نهاد رسمی ایران در قتل آقای کاظم رجوی، نماینده

مقاومت ایران در اروپا، که در ۲۴ ماه آوریل گذشته در کوپه به وقوع پیوست، به طور مستقیم سهم بوده‌اند». وزارت دادگستری و پلیس، بلافاصله نماینده ایران در برن را احضار کرد.

قاضی تحقیق گفت که تحقیقات انجام شده معلوم داشته است که سیزده نفر «که همه دارای گذرنامه ایرانی با عنوان "مأمور خدمت" بودند، از نزدیک در این ماجرا دست داشته‌اند». او اظهار داشت که دو دیپلماتی که از طرف آقای مسعود رجوی، برادر مقتول، متهم شده بودند که بر اجرای این قتل نظارت داشته‌اند، «در واقع در دوره یاد شده در ژنو بودند» و سوییس را «همان روز قتل با پرواز مستقیم ایران‌ایر، به قصد تهران ترک کرده‌اند». آقای مسعود رجوی دو دیپلمات، آخوندزاده بسطی، کاردار سابق ایران در لندن، و محمدهادی نجف‌آبادی، سفیر ایران در ابوظبی، را به نام متهم کرده بود که برای هماهنگ کردن عملیات سوء قصد به سوییس رفته‌اند.

وزارت دادگستری و پلیس با انتشار اطلاعیه‌ی اعلام کرد که در غیاب سید محمدحسین ملائک، رئیس هیأت نمایندگی، بهمن آقارضا درمائی، دبیر سفارت ایران در برن بعد از ظهر روز جمعه به این وزارتخانه احضار شد و «نگرانی شدید سوییس» به دنبال انتشار اطلاعیه قاضی تحقیق، به اطلاع او رسید. نماینده وزارت دادگستری و پلیس به اطلاع دیپلمات ایران رساند که شورای فدرال (دولت) «اتهامات عنوان شده علیه برخی از نهادهای ایران را مورد بررسی قرار خواهد داد و تصمیمات مقتضی را اتخاذ خواهد کرد». او منتفی ندانست که «در صورتی که معلوم شود دیپلماتهای دارای استوارنامه یا کارمندان رسمی ایران در سوییس در این ماجرا دخالت داشته‌اند، نتیجه‌گیری لازم به عمل خواهد آمد».

قاضی تحقیق تصریح کرد که «تمامی عاملان [این ماجرا] اینک در سوییس و در خارج تحت پیگردند و دستور جلب آنها صادر شده است». او اضافه کرد «به درخواستهایی که از طریق انترپول - تهران برای پلیس ایران فرستاده شده، تا کنون جواب کاملی داده نشده است». قاضی تأیید کرد که یدالله صمدی و محمدسعید رضوانی، دو ایرانی که از روز ۳ مه از طرف پلیس وو به عنوان مظنون نام برده شده بودند، در قتل آقای کاظم رجوی که «به نحوی دقیق سازمان داده شده بود»، واقعاً دست داشته‌اند. او گفت در اکتبر ۱۹۸۹، در ژانویه - فوریه ۱۹۹۰ و دست آخر از ۱۰ تا ۲۴ آوریل ۱۹۹۰ «کماندو»هایی به سوییس آمدند. «در این دوره آخر عاملان [جنایت] به شناسایی قربانی خود پرداختند». با این همه هنوز نقش دقیق و درجه دخالت این سیزده نفر به دقت معلوم نشده است».

آقای شاتلن یادآوری می‌کند که تحقیقاتی که با همکاری پلیسهای کشورهای

دیگر انجام گرفته معلوم کرده است که بین ماجرای کوپه و قتل‌های دیگری که «در سال‌های اخیر در اروپا صورت گرفته است» رابطه نزدیکی وجود دارد، از جمله قتل احمد مرادی طالبی، خلبان ایرانی، در ۱۰ اوت ۱۹۸۷ در ژنو.

۲ تیر (۲۳ ژوئن)

پیام‌های تسلیت

* به گزارش خبرگزاری فرانسه آقای افشین علوی که جانشین آقای کاظم رجوی شده است، روز شنبه اظهار داشت «تحقیقات طولانی مقام‌های سویسی جای هیچ‌گونه شک‌ی در مورد هویت عاملان این قتل باقی نمی‌گذارد. بر عهده دولت سوییس است که با اخراج دیپلمات - تروریست‌های رژیم ملاحا، قاطعیت خود را نشان دهد». او اضافه کرد «این قاطعیت در قبال رژیمی که دست به چنین عمل تبهکارانه‌ی در سوییس می‌زند - کشوری که حتی نازی‌ها جرأت نکردند در آن مرتکب خلافی شوند - ضرورت دارد». او تصریح کرد که «هیچ تردیدی نیست کمترین چشم‌پوشی در قبال تروریست‌ها، آنها را گستاخ‌تر خواهد کرد و در نهایت به تکرار اعمال تروریستی در سوییس و نقاط دیگر اروپا منجر خواهد شد».

۴ اردیبهشت (۲۴ آوریل)

* نامه آقای پرویز خزائی به مسئول شورای ملی مقاومت ایران:
برادر بزرگوار مسعود رجوی، رهبر مقاومت خونین مردم ایران، شهادت برادر خوب، مهربان و فداکارمان دکتر کاظم را به شما، به خواهر گرامی مریم و به تک تک رزمندگان ارتش آزادیبخش ملی تسلیت می‌گویم. گرچه عضویت در خانواده مقاومت طی سال‌های متعددی به من آموخته است که استواری، سترگی و صبر و مقاومت شما و اعضای سازمان پرافتخار مجاهدین را سرمشق قرار دهم و به تک تک، گروه گروه و کرور کرور ستارگانی که از آسمان سرشار از نور و ستاره مقاومت ایران فرو می‌افتند به یک چشم نگاه کرده و نظاره‌گر صبوری باشم، اما در این لحظه - که ساعتی است که خبر را گرفته‌ام - اعتراف می‌کنم که نتوانسته‌ام بر احساسات خود غلبه کنم. هزار جهد بکردم که سر عشق بی‌وشم نبود بر سر آتش می‌شرم که نجوشم

* قسمتی از نامه پهلوان مسلم اسکندر فیلابی به آقای مسعود رجوی:
«برادر عزیزم آقای مسعود رجوی، خبر شهادت برادر بزرگوارمان دکتر کاظم رجوی به دست جلادان و پسماندگان جنایتکار خمینی شعله خشم را در دل تمام عاشقان آزادی، وطن پرستان ایران و به‌خصوص هواداران شورای ملی مقاومت برافروخت. پسماندگان رژیم خمینی که هنری جز خفقان و خونریزی و ترور و ایجاد وحشت ندارند، مملکت ما را به نابودی کشانده‌اند و ما متأسفیم که می‌بینیم این اعمال تروریستی در داخل کشوری چون سوییس انجام می‌شود که می‌بایست پایگاه حقوق بشری سازمان ملل متحد باشد این اعمال تروریستی نتیجه معاملات خائنانه گالیندوپل، نماینده سازمان ملل متحد، می‌باشد که پس از مراجعت از ایران به

طرفداری رژیم تروریستی خمینی و تشویق آن رژیم به اعمال ضدبشری گزارشی به سازمان ملل متحد داد که مسئولیت اینگونه کشتار متوجه شخص گالیندوپل نیز می‌باشد».

* نامه آقای کریم قصیم به مسئول شورای ملی مقاومت ایران:

مسعود عزیز، خبر کوتاه بود و جگر سوز. دکتر کاظم رجوی، نماینده شورا در سوییس و مبارز دیرینه راه آزادی و حقوق بشر برای ایران به تیر تروریسم رژیم خمینی جان باخت. دل‌مان خون و چشمان پراشک، عزممان جزم و تا آخر در راهش. جنایتکاران حاکم بر میهن اسیرمان برادری عزیز از تو و یاری ارجمند از جنبش مقاومت را ربودند. دکتر کاظم، شهید بزرگ حقوق بشر ایران شد و مردم ما شاهد جوهره جنایتبار رژیم که از قضا در بحبوحه بنداندازی و مشاطه‌گری "گزارش گالیندوپل" جَنَم واقعی خود را می‌نماید. در غم شریک، به تو و تمام اعضای خانواده عزیز رجوی صمیمانه تسلیت می‌گویم.

* نامه آقای جلال گنجهای به مسئول شورای ملی مقاومت ایران:

رهبر انقلاب و معلم ایستادگی و فدا، برادر مجاهد مسعود رجوی، شهید بزرگوار حقوق بشر، حامی و عاشق راهبر و تکیه‌گاه ما مسعود، که در روزهای رمضان (ماه مجاهدان بدر) به فروغهای جاویدان انقلاب نوین ایران پیوست، در کلمات من تجلیل نخواهد شد. شهید دکتر کاظم رجوی، بسی پیش از آن که قدیمی‌ترینهای این نسل از جمله من، با معنی و پیام مسعود آشنایی درستی یافته باشیم، عاشق تو و کوشای آن بود که شمع وجودت برای خلق و انقلابمان بماند، عشق و کوششی پیروز و برای همیشه مبارک. با خبر شهادت او احساس غریبی داریم، شهادت مردی که با وقوف همیشگی به بهای عشق، در دفاع از تو و آرمانهای عقیدتیت سر به کف به آب و آتش می‌زد. این مقام بلندی است که بی‌تردید آرزوی همه برادران بی‌شمار و شیدای تو و از جمله آرزوی من هم بوده و خواهد بود. این شهادت پرمعنی که درست مانند شهادت خواهر مجاهدت منیره، جز درهم شکستگی دشمن خفاش صفت را بیان نمی‌کند، مزید رسوایی آل ابی‌سفیان خمینی است؛ همان پلید کور طینتی که به عداوت با شهابهای پیروزی جهاد و مقاومت فروزنده‌مان تحت رهبری و فرماندهی تو، دیگر به مادون رذالت و وحشیگری درغلطیده و فرجامی جز غرقه شدن در ننگ همیشگی ندارد. به یاد تمامی زمزمه‌هایی که در باب دلبستگی به تو و خواهر مریم از شهید زنده‌یاد دکتر کاظم به گوش خود شنیده‌ام، شهادت انگیزاننده او را به الهام‌دهنده ایستادگی و ایمان زلال این نسل یعنی به مسعود و

مریم رجوی تبریک و تسلیت می‌گویم.

* قسمتی از نامه آقای فریدون گیلانی به مسئول شورای ملی مقاومت ایران:

«رهبر جنبش انقلابی مردم ایران، برادرم مسعود،

ساعتی پیش خبر شهادت هم‌رزم شیرمردم دکتر کاظم رجوی را که به دست فرسوده مزدوران تروریست رژیم خمینی صورت گرفت، شنیدم... روزی که در ژنو اعتصاب غذا داشتیم تا صدای تازیانه‌های خونین خمینی را برای آگاهی جهانیان در کوچه‌ها و خیابانهای دنیا طنین‌افکن کنیم، برادر شهیدم کاظم، که به راستی چون شیر می‌غرید و یکپارچه هیجان و التهاب بود، در فرصتی که من داشتم قصه‌های گزنده و تلخ خواهران مجاهد را از واحد مسکونی قزلحصار می‌شنیدم، لحظه‌ای که به التهاب شدید من پی برده بود، صدایم کرد و گفت: داستان حاکم نیشابور را شنیده‌ای؟ گفتم نه. گفت: چنگیزیان نیشابور را محاصره کرده بودند، اما حاکم این شهر زیر بار تسلیم نمی‌رفت. چنگیزیان پیغام فرستادند که اگر تسلیم نشوی، نیشابور را بر سرت خراب خواهیم کرد حاکم نیشابور فقط با یک بیت شعر جواب جلادان را داد:

یا بامداد بر سر گردون نهیم پا یا مردوار بر سر همت کنیم جان
این مجاهدین از آن قماشند، به جای ناراحت شدن تا می‌توانی بیشتر مایه بگذار. و سرانجام دکتر کاظم هم چونان هزاران پهلوان مجاهد خلق "مردوار" بر سر همت جان نهاد تا دریایی از مجاهدین خلق که از اقیانوس مردم سر برآورده‌اند و از حمایت امواج توفنده این وسعت بیکرانه برخوردارند، "بر سر گردون پا نهند" و آن رژیم پلید و آن نظام پوسیده اجتماعی را بر سر آخوندها و همدستان درجه اول و همنوایان دون‌پایه این اوباش، خراب کنند. رژیم درمانده و میرنده خمینی کور خوانده است اگر نداند که به جای هر پهلوان مجاهد خلق، دریایی از پهلوانان از پیش سر برآورده‌اند و جانشین هر دلاور تا زنده‌یی، امواج به خشم درآمده خلق است. به خون کاظم و به خون پاک و جوشان هزاران برادر و خواهر شهیدم که جان در راه آرمان و آزادی داده‌اند، سوگند می‌خورم که من به سهم خود با همه ارزشهایی که از آن مردم و از پیشتازان مجاهد و رهبری انقلاب نوین مردم ایران گرفته‌ام، تا آخرین قطره خونم را تقدیم راه بر حق پیشتازان مجاهد خلق نکنم، آرام نخواهم گرفت».

* نامه آقایان محمدحسین نقدی و دکتر هادی مهابادی به آقای مسعود

رجوی:

به خون خفتن هم‌زمان کاظم را به خانواده رجوی، به همسر و فرزندان او، به همه رزمندگان ارتش آزادیبخش، به خواهرمان مریم و به تو تسلیت می‌گوییم، هر چند برای تو که سنگینی دردناک شهادت دهها هزار خواهر و برادر مجاهد و مبارزات را بر دوش داری شاید غم از دست رفتن این برادر نباید و نتواند فراتر از غمها و دردهای دیگر باشد. تنها جرم کاظم آن بود که عمرش را وقف افشای جنایات شاه و شیخ نموده و سالها ندای پر خروش دادخواهی مردم ایران در مهد حقوق‌بشر بود. ظاهراً ملیجک، همزمان با خوش‌رقصی در پیشگاه شیطان که برملا کننده ذات دل‌الصف و دریوزه‌خواه اوست با بر زمین ریختن خون کاظم خواسته است وجه دیگر ماهیت ضدبشری و خمینی‌گونه‌اش یعنی جنایت‌پیشگی و تروریسم را نیز به نمایش بگذارد و برای سرخوردگی و یأس اجام و اوباش دستگاه طاعون‌زده خمینی کفن‌پاره چاره‌جویی نماید و قدرقدرتیش را نمایش دهد. اما هیئات که این کوردلان تا کجا غافل و نادانند، هیئات اگر این جنایت و به خون افتادن کاظم بتواند لحظه‌یی و ذره‌یی امید در دل‌های سیاه جلادان و شکنجه‌گران برافروزد و یا اندک خلل و تزلزلی در اراده رزمندگان راه آزادی ایران بیندازد. هر قطره از خون کاظم برخواهد جوشید و برخواهد خروشید و تا آن‌گاه که ارتش آزادی بنیان این رژیم خون‌آشام را برافکند فریادی، فریادهایی خواهد شد تا ندای تظلم‌خواهی مردم میهنمان را در اقصی نقاط عالم به گوش جهانیان برساند. مسعود عزیز، با خون هم‌زمان برادرت کاظم و خون همه شهدای راه آزادی پیمان می‌بندیم که تا آخرین قطره خونمان و تا خفقان گرفتن آخرین خرناسه‌های متعفن رژیم دجالان، همراه با تو در برافکندن دستگاه ظلمت و ننگ دم و دنبالچه‌های خمینی لحظه‌یی از حرکت و کارزار بازناستیم و باری را که تا امروز بر دوش کاظم بوده است، لحظه‌یی بر زمین نگذاریم.

* متن نامه آقای جلیل گادانی، دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران -

رهبری انقلابی، به آقای مسعود رجوی:

برادر ارجمند کاک مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت،

خبر شهادت دکتر کاظم رجوی، برادر شما و نماینده شورای ملی مقاومت و مدافع سرشناس حقوق‌بشر، موجب تألم و تأثر گردید چرا که با شهادت وی مردم ایران فرزندی فداکار و مبارزان راه آزادی و عدالت، هم‌زمان اندیشمند، پیگیر و خستگی‌ناپذیر را از دست دادند. لذا بدین وسیله مراتب همدردی عمیق خود،

اعضای دفتر سیاسی و کمیته مرکزی و همه کادرها و پیشمرگان را به شخص شما و، از طریق شما، به شورای ملی مقاومت و سازمان مجاهدین خلق ایران تقدیم می‌دارم. هر چند شهادت دکتر کاظم رجوی ضایعه‌یی است بزرگ، لیکن وقتی ابعاد عظیم رنجها و مصائبی که هم‌میهنان ما در طول یازده سال سلطه جابرانه آخوندهای سياهکار متحمل شده‌اند را در نظر آوریم و به انبوه جنایاتی که خمینی و اعوان و انصارش طی این مدت در تمامی عرصه‌های زندگی علیه خلقهایمان مرتکب شده‌اند توجه نماییم و آن‌گاه به آزادی ایران از زیر سلسله آخوندها و گسستن زنجیرهای اسارت از دست و پای هم‌میهنان دربندمان ببندیشیم، لاجرم درد از دست دادن عزیزانی چون دکتر کاظم رجوی بر قلبهایمان تخفیف می‌یابد، چرا که مبارزه علیه خیل جنایتکاران حاکم، خونبهای بس سنگین می‌طلبد و خلقهایمان با قربانی کردن دهها هزار نفر از رشیدترین فرزندان‌شان در این پیکار مقدس عملاً نشان داده‌اند که حاضر به تقبل چنین خونبهای هستند. آخوندهای جنایتکار و عمال ارتجاع با ارتکاب جنایات شنیعی از این دست برآند تا پیکارجویان راه آزادی و عدالت اجتماعی را از مبارزه مقدسی که در جهت نابودی دستگاه ظلم و بیداد خمینی‌ساخته به پیش می‌برند، باز دارند، غافل از آن‌که هر قطره خونی که از پیکر پاک این دل‌باختگان و عاشقان آزادی و رهایی بر زمین ریخته می‌شود سرانجام به صورت سیلی خروشان درخواهد آمد و بساط مرتجعین حاکم را در کام خود فروخواهد کشید. در آن روز، توده‌های حق‌شناس مردم ایران بر مزار همه شهیدانی که در آوردگاه انقلاب و ضدانقلاب و در نبرد با سلطه اهریمنی مرتجعین حاکم جان باخته‌اند، حضور پیدا خواهند کرد و یاد از خودگذشتگیها و فداکاریهایشان را پاس خواهند داشت. گرامی باد خاطره دکتر کاظم رجوی و همه شهیدان گلگون‌کفن راه آزادی. برادر شما، جلیل گادانی، دبیر کل حزب دموکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی.

* قسمتی از نامه آقای رضا اولیا به مسئول شورای ملی مقاومت ایران:

«آقای مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت ایران و فرمانده کل ارتش

آزادیبخش ملی ایران،

شهادت برادران، دکتر کاظم رجوی، به دست دژخیمان رژیم ددمنش خمینی

را به شما و به خانواده محترم رجوی و به رزمندگان ارتش آزادیبخش ملی تسلیت

می‌گویم. دکتر کاظم رجوی شخصیت شناخته شده بین‌المللی و مبارز خستگی‌ناپذیر

حقوق‌بشر، که رژیم‌های شاه و خمینی از افشاگریهای او به ستوه آمده بودند، در راه

دفاع از حقوق‌بشر در ایران جان باخت. او تمام عمرش را در این راه نهاده بود و

با تقدیم مراتب همدردیمان به مناسبت این حادثه سخت و دردناک، تقاضا داریم پیام صمیمانه و حاکی از تأثر ما را بپذیرید.

رئیس: ژاک فورستر

معاون: ژان - لوک مورر

* پیام تسلیت سندیکای ادارات عمومی دانشگاههای ژنوبه خانواده

رجوی:

ما، با ابراز تأثر و خشممان از قتل کاظم رجوی، فراموش نمی‌کنیم که او یکی از اعضای ما بود. هم‌چنین فراموش نمی‌کنیم که او تمام عمرش را، در این‌جا و ایران، وقف مبارزه برای حقوق دموکراتیک کرد. می‌خواهیم بدانید که در این لحظات سخت در کنار شما هستیم.

از طرف سندیکای ادارات عمومی - دانشگاه

داریو لوپره‌نو

۶ اردیبهشت (۲۶ آوریل)

* نامه ویویان بندال، از اعضای مجلس عوام انگلیس از حزب محافظه‌کار:

آقای هاشمی عزیز،

من دیروز از شنیدن خبر ترور دکتر کاظم رجوی در ژنو حیرت‌زده و منزجر شدم. این نشان می‌دهد که رژیم فعلی ایران برای حذف مخالفان خود به هر چیز متوسل خواهد شد. من صمیمانه امیدوارم که مقامات سوییسی عوامل این جنایت را به سرعت دستگیر، محاکمه و مجازات کنند.

خواهش می‌کنم تسلیت مرا به آقای مسعود رجوی ابراز کنید.

با احترام

* پیام تسلیت میشائیل، ب. ویزنر، مسئول روابط بین‌المللی هیأت رئیسه

حزب لیبرال آلمان فدرال، به مسئول شورای ملی مقاومت ایران:

آقای رجوی محترم،

به طوری که مطلع شدم، برادر شما در پی یک سوءقصد در ژنو جان سپرد. بدین‌وسیله مایلم صمیمانه به شما تسلیت بگویم. سوءقصد از قرار معلوم انگیزه سیاسی داشته است. کوشش در از بین بردن زندگی کسی شیوه مناسب برخورد های سیاسی نیست. برای من چنین عملی بر استیصال سیاسی دلالت دارد، زیرا به نظر می‌رسد

عاقبت جان خویش را هدیه آمالش ساخت. هم‌زمان دکتر رجوی در خارج از کشور، همان‌گونه که رزمندگان ارتش آزادی، با الهام از زندگی و مبارزات او، لحظه‌یی راهش را ترک نخواهند گفت. ما تا به آخر، تا سرنگونی این دستگاه جنایتکار به مبارزه‌مان ادامه خواهیم داد.

۵ اردیبهشت (۲۵ آوریل)

* نامه ژان‌پیر مترال دبیر بین‌المللی حزب سوسیالیست سوییسی به

خانواده کاظم رجوی:

دیروز صبح قتل کاظم ما را در بهت و غم فرو برد. یک بار دیگر یک مسأله سیاسی به عملی خشونت‌آمیز منجر گردید که باعث تأسف ماست و آن را محکوم می‌کنیم.

کاظم عضو حزب سوسیالیست بود. در ۱۹۸۵ حزب ما تصمیم گرفت که مجاهدین را به عنوان یاران خود در ایران انتخاب کند. از این رو کاظم، در مورد کلیه مسائلی که به کشورش مربوط می‌شد، برای ما مخاطب ممتازی شده بود و ملاقات‌هایمان به خوبی برگزار می‌شد.

درگذشت کاظم ضربه‌یی ناگهانی برای جنبش او و نیز حادثه دردناکی برای خانواده اوست. مایلیم بدین وسیله شما را از تسلیت صمیمانه و احساس دل‌بستگی شدید خود مطمئن سازیم. ما برای کوشش کاظم در راه دموکراسی و حقوق بشر مدیون او خواهیم ماند.

با تقدیم بهترین احساسات به خانواده گرامی رجوی

* پیام تسلیت مؤسسه دانشگاهی مطالعات توسعه (I.U.E.D):

خانم عزیز

از خبر قتل دوست و همکار سابقمان، کاظم، به من و همکارانم احساس انزجار شدیدی دست داد. شرایط درگذشت او و ناگهانی بودنش ما را عمیقاً دگرگون کرد و من میل دارم فقط این را به شما بگویم که از صمیم قلب با شما و فرزندانتان هستیم و در مصیبت بزرگتان شرکت داریم.

از سال ۱۹۷۸ به بعد، طی سالیان، این فرصت دلپذیر را داشتیم که در موارد مختلف کاظم را ببینیم و با او در این مؤسسه همکاری داشته باشیم. بدانید که من و همکارانم از این اوقات کار مشترک و ملاقات دوستانه خاطره خوشی داشته و خواهیم داشت.

دموکراتیک در تمام جهان خواستار و آرزومندم.

* پیام پائولو اونگاری، رئیس کمیسیون حقوق بشر نخست وزیری ایتالیا، به نماینده شورای ملی مقاومت:

دکتر نقدی عزیز،

همکاران اینجانب در کمیسیون، شدیداً از خبر قتل پروفیسور کاظم رجوی، نماینده شورای ملی مقاومت ایران در ژنو، که به عنوان استاد حقوق بین المللی در آن دانشگاه برای برخی از ما همکار نیز محسوب می شد، متأثر و شوکه شده اند و در این لحظه مصرانه از من خواهان اطلاعات مطمئن تری در مورد این قضیه می باشند. دولت سوییس «از این که جنگ سیاسی داخلی در کشور دیگری منشأ یک جنایت در آن کشور گردد» انزجار و تأثر خود را ابراز داشت. از شما بسیار متشکر خواهم شد اگر شما یا مقرتان در ژنو یا جمعیت حقوق بشر ایران در پاریس بتوانند هر نوع مدرک و سند روشنگری را از هر منبعی، در مورد اهانت به حق پناهندگی سیاسی و احساس مشترک جهانی در اختیار ما بگذارید. با احترام

۸ اردیبهشت (۲۸ آوریل)

* قسمتی از پیام شون گارلند، دبیرکل حزب کارگران ایرلند جنوبی: «... حزب کارگران، اعمال تروریستی رژیم در خارج از ایران به ویژه ترور کاظم رجوی را محکوم می نماید و آن ترور را از عواقب گزارش مخدوش و شرم آور گالیندویل می داند... ما همچنین بر درخواست پارلمان اروپا و مجمع پارلمانی شورای اروپا مبنی بر قطع تمامی روابط با رژیم خمینی، تحریم تسلیحاتی و نفتی این رژیم و تلاش برای اخراجش از ملل متحد و جانشینی آن توسط شورای ملی مقاومت، تأکید می کنیم».

۹ اردیبهشت (۲۹ آوریل)

* نامه آقای ماکسیم رودنسون به همسر دکتر کاظم رجوی:

خانم عزیز،

با انزجار بسیار و بهتی دردناک، از قتل شنیع همسران مطلع شدم. در مصیبت شما کاملاً شریک و میل دارم بدانید که غم من هم بسیار دردناک بود. کاظم مرد شریف و درستکاری بود که دوستیش را به نحوی دلنشین به من نشان داده بود

می خواهند در برخورد با عقاید دیگران، قدرت بحث و اقناع را به وسیله زور جایگزین کنند. من متأسفم که برادر شما قربانی چنین عمل جنون آمیزی شده است. دیدن این که وقتی کسی تنها عقیده خود را معتبر می داند، این امر تا کجا راه به خودخواهی سیاسی می برد، برایم تکان دهنده است. من امیدوارم، با وجود این که تاریخ همواره چنین نشان داده، که زور به زور متقابل و افزایش تشنجات جنگی راه نبرد، به ویژه با توجه به غم و رنجی که شما تحمل می کنید. تاریخ همچنین نشان داده است که اعتبار و شهرت درست به کسانی تعلق گرفته است که با وجود همه مقاومتها، شجاعت آن را داشته اند که با دیگران در راه مسالمت آمیز قدم گذارند، زیرا انسانها صلحدوست هستند.

با همدردی صادقانه

۷ اردیبهشت (۲۷ آوریل)

* نامه سندیکای F.E.N (فدراسیون آموزش ملی) فرانسه به سازمان مجاهدین خلق:

«وقتی انسانی انسان دیگری را می کشد، این جنایتی است که باید توسط عدالت مجازات شود. وقتی دولتی قتل انسانی را سازماندهی می نماید، که به نفع آزادی خلقی موضع گرفته و از آرمان حقوق بشر دفاع می کند، این جنایت یک دولت است. واضح به نظر می رسد که بعد از تهدیداتی که او از سفیر ایران در ژنو طی کار کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد دریافت کرده بود، قتل کاظم رجوی جنایت یک دولت است. این جنایت تنها می تواند عاملانش را مورد نفرت دیگر دولتها و افکار عمومی بین المللی قرار دهد. فدراسیون آموزش ملی که هرگونه خشونت را محکوم می کند، خواستار آن است که تحقیقی مؤثر و سریع صورت گیرد تا مسئولیتها را مشخص کند. فدراسیون آموزش ملی همبستگی خود با مردم ایران را تجدید می کند».

* پیام تسلیت سناتور ایتالیایی آنتونیو ناتالی:

مسعود رجوی، رئیس شورای ملی مقاومت ایران،

در نهایت تأثر از قتل ردیلانه برادرت کاظم، نماینده مقاومت ایران در مقر سازمان ملل در ژنو، به دست آدمکشان خمینی، تسلیت و همدردی خود با تو و مقاومت ایران را ابراز کرده و محکومیت قاطع رژیم خمینی را از جانب دولتهای

و من نیز به نوبه خود، علاقه زیادی به او داشتم، هر چند که همواره نمی‌توانستم با تمامی افکار و مواضع سیاسی او موافق باشم.

باز بگویم که فقط می‌توانم مراتب تأسفم را ابراز دارم و امیدوار باشم که با گذشت زمان از مصیبت بزرگی که بر شما وارد شده است اندک اندک تسلی یابید.

* پیام تسلیت پاسکواله ماسیم آنتونیو، رئیس «کمیته همبستگی با مردم ایران» در شهر ایتالیایی جولیاناوا به آقای مسعود رجوی:

«از دریافت خبر قتل کاظم رجوی به دست آدمکشان رژیم ایران عمیقاً متقلب شدیم. ما یک دیپلمات برجسته و، بیش از همه، یک مبارز راه آزادی را از دست دادیم. ما از خود سؤال می‌کنیم که آیا موضوع آزادی و مصونیت افراد مورد معاملات بین‌المللی قرار گرفته است؟ یعنی آزادی گروگانهای غربی به ما اجازه می‌دهد هنگامی که افراد بیگناهی نظیر کاظم رجوی به جرم آزاده بودن هدف قرار می‌گیرند، ساکت بمانیم؟ تمامی این قضایا تأییدی است بر نظر ما که رژیم ایران در کلیت آن هیچ هدفی جز تروریسم دولتی را دنبال نمی‌کند. در پایان، عمیق‌ترین تسلیتهای ما را به حضور خانواده و شورای ملی مقاومت به خاطر چنین فقدان بزرگی بپذیرید. با امید پیروزی نهایی شورای ملی مقاومت ایران».

این کمیته هم چنین با ارسال تلگرامی به دبیرکل ملل متحد، خواهان محکومیت رژیم خمینی توسط ملل متحد شد.

* پیام تسلیت سهیل خوری، معاون سردبیر مجله اردنی الرائد العربی، به آقای مسعود رجوی:

«با تنفر عمیق، خبر تکان‌دهنده رژیم جنایتکار تهران را که موجب شهادت برادر مبارزتان کاظم رجوی گردید، دریافت کردم. خون شهید رجوی و خون ۹۰ هزار شهید مقاومت ایران ضامن گشودن دروازه‌های مردم ستمدیده ایران و آزادی آنان از چنگال باند حاکم در تهران می‌باشد. به شما و همزمانتان که برای آزادی ایران و ملت عزیز آن پیش می‌تازید، تسلیت می‌گوییم».

۱۰ اردیبهشت (۳۰ آوریل)

* نامه تسلیت عده‌یی از اعضای پارلمان و شخصیت‌های سیاسی ایتالیاه آقای مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت:

«خبر تکان‌دهنده سوءقصد به برادرت کاظم رجوی (روشنفکری که از شهرت جهانی برخوردار بود و مبارز پیر و با سابقه‌یی در دفاع از حقوق بشر محسوب می‌شد) و قتل او به دست آدمکشان رژیم خمینی، ما را عمیقاً متأسف نمود. وقوع این حادثه هولناک در کشوری بسیار متمدن مانند سوییس، بار دیگر این واقعیت را به نمایش گذاشت که تا چه اندازه امید بستن برخی محافل غربی به میانه‌روی بقایای خمینی واهی و خیالی می‌باشد. بازی بر سر جان گروگانها به مثابه وسیله تجارت و معامله و، همزمان، کشتن کسانی که از دهها سال با شیوه‌های صلحجویانه در کشوری دموکراتیک برای دموکراسی و آزادی مبارزه می‌کنند، چیزی را اثبات نمی‌کند، مگر ناتوانی یک رژیم فئاتیک را در پذیرش قوانین دموکراتیک، و همچنین دورویی و نفاق دیکتاتورها را که سعی می‌کنند استراتژی و هدف خویش را که بر تروریسم و سرکوب استوار است، با مانورهای مسخره نزدیکی به دنیای متمدن ببوشانند.

رجوی عزیز،

با ابراز همدردی و همبستگی عمیق، تو را از مشارکت معنوی و حمایت سیاسیمان از مقاومتی که توسط خودت رهبری می‌شود، مطمئن می‌سازیم. در عین حال از دولتهای تمام جهان و مجامع بین‌المللی، به ویژه از دبیرکل ملل متحد، می‌خواهیم تا تصمیمات مقتضی را جهت محکوم نمودن رژیم خمینی و تضمین امنیت مقامات مقاومت ایران در خارج اتخاذ نمایند».

امضا کنندگان نامه: اِلنا مارینوچی (معاون وزیر بهداشت)، دُمینکو سوزی (معاون وزیر اقتصاد)، سرجیو جیولیاناتی (مسئول بخش بین‌المللی سندیکای CGIL)، ناتالیا جینزبورگ (نماینده مجلس و نویسنده)، رانیرو لاوال (نماینده مجلس)، فرانکو سالوی (معاون کمیسیون خارجی سنا)، پائولو کابراس (سناتور)، آنتونیو فرانکی (سناتور)، روتو اسپنا (نماینده مجلس و دبیرکل حزب دموکراسی پرولتاریا)، رومانو برتا بیانکی (نماینده مجلس)، کریستینا بویلا گوا (نماینده مجلس)، فرانکو جراردینی (شهردار شهر جولیانوآ)، تولیو مونتانا (فرماندار شهر پاویا)، فرانکو جیراردی (کارگردان)، ماریو لونتآ (نویسنده منتقد ادبی و استاد دانشگاه)، اِنیو کالابریا (نقاش)، ماریو ساباتینی (نویسنده و استاد دانشگاه).

این نامه را، همچنین، سناتور میکل آکیلی، رئیس کمیسیون خارجی سنای ایتالیا (با اندکی تغییر دادن در متن)، اِمّا اِگولی (دبیر انجمن ایتالیا-عرب) و آستین گات (دبیرکل حزب ناسیونالیست مالت) امضا کردند.

* نامه آقای یان مارتنسسون، جانشین دبیرکل ملل متحد در امور حقوق بشر به آقای مسعود رجوی:

آقای مسعود رجوی، رئیس شورای ملی مقاومت و فرمانده کل ارتش آزادیبخش ملی ایران،

از جانب دبیرکل سازمان ملل متحد، مایلم بدین وسیله شما را از دریافت نامه‌تان به تاریخ ۲۵ آوریل ۱۹۹۰ مطلع سازم. قبل از هر چیز اجازه می‌خواهم تألم شدید و ناراحتی عمیق را نسبت به ترور غمانگیز برادران دکتر کاظم رجوی ابراز کنم و تسلیت صمیمانه خود را به شما تقدیم نمایم. آرزو مندم تا به شما این اطمینان را بدهم که دبیرکل ملل متحد به‌طور مستمر و پیگیر تمامی این‌گونه اقدامات خشونت‌بار تروریستی را محکوم می‌کند.

به‌واقع جای خالی برادر شما در جامعه حقوق بشر کاملاً احساس خواهد شد، همان جامعه‌یی که دکتر کاظم رجوی آن‌چنان فعالانه در تلاشها و فعالیت‌هایش شرکت می‌جست.

در رابطه با اظهار نظرتان پیرامون گزارش آقای گالیندوپل، می‌بایست موکداً خاطرنشان کنم که آقای گالیندوپل توسط کمیسیون حقوق بشر به عنوان نماینده ویژه آن کمیسیون برای بررسی وضع حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران انتخاب شده و از این رو در منصب خود دبیرکل ملل متحد را نمایندگی نمی‌کند. کمیسیون حقوق بشر در اجلاس چهل و ششم خود در ماه‌های فوریه و مارس ۱۹۹۰ با مد نظر قرار دادن تقدیرآمیز گزارش نماینده ویژه این کمیسیون در پی سفرش به تهران، تصمیم گرفت تا مأموریت وی را به مدت یک سال دیگر تمدید کند. من یک نسخه از قطعنامه‌یی را که کمیسیون حقوق بشر در این مورد تصویب نموده است، ضمیمه کرده‌ام.

با احترامات صمیمانه

۱۱ اردیبهشت (اول مه)

* نامه آقای شیخ عزالدین حسینی به مسئول شورای ملی مقاومت ایران:

جناب آقای مسعود رجوی، مسئول اول شورای ملی مقاومت ایران،

با دروذهای انقلابی، بار دیگر دست پلیدی از آستین رژیم دیکتاتور ولایت فقیه برون جهید و جنایتی دیگر آفرید. ترور ناجوانمردانه یکی از مسئولان برجسته سازمان مجاهدین خلق ایران، برادر ارجمند شما، دکتر کاظم رجوی، موجب تأسف عمیق گردید. در شرایطی که در سراسر جهان تحولات ژرفی در جریان است و دیکتاتوران و خودکامگان از سریر قدرت به خاک مذلت می‌افتند و دنیا به سوی

دموکراسی و عدالت اجتماعی به پیش می‌رود، این ترورهای ناجوانمردانه از سوی رژیمی که در سرایش سقوط افتاده، دلیل دیگری بر استیصال و سردرگمی هر چه بیشتر این رژیم مرتجع و خونخوار است. مراتب تسلیت خود را به مناسبت این حادثه تأثرانگیز به آن جناب و سازمان مجاهدین خلق اعلام می‌دارد. روانش در ملکوت اعلا شاد باد.

۱۲ اردیبهشت (۲ مه)

* نامه سازمان رزمندگان موحد خلق ایران به آقای مسعود رجوی:

آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت،

خبر شهادت جانگداز کاظم رجوی، برادر شما و نیز نماینده شورای ملی مقاومت در سوییس، به راستی تمام نیروهای انقلابی، ترقیخواه و دموکرات و همه بشریت آزادیخواه را در غم و اندوهی بس سنگین فروبرد. بدین وسیله شهادت کاظم رجوی را به شما، اعضای شورا و کلیه رزمندگان ارتش آزادیبخش ملی صمیمانه تسلیت می‌گوییم.

بی تردید رژیم دیکتاتوری و تروریستی حاکم بر میهنمان با ارتکاب این جنایت پلید و بی‌شرمانه راه به جایی نخواهد برد، زیرا شهادت کاظم رجوی، هم‌چون زندگیش، افشای هر چه بیشتر ماهیت تروریستی رژیم را به دنبال داشته و به علاوه عزم همه انقلابیان و مجاهدان و مبارزان را به منظور برانداختن تمامیت رژیم جزم‌تر خواهد کرد.

یقیناً نام و یاد کاظم رجوی به عنوان شهید والامقام راه حقوق بشر، که هم در دوران حاکمیت دیکتاتوری سلطنتی و هم در زمان حاکمیت دیکتاتوری مذهبی خمینی و بازماندگانش شجاعانه و پیگیرانه در مجامع بین‌المللی از حقوق لگدمال شده عموم مردم ایران دفاع نمود، در تاریخ میهنمان ثبت خواهد شد.

* نامه آقای ژاک کامبولیو، نماینده پارلمان فرانسه به مسئول شورای ملی

مقاومت ایران:

«با تأثر زیاد خبر قتل ناجوانمردانه برادران، دکتر کاظم رجوی، را در سوییس توسط تروریستهای رژیم خمینی، دریافت کردم. فقدان دکتر کاظم رجوی که سالهای متمادی جنایت‌های رژیم‌های شاه و خمینی را برای تحقق آرمان والای حقوق بشر افشا می‌کرد، ضایعه‌یی برای وجدان بشری به حساب می‌آید... بدون شک تلاش و زندگی او به عنوان یک مبارز بزرگ حقوق بشر و مقاومت ایران برای صلح و

آزادی در خاطره‌ها باقی خواهد ماند. اجازه بدهید به شما، به همسر و تمام خانواده‌اش عمیق‌ترین همدردی و تسلیت خود را تقدیم نمایم...».

*** کلودشون**، رئیس هیأت نمایندگان سوسیالیست فرانسه در پارلمان اروپا و وزیر خارجه اسبق فرانسه، در نامه‌یی خطاب به دکتر صالح رجوی نوشت: «دوست عزیزم، من پس از یک غیبت نسبتاً طولانی، از آسیا برگشتم و در مطبوعات با خبر به قتل رسیدن برادر شما، کاظم رجوی، مواجه شدم. من از این جنایت نفرت‌بار شوکه و منقلب شده‌ام، من ابتدا به غم شما و غم برادران مسعود می‌اندیشم و در برابر رنجتان تعظیم می‌کنم. به شما تسلیت می‌گویم و از شما خواهش می‌کنم که مراتب تسلیت مرا به بغداد اطلاع دهید. نظاره ادامه یافتن سلسله سوءقصد‌ها و تجاوز به حقوق بشر مرا منزجر کرده و از پای درآورده است، و این همه به نام اسلام انجام شده است. محکوم کردن اخلاقی و سیاسی، کلماتی نیستند که به اندازه کافی بیانگر باشند. مردم ایران و دیگر مردمی که آنها را احاطه می‌کنند، حق دارند که در صلح و زندگی بهتر به سر ببرند. چه مسئولیت سنگینی بر دوش آنهاست که با خونریزی و آتش دست به عمل می‌زنند. کلمات برای بیان احساساتی که دلم می‌خواهد برای شما و خانواده شما و مردم شما ابراز کنم، ناتوان هستند. از شما می‌خواهم احساسات دوستی و علاقمندی مرا بپذیرید.»

*** نامه میشل ژاکه**، رئیس شورای عالی ژنو به همسر و فرزندان دکتر رجوی: مایلم به نام شورای عالی و به نام شخص خودم خالصانه‌ترین تسلیت‌هایمان را به مناسبت مصیبت جانگاهی که به شما وارد شده است، تقدیمتان دارم. پارلمان ژنو در جلسه ۲۶ آوریل خود به احترام خاطره آن فقید، یک دقیقه سکوت کرد و روز بعد قطعنامه‌یی را به تصویب رساند که متن آن ضمیمه این نامه است.

خانم و خانواده گرامی، با ابراز مجدد همدردی عمیقمان، تقاضا دارم مراتب احترامات فائق‌ام را بپذیرید.

ضمیمه نامه: متن قطعنامه (به پیشنهاد نیلس دو داردل، برتیه پره‌گو، اریکا دو برسپولی، ژان مونته‌سویی، فرانسواز سودان، ژاکاشنايدر)

قتل کاظم رجوی

شورای عالی،

— با ابراز تأثر شدید از قتل کاظم رجوی،

— با تجلیل از خاطره او و از مبارزه‌اش برای حقوق بشر در ایران،
— ضمن محکوم کردن عمل نفرت‌انگیزی که علیه زندگی یک انسان پناهنده در کشور ما انجام گرفته است، شورای دولتی را دعوت می‌کند که همبستگی و همدردی عمیق مردم و مقامات ژنو را با همسر و فرزندان کاظم رجوی ابراز دارد.

* نامه رئیس مؤسسه دانشگاهی تحقیقات عالی سوییس:

میشل عزیز،

من و دوستانم از حادثه فاجعه‌بار و غیر قابل تصویری که برای شما پیش آمده، دگرگون شده‌ایم. کاظم دوست ما بود و ما موجود عزیزی را از دست داده‌ایم. از شما و فرزندانانتان تقاضا می‌کنم مراتب تسلیت، همدردی و دوستی ما، و نیز خشممان را در قبال مسئولان این حادثه، بپذیرید.

۱۳ اردیبهشت (۵۳)

*** پیام تسلیت ایوانکا کورتی**، رئیس بخش بین‌المللی حزب سوسیال دموکرات ایتالیا، به شورای ملی مقاومت:
«تأثر عمیق و انزجار خود را علیه قتل وحشیانه دکتر کاظم رجوی که سالهایتمادی به طور پیگیر مبارزه کرد تا ایران نیز بتواند مانند قسمتهای دیگر جهان از حقوق بشر برخوردار شود، ابراز می‌داریم. ضمن گرامی داشتن مبارزه قهرمانانه سیاسی و معنوی او، همدردی خود را با شورای ملی مقاومت، به خاطر تلاشش در جهت برقراری دموکراسی در ایران، اعلام می‌کنیم.»

۱۴ اردیبهشت (۵۴)

*** پیام پروفیسور ماروین زونیس**، استاد دانشگاه شیکاگو، به مسئول شورای ملی مقاومت:

مسعود عزیز،

از شنیدن خبر کشته شدن برادرت شوکه شدم. روشن است که رژیم ملاحا از هیچ تلاشی برای حفظ قدرت کوتاهی نمی‌کند و این نشانه روشنی مبنی بر فساد کامل این رژیم است.

با عمیق‌ترین تسلیت‌ها

۱۵ اردیبهشت (۵ مه)

* نامه سناتور ایتالیایی، رینو سِری، به آقای مسعود رجوی:

«عمیق‌ترین تسلیتهایم را به خاطر مرگ برادران کاظم رجوی به خدمتتان ابراز می‌دارم. قتل کاظم رجوی، عمل بسیار وخیمی است که باید در درون همه دموکراتها، اراده و اعمال جدیدی را برای برقراری فضای جدیدی در ایران، که براساس دموکراسی و احترام به حقوق بشر تمامی شهروندان استوار باشد، برانگیزد. در این راستاست که ایتالیا، اروپا و جامعه بین‌المللی باید با مسئولیت جدیدی اقدام کنند. در کمیسیون خارجی سنای جمهوری ایتالیا، به همراه دیگر همکارانم، برای برداشتن گامهای جدیدی در این راستا پیشقدم خواهم شد.

با ابراز مجدد تسلیت و همدردیم، بهترین سلامهایم را به شما تقدیم می‌دارم.»

* پیام تسلیت گُردن بیلنی، نماینده پارلمان و وزیر علوم دفاعی استرالیا،

به مسئول شورای ملی مقارمت ایران:

«آقای رجوی عزیز،

با اندوه بسیار، ما از ترور بزدلانه و فجیع برادر شما، دکتر کاظم رجوی، در سوییس به دست تروریستهای رژیم خمینی، مطلع شدیم... جبران این صدمه تنها با حمایت از آرمانی که دکتر کاظم رجوی زندگی خود را فدای آن نمود امکانپذیر است، یعنی حمایت از مبارزه برای حقوق بشر، صلح و آزادی در ایران، که در جنبش مقاومت تحت رهبری شما متبلور است. بی‌شک، زندگی و تلاشهای او به عنوان «شهید بزرگ آرمان حقوق بشر و مقاومت ایران برای صلح و آزادی» در قلبها باقی خواهد ماند...»

* نامه سناتور پیر لونجی اونوراتو، رئیس جمعیت ایتالیایی دفاع از حقوق

خلقها، به آقای مسعود رجوی و دبیرکل ملل متحد:

«قتل کاظم رجوی، هم چنان که تمامی جوانب امر گواهی می‌دهند، سرکوب خونین یک مخالف سیاسی راه نمایش می‌گذارد، امری که از مدتها قبل رژیم ستمگر و خودکامه تهران را لکه‌دار کرده است و به همه خاطرنشان می‌سازد که مسأله دیگر یک امر داخلی ایران به شمار نمی‌رود، بلکه به تمام جامعه بین‌المللی مربوط می‌باشد که وظیفه تضمین حقوق بشر در هر کشور را به عهده دارد.»

* نامه آقایان پ. منفیس و ایون بیفنو، دوتن از نمایندگان پارلمان بلژیک،

که به‌طور جداگانه برای آقای مسعود رجوی ارسال شده است:

«...فقدان دکتر کاظم رجوی که سالهای متمادی جنایات رژیم شاه و خمینی را برای تحقق آرمان والای حقوق بشر افشا می‌نمود، ضایعه‌ی برای وجدان بشری محسوب می‌شود، اما تنها با مبارزه برای حقوق بشر و صلح و دموکراسی در ایران یعنی با حمایت از مقاومتی که تحت رهبری شما جریان دارد و دکتر کاظم رجوی زندگی خود را وقف آن کرده بود، می‌توان جبران کرد...»

۱۷ اردیبهشت (۷ مه)

* نامه آقای لوران فابیوس، رئیس مجلس ملی فرانسه، به آقای دکتر صالح

رجوی:

«پیام برای آقای دکتر رجوی.

به دنبال اعلام خبر قتل برادران، کاظم، می‌خواستم تأثرآمیزترین تسلیتهای خودم را به شما تقدیم کنم و یک بار دیگر بر تعهد بسیار محکم خود در کنار کسانی که در سرتاسر دنیا برای رعایت حقوق بشر و دموکراسی مبارزه می‌کنند، تأکید کنم.»

* نامه دکتر پاسکواله باندیرا، رئیس مجمع ایتالیایی فدارسیون بین‌المللی

حقوق بشر، به آقای مسعود رجوی، رئیس شورای ملی مقاومت ایران:

«مجمع ایتالیایی فدارسیون بین‌المللی حقوق بشر خود را در تسلیت به شما و تمامی اعضای مقاومت ایران به خاطر فقدان برادران، آقای رجوی، سخنگوی [مقاومت ایران] در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، که وحشیانه توسط مزدوران کریه به قتل رسید، شریک می‌داند و این جنایت وحشتناک را قویاً محکوم نموده و توجه تمام دنیای متمدن را نسبت به وضعیت وخیم موجود در ایران، که حکایت از نفی کامل حقوق بشر دارد، جلب می‌کند.»

* متن نامه مارسل کوست، سناتور سوسیالیست فرانسوی، به مسئول شورای

ملی مقاومت ایران:

«آقای مسعود رجوی، رئیس شورای ملی مقاومت،

با تأثر شدید خبر قتل ناجوانمردانه برادران، دکتر کاظم رجوی، را در

سوییس به دست تروریستهای رژیم خمینی، دریافت کردم. ...تنها با مبارزه برای حقوق بشر و صلح و دموکراسی در ایران، یعنی با حمایت از مقاومتی که تحت رهبری

شما جریان دارد و دکتر کاظم رجوی زندگی خود را وقف آن کرده بود، می‌توان این ضایعه را جبران کرد... اجازه بدهید که به شما و هم چنین به همسر و تمام خانواده‌اش مراتب همدردی و تسلیت خالصانه خود را تقدیم کنم».

۱۸ اردیبهشت (۸ مه)

* نامه تسلیت جان وارنر، سناتور جمهوریخواه آمریکا، به آقای مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت:

آقای رجوی عزیز،

با تأثر زیاد از ترور غم‌انگیز برادران، دکتر کاظم رجوی، در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۹۰ در ژنو با خبر شدم. همان طور که دنیا می‌داند، دکتر رجوی یک حامی حقوق بشر و دموکراسی برای ایران بود و من اطمینان دارم که دوستان و هوادارانش راهش را دنبال خواهند کرد و موجب خواهند شد که احترام به حقوق بشر در ایران به واقعیت بپیوندد. این قتل نابخردانه و بی‌معنی انگیزه توان و نیرومندی بیشتری در جنبش شما برای بازگرداندن آزادی و دموکراسی به ایران خواهد بود. من برای شما بهترین آرزوها را می‌نمایم و می‌خواهم که عمیق‌ترین تسلیت‌ها و همبستگی صمیمانه‌ام را بپذیرید.

با احترامات فائقه

* نامه مروین ام دایملی، نماینده دموکرات کنگره آمریکا، به مسئول شورای ملی مقاومت ایران:

آقای رجوی عزیز،

از خبر مرگ ناب‌هنگام برادران، دکتر کاظم رجوی، نماینده مؤثر و کاری مقاومت ایران در سویس، در اثر یک اقدامی تروریستی، اندوهگین شدم. این قتل نابخردانه در واقع نابخشودنی است، اما خود کاملاً نشان می‌دهد که تهدید از جانب شما، برادر به قتل رسیده‌تان و مجاهدین خلق در حقیقت تهدیدی واقعی می‌باشد. او، مثل شما، کمک قابل توجهی به صلح، آزادی و یگانگی و همسازی در سطح جهان و در ایران نمود. بگذار صمیمانه امیدوار باشیم که مرگ او در راهی والا و باشکوه، منبع الهام بیشتری برای مجاهدین خلق جهت تلاش مستمر تا زمان حصول پیروزی تحت رهبری شما خواهد بود.

خالصانه

* نامه تسلیت رونالد دلامز، رئیس انجمن سیاهپوستان کنگره آمریکا، به مسئول شورای ملی مقاومت:

آقای رجوی عزیز،

از خبر ترور غم‌انگیز برادران، دکتر کاظم رجوی، بسیار متأثر شدم. لطفاً عمیق‌ترین همدردی‌هایم با شما و خانواده‌تان را بپذیرید. البته، وقتی فردی که خودش را وقف آرمان حقوق بشر و مرتبت انسانی نموده است قربانی محرومیت از بالاترین حقوق بشر یعنی حق حیات می‌شود، به ویژه تأثر آور است. به خاطر عزیمت ناب‌هنگام او، دنیا جایی پست‌تر و بی‌ارزش‌تر شده است. بگذار به یاد او با استمرار مبارزه‌مان، دوشادوش مبارزه افراد با وجدان، برای حمایت و دفاع از حقوق بشر در هر گوشه جهان، لوحه یادبودی شایسته او بنا کنیم.

خالصانه

۱۹ اردیبهشت (۹ مه)

* پیام تسلیت خانم هلن دلیچ بنتلی، نماینده کنگره آمریکا از حزب جمهوریخواه به آقای مسعود رجوی:

آقای مسعود رجوی، رئیس شورای ملی مقاومت،

اطلاع یافتیم که برادر شما، سفیر سابق ایران در سویس، اخیراً در نزدیکی خانه‌اش در ژنو به قتل رسیده است. می‌خواهم همدردی عمیق خود را با شما و خانواده‌تان، در این شرایط بسیار سخت، ابراز کنم. دکتر کاظم رجوی، به عنوان فردی که به طور صریح و آشکار نقض حقوق بشر را توسط رژیم تهران مورد انتقاد قرار می‌داد، مدافعی سخنور بود و مرگش برای بسیاری به عنوان یک ضربه بزرگ به حساب می‌آید. لطفاً تسلیت‌های صمیمانه مرا بپذیرید.

* متن تسلیت جیم بیتس، نماینده دموکرات کنگره آمریکا، به آقای مسعود رجوی:

آقای رجوی عزیز،

با تأسف بسیار، ما از ترور غم‌انگیز برادر شما، دکتر کاظم رجوی، در ژنو به دست دیپلمات-تروریست‌های تهران مطلع شدیم. دکتر کاظم رجوی حامی بزرگ حقوق بشر و دموکراسی برای ایران بود. قطعاً دوستان وی راه او را برای به واقعیت پیوستن احترام به حقوق بشر در ایران ادامه خواهند داد. این انسان بزرگ بی‌گناه بی‌رحمانه به قتل رسید، اگرچه با کشتن وی رژیم آخوندی فقط انزوای بیشتر در بین

خانواده ملل به دست آورد. همزمان، روح پاک او به جنبش شما در خیز نهایی برای سرنگونی رژیم حاکم در ایران، انگیزه‌های قویتری خواهد بخشید. خواهشمندم تسلیتهای عمیق و همبستگی خالصانه مرا بپذیرید.

• پیام تسلیت آقای آندره لویی، دبیرکل بین‌الملل دموکرات مسیحی، بلژیک:

«بین‌الملل دموکرات مسیحی با انزجار از خبر قتل کاظم رجوی، پناهنده سیاسی ایرانی وابسته به مقاومت ایران در ژنو، با خبر شد. بین‌الملل دموکرات مسیحی شدیداً مخالفت هرگونه تروریسم، چه از جانب جنبشهای سیاسی و چه از طرف دولتها، می‌باشد. بین‌الملل دموکرات مسیحی این جنایت را محکوم می‌کند و تسلیت خود را به خانواده قربانی تسلیم می‌نماید.»

• متن پیامهای یکسان جیمز اسنو، گرمه کمپبل، ویون کالین کمرون، نمایندگان پارلمان استرالیا، به آقای مسعود رجوی:

آقای رجوی عزیز، خواهشمندم تسلیتم را برای ترور بی‌رحمانه برادران، دکتر کاظم رجوی، در ژنو بپذیرید. او یک مدافع بی‌پروای حقوق نقض شده مردم کشور شما بود. او تلاش خستگی ناپذیری برای جلب توجه جهان به رنج آنان تحت حاکمیت ملایان نمود. مطمئن باشید که بیهوده کشته نشد و خون او فقط باعث تحکیم اراده ما در مبارزه علیه بی‌عدالتی در جهان خواهد شد. مقاومت شما برای صلح و آزادی در ایران از حمایت من برخوردار است.

۲۰ اردیبهشت (۱۰ مه)

• متن تلگرام اومبرتو باروتی، رئیس کمیته مرکزی حزب ترقیخواه دموکراتیک سان‌مارینو، به آقای مسعود رجوی:

«سو قصد مرگبار علیه برادران کاظم رجوی، مبارز و مدافع حقوق بشر، به دست آدمکشان و اجیرشدگان رژیم خمینی ما را عمیقاً متأثر و پریشان نمود. قتل کسی که دهها سال با شیوه‌های صلحجویانه در یک کشور دموکراتیک، برای دموکراسی و آزادی مبارزه می‌کند، حاکی از چیزی نیست مگر ناتوانی رژیمی فئالیک از قبول قوانین دموکراتیک و دورویی دیکتاتورها، که سعی دارند استراتژی خود را که بر روی تروریسم و سرکوب استوار است، پنهان نگهدارند. با ابرار همدردی خالصانه،

مقاومت ایران را از مشارکت معنوی و حمایت سیاسیمان مطمئن می‌سازیم...».

۲۱ اردیبهشت (۱۱ مه)

• پیام سناتور برایانت برنز (استرالیا):

آقای رجوی عزیز، با اندوه بسیار از ترور ناجوانمردانه دکتر کاظم رجوی در ژنو، برایت نامه می‌نویسم. قاتلان در چشم تمامی انسانهای عادل و آزاداندیش جهان محکوم می‌باشند. من از تلاشهای برادر شهیدت در دفاع از حقوق انسانی مردم شما و پیروزیهایی که از جانب آنها به دست آورده بود، آگاهم. مرگ او دوستانش را عمیقاً متأثر کرده است و فقدان عظیمی برای مبارزه جهانی برای دموکراسی و حقوق مدنی به وجود آورده است. تسلیت من به شما، به خانواده رجوی و به جنبش مقاومتی که او زندگیش را وقف آن کرد.

• پیام سناتور ریچارد کنت رابرت آلستون (استرالیا):

آقای رجوی عزیز، لطفاً تسلیتهای مرا به خاطر ترور بی‌رحمانه دکتر کاظم رجوی به دست آدمکشان رژیم خمینی بپذیرید. برادر شما، که در دفاع از حقوق پایمال شده مردم کشورتان سخن می‌گفت، به نحو خستگی‌ناپذیری تلاش می‌کرد که رنج آنها را تحت حاکمیت ملایان، به توجه جهانیان برساند. بنابراین قابل فهم است که چرا او هدف تروریستهای تهران واقع شد. اطمینان داشته باشید که برادر شما به عبث کشته نشد و خون او عزم ما را در مبارزه با بی‌عدالتی در جهان تقویت می‌کند. مقاومت شما برای صلح و دموکراسی در ایران از حمایت ما برخوردار است.

• پیام سناتور اولیو زاکارف (استرالیا):

آقای رجوی عزیز، اجازه بدهید به خاطر مرگ برادر شما دکتر کاظم رجوی که به دست تروریستهایی که از طرف دولت ایران فرستاده شده بودند، به قتل رسید، عمیق‌ترین همدردیهای خود را با شما و خانواده‌تان ابراز دارم. من به کار برادر شما به عنوان مبلغ خستگی‌ناپذیر حقوق بشر برای مردم ایران، ارج می‌نهم. مرگ او بار دیگر نمایانگر تحقیر حقوق بشر توسط رژیم حاضر در کشور شماست، اطمینان دارم که تمامی طالبان عدالت و حقوق بشر در ایران در مرگ برادر شما سوگواری و ولی این حمایت جنبش

مقاومتی را که او جان خود را فدای آن کرد، تقویت می‌کند.

• سناتور ویکتوریا (استرالیا) نیز پیامی مشابهی برای آقای رجوی فرستاد

• پیام سناتور تری اولیچ (استرالیا):

آقای رجوی عزیز،

اجازه می‌خواهم عمیق‌ترین همدردی و تسلیتهای خود را به خاطر مرگ اسفبار برادر شما، دکتر کاظم رجوی، به دست تروریستهای تهران تقدیم دارم. ترور دکتر کاظم رجوی، که یک مدافع بیگناه و خستگی‌ناپذیر حقوق بشر برای مردمش بود، ماهیت واقعی رژیم مستبدی را بر ملا می‌سازد که از فرط استیصال سعی در بهتر جلوه دادن چهره خود دارد. تلاشهای دیپلماتیک و مسالمت‌آمیز با ترور خونین پاسخ گفته می‌شود، چگونه کسی می‌تواند فکر کند که این رژیم در رفتارش با اتباع خود و در خاک تحت حاکمیتش اعتدالی است؟ بنابراین، باید بگویم که برادر شما نمرده، بلکه او در افشاکننده‌ترین رویارویی با آن رژیم تروریستی، آرمان خود را زنده کرد. جنبش مقاومت شما به سرمنزل خواهد رسید و دکتر رجوی تا ابد در قلبها و اذهان ما زنده است.

• پیام لوری دونالد فرگوشن (نماینده مجلس استرالیا):

آقای رجوی عزیز،

با تأسف بسیار از قتل بیرحمانه دکتر کاظم رجوی در ژنو توسط مزدوران خمینی با خبر شدم. برادر شهیدتان مدافع موفقی در امر حقوق بشر برای مردم کشور شما بود و از جانب آنها به پیروزیهای بزرگی دست یافته بود و دقیقاً به همین دلیل هدف این عمل تروریستی قرار گرفت. مرگ او دوستانش را عمیقاً متأثر کرد و فقدان عظیمی برای وجدان بشری محسوب می‌شود. به شما، به خانواده رجوی و به نهضت مقاومتی که او زندگیش را وقف آن نموده بود، تسلیت می‌گویم.

• قسمتی از نامه ویلی روتلی، عضو پارلمان اروپا، به آقای مسعود رجوی:

«... مرگ دکتر کاظم رجوی برای وجدان بشریت یک فقدان است. این فقدان نمی‌تواند جبران شود مگر به وسیله مبارزه برای حقوق بشر، صلح و دموکراسی در ایران، یعنی حمایت از مقاومتی که شما رهبری می‌کنید و دکتر کاظم رجوی وجود خود را وقف آن کرد. اجازه بدهید همدردی و صادقانه‌ترین تسلیتهای خود را به شما و همسر و تمامی خانواده وی تسلیم کنیم».

• نامه فیلیپ کرین، نماینده پارلمان آمریکا، به آقای مسعود رجوی، مسئول

شورای ملی مقاومت ایران:

آقای رجوی عزیز،

با قلبی سنگین همدردی خود را با شما ابراز می‌دارم. فقدان دکتر کاظم نه تنها توسط مردمش بلکه توسط تمامی افرادی که در سرتاسر جهان در آرمان او شریک بودند، حس می‌شود. ممکن است صدای دکتر رجوی خاموش شده باشد، ولی روح او در تمامی افرادی که برای صلح و آزادی در ایران مبارزه می‌کنند، زنده است. اذهان و دعای مردم آمریکا متوجه برادران ماست؛ مبارزه دکتر رجوی پیروز خواهد شد، چرا که او آن آرمانها را در وجود تمامی ما حک کرد.

خالصانه

• نامه آقای دکتر هوآرد مک‌کیردی، مسئول حقوق بشر بین‌الملل حزب

نئودموکرات کانادا به آقای مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت:

آقای رجوی عزیز،

از طرف حزب نئودموکرات کانادا و به عنوان مسئول حقوق بشر بین‌الملل حزب، می‌خواهم صمیمانه‌ترین تسلیتهای خود را به مناسبت مرگ برادران کاظم در سوییس ابراز دارم. ترور وی فقدان برای همه ماست و امیدواریم وضعیت حقوق بشر در کشور شما بهبود یابد. برادر شما یک مبارز خستگی‌ناپذیر برای حقوق و شأن واقعی انسان در کشور شما، در برابر شاه و خمینی بود. امیدواریم زندگی وی پرچمی باشد تا در اطراف آن بتوانیم جهت ادامه مبارزه برای عدالت و آزادی در ایران، تجمع نماییم.

ارادتمند شما

• نامه آقای دیوید کیلگور، نماینده پارلمان و عضو کمیته حقوق بشر کانادا:

آقای رجوی عزیز،

من هم علاقمندم که اسم خود را به آنهایی که از تمامی جهان تسلیتهای خالصانه خود را به مناسبت مرگ برادران، دکتر کاظم رجوی، ابراز داشته‌اند اضافه کنم. مرگ یا اعدام برادر شما یادآوری ننگین دیگری است که رژیم فعلی ایران، با وجود آن که می‌کوشد چهره خود را در نظر غرب اصلاح شده جلوه دهد، اعمال کریه گذشته‌اش را ترک نگفته است. چقدر جای تأسف است که برادر شما، که زندگی خود را وقف حقوق بشر کرده بود، در حالی که خواست قابل تحسین خود را دنبال می‌کرد، هدف گلوله قرار گرفت. مرا در درد خود شریک بدانید. من در خشم و غضب شما

شریک هستم و از مقامات سوییسی می‌خواهم که قاتلان برادر شما را دستگیر نمایند و به دست عدالت بسپارند.

با گرمترین درودها

• نامه سناتور کریس شکت (استرالیا):

آقای رجوی عزیز

از ترور دردناک و بزدلانه برادر شما، دکتر کاظم رجوی، در سویییس که ظاهراً توسط تروریستهای رژیم خمینی انجام شده، مطلع گردیدم. آقای رجوی سالهای مدیدی از عمرش را صرف مخالفت با رژیمهای شاه و خمینی و افشای نقض حقوق بشر توسط آنها نموده بود. لطفاً تأثیر عمیق مرا به مناسبت ترور دکتر رجوی به تمامی هواداران برقراری دموکراسی و حقوق بشر سیاسی در ایران ابلاغ فرمایید. خالصانه

۲۵ اردیبهشت (۱۵ مه)

• نامه کارلوس کوستر، دبیرکل کنفدراسیون جهانی کار (WCL) خطاب به

آقای مسعود بنی صدر:

دوست عزیز، اطلاع یافتیم که دکتر کاظم رجوی، نماینده مقاومت ایران در سویییس و سازمان ملل، در روز ۲۴ آوریل در ژنو به قتل رسید. نشانه‌های زیادی حاکی از این است که عاملان این جنایت تروریستهای رژیم ایران بوده‌اند. ما عمیقاً از فقدان این شخصیت بسیار معروف بین‌المللی که زندگی خود را وقف حقوق بشر و مقاومت برای صلح و دموکراسی در ایران نمود، متأسف هستیم. دکتر کاظم رجوی شخصیت شناخته شده‌ای برای ماست. او از طریق اتحادیه دموکراتیک کارگران ایران، ارتقا دهنده دوستی و رابطه کنفدراسیون جهانی کار با کارگران ایران بود. محترماً تسلیت گرم و احساس همدردی عمیق ما را به اعضای خانواده او، مخصوصاً برادرش آقای مسعود رجوی، رئیس شورای ملی مقاومت، برسانید.

• نامه آلن موریس، نماینده پارلمان استرالیا، به آقای مسعود رجوی مسئول

شورای ملی مقاومت:

آقای رجوی عزیز،

لطفاً عمیقترین تسلیتهای مرا به مناسبت ترور بیرحمانه دکتر کاظم رجوی در ژنو توسط مزدوران رژیم خمینی بپذیرید. دکتر رجوی سالهای طولانی از عمر خود

را با افشای جنایتهای حکومتهای شاه و خمینی، صرف محقق کردن هدف متعالی حقوق بشر نمود. از دست دادن او به واقع ضایعه‌ای برای وجدان بشری است. این ضایعه را صرفاً با حمایت از هدفی که دکتر کاظم رجوی زندگی خود را وقف آن نمود، می‌توان جبران کرد. این به معنی حمایت از مبارزه برای دموکراسی، صلح و حقوق بشر در ایران است که در جنبش مقاومت، به رهبری شما تجلی دارد. بی‌شک زندگی و مبارزات او به عنوان «شهید بزرگ حقوق بشر و مقاومت ایران برای صلح و آزادی» در قلبهای ما باقی خواهد ماند.

عمیقترین همدردی و تسلیتهای خود را تقدیم می‌دارم. خالصانه

• نامه آقای دیوید واکر، نماینده پارلمان و مسئول حقوق بشر حزب لیبرال

کانادا به مسئول شورای ملی مقاومت:

آقای رجوی عزیز،

از طرف خودم و تمام همکارانم در حزب لیبرال کانادا، تقاضا دارم تسلیتهای خالصانه‌مان را به مناسبت فقدان فاجعه‌آسای برادران کاظم بپذیرید.

من افتخار آن را داشتم که وی را در ماه فوریه گذشته در کمیسیون حقوق بشر ملل متحد در ژنو ملاقات نمایم. او بی‌تردید مرد بانفوذ و مؤثری بود و تحسین مرا به خاطر تعهد آشکارش به حقوق بشر برانگیخت و آرزوی قلبیش پایان یافتن اختناق در ایران بود. جای خالی وی بی‌تردید توسط بسیاری احساس خواهد شد، به ویژه توسط کسانی که وی زندگی و کارش را وقف آنها کرد. لطفاً همدردیهای عمیق مرا به سایر اعضای خانواده وی برسانید.

با احترام

۲۲ خرداد (۱۲ ژوئن)

• نامه آقای کلیبورن پل، رئیس کمیته روابط خارجی سنای ایالات متحده

آمریکا به آقای مسعود رجوی:

«آقای مسعود رجوی، رئیس شورای ملی مقاومت ایران،

آقای رجوی عزیز،

از دریافت خبر مرگ برادر شما، دکتر کاظم رجوی، حقیقتاً متأسف شدم. البته از دست رفتن زندگی هر انسان اندوهبار است، اما شرایط مرگ دکتر کاظم رجوی به طور ویژه ناراحت کننده است. من می‌دانم که دکتر رجوی در ایستادگی به خاطر حقوق بشر و آزادی در ایران، استوار بود.

مراتب تسلیت خود را به شما و خانواده دکتر رجوی در این شرایط غمبار تقدیم می‌کنم. با آرزوهای خوب و احترامات فائقه.
کلیبورن پل، رئیس کمیته روابط خارجی سنای ایالات متحده»

۲۳ خرداد (۱۳ ژوئن)

* نامه آقای سام نان، رئیس کمیته نیروهای مسلح سنای ایالات متحده آمریکا به آقای مسعود رجوی:

«آقای مسعود رجوی، رئیس شورای ملی مقاومت،

آقای رجوی عزیز،

من از شنیدن خبر غم‌انگیز سو قصد به برادران، دکتر کاظم رجوی، در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۹۰ در ژنو، عمیقاً اندوهگین شدم. فقدان تلاش‌های او برای احیای دموکراسی و اعتلای حقوق بشر در ایران به شدت احساس خواهد شد.

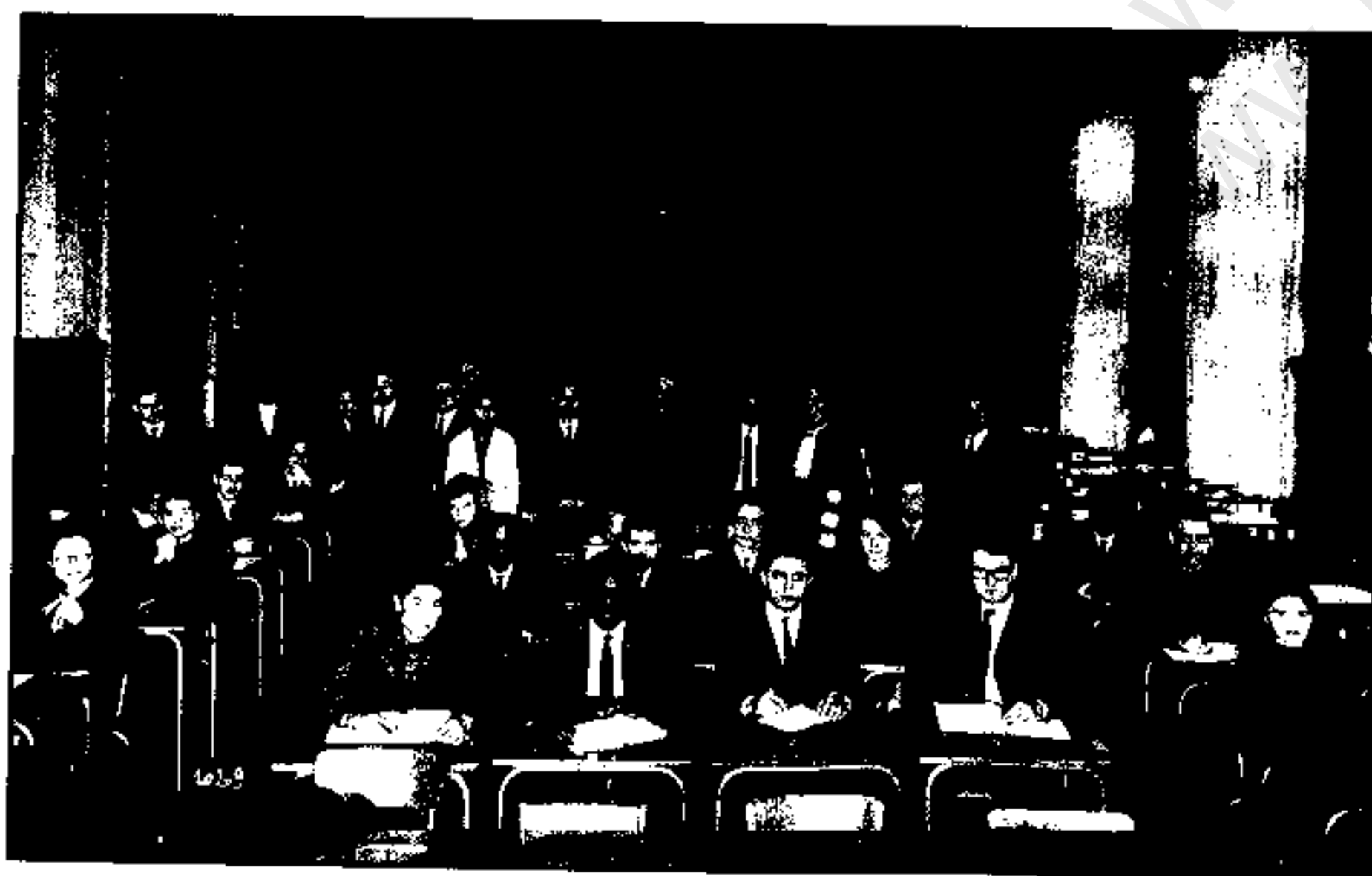
اگر چه برای تسکین اندوهی که بی‌شک در این لحظه احساس می‌کنید، حرف زیادی برای گفتن نمی‌یابم، می‌خواستم بدانید که شما دوستان زیادی دارید که به شما فکر می‌کنند و در غم شما سهیم هستند.

کالین [همسر وی] و من عمیق‌ترین همدردی خود را به شما تقدیم می‌کنیم و غنی‌ترین رحمت پرودگار را برای شما و خانواده‌تان مسألت داریم.
با احساسات خالصانه، سام نان



▲ معلم مدرسه — ۱۳۳۶

▼ دانشجوی سوربن — ۱۳۴۳





در کنفرانس
جهانی کار - ۱۳۶۳

در کنگره کنفدراسیون
جهانی کار - ۱۳۶۸



با همسرش میشل - ۱۳۴۳

با دخترش لورا - ۱۳۶۴





مراسم خاکسپاری — ۱۳۶۹



مراسم خاکسپاری — ۱۳۶۹





مراسم خاکسپاری — ۱۳۶۹



SHOWRA

REVUE MENSUELLE DU CONSEIL NATIONAL DE LA RESISTANCE D'IRAN

N° 53 Mars - Mai 1990 : FARVARDIN - KHORDAD 1369